

# سلوک علوی (راهبردهای امام علی (ع) در تربیت فرزندان)

مؤلف : سید حسین اسحاقی

## پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

مقتدای راهمان علی علیه السلام است ، همو که واژگان ، تاب بزرگی روحش را ندارند. با کدامین واژه می توان به توصیف آفتاب نشست ؟ آن گاه که از روی سینه عبدود برخاست ، اخلاص معنا گرفت . چون به همراه همسر و فرزندان افطار خود را سه شب پیاپی به مسکین و یتیم و اسیر بخشید ، خودخواهی ها رخت بر بست و دگر خواهی معنا و مفهومی تازه یافت . آن شب که ضربه شمشیر ابن ملجم بر فرق نازنینش نشست ، واژگان محبت و گذشت در برابرش ، به زانو درآمد. او که عارفان و مجتهدان ، پدر عرفان و پیشوای زاهدان می نامندش . همو که شجاعان و دلیران ، او را مظهر شجاعت و جوانمردی ، عدل پیشگان و دادخواهان ، او را سرمشق دادگستری ، حکمرانان و کارگزاران ، حکومتش را نمونه اعلاى حکومت انسانی ، فیلسوفان و اندیشمندان ، او را در قله های حکمت و دانایی و مددکاران عالم ، وی را نمونه دستگیری می دانند. به راستی ، گفتار و کردار آن پیشوای سترگ مانند آب حیاتی از چشمه سار زلال هستی می جوشد و در جویبار اجتماع جاری می شود و روح تعالی می دمد. درخشش نور حق در جمال علی علیه السلام چنان تابناک است که دیده ها را توان تماشای آن نیست . علی علیه السلام اقیانوسی است که کرانه اش سراسر هستی را پوشانیده است . خورشید محبت علی علیه السلام روشنای دل های عاشقان و نورافشان پرده های زمان است .

اینک که کالبد زمان ، با نام زیبای او جانی تازه یافته ، در دریای مواج کرامت هایش غور می کنیم و

در واژه هایی از فضل و تربیت برمی چینیم و آن را ره توشه راهمان می سازیم . آموزه های نورانی اش را پاس می داریم ؛ زیرا پویا، شیوا، انسان ساز و حیات آفرین است . بر عجز و ضعف خویش معترفیم ؛ چه از اقیانوس بیکران کلامش همان قدر می دانیم که آن ایستاده بر ساحل دریا از عمق و وسعت و عجایب دریا می داند، جز هیمنه ای از امواج ، چیزی در گوش نداریم و جز به قدر وسعت دیدمان نمی بینیم . واپسین کلاممان این است : ای علی ! ای که زادگاهت بیت الله ، زندگانی ات عبدالله ، وجودت محو ذات الله ، پیکارت فی سبیل الله ، سخنانت نورالله ، سیمایت تجسم صفات الله و سرانجامت فنای فی الله است ! ما را از زلال هدایتت نصیب فرما، دل هایمان را از دریای کمالاتت سیراب و مشام جانمان را از بوی خوش علوی ، سرمست گردان ، که در هر حال ، پیوندمان با اهل بیت علیه السلام ناگسستنی است .

در اینجا لازم است از مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما که زمینه انجام این تحقیق را فراهم آورده و نیز از همکاری مسئولان محترم بوستان کتاب قم که امکان انتشار این اثر را فراهم آوردند، سپاسگذاری نمایم . امید آن که تلاش ما مقبول طبع بلند شما تربیت یافتگان مکتب اهل بیت علیه السلام قرار گیرد که بی گمان پذیرشتان قبول حضرت حق را در پی خواهد داشت . در هر حال ، پنجره دیدگانمان را به سوی رهنمودهای سودمندتان می گشاییم .

سید حسین اسحاقی

### مقدمه

تربیت از ابتدایی ترین و اساسی ترین نیازهای زندگی بشری است . نه تنها تربیت لازمه جدایی ناپذیر زندگی است ،

بلکه انسان، تنها در پرتو تربیت صحیح می تواند موجودی هدفمند و اندیشه ورز بوده، به اهداف و آرمان های خود دست یازیده و قله رفیع سعادت را فتح کند. انسان مسلمان، برای پیمودن راه سعادت و بندگی، نیازمند الگوهای مطمئن در عرصه عمل است. تنها معصومین علیه السلام هستند که از گوهر عصمت و مصونیت برخوردار و از خطا و اشتباه به دورند. آنان بهترین و مطمئن ترین الگوهای تربیتی اند و ارائه دیدگاه هایشان، ضرورتی انکارناپذیر برای پویندگان عرصه تعلیم و تربیت است. در این میان، الگوی تربیتی امام علی علیه السلام جایگاه ویژه ای دارد. آشنا ساختن فرزندان با علوم اهل بیت علیه السلام، از جمله عناصر مهم تربیت دینی در فرهنگ شیعی و علوی است. باید بکوشیم تا فرزندانمان را با معارف غنی، متقن و روشنگر اهل بیت علیه السلام آشنا سازیم و آنان را با تعلیم معارف و محاسن دانش ناب اهل بیت علیه السلام در حریم امن عقیده و عمل قرار دهیم و در برابر هجوم عقاید و اندیشه های ناپاک، سدی مستحکم ایجاد کنیم؛ همان گونه که حضرت علی علیه السلام می فرمایند: به کودکان خود، آن مقدار از دانش ما را، که به حال آنان مفید است، تعلیم دهید تا اندیشه مخالفان و مرجئه، بر آنان غالب نشود.<sup>(۱)</sup>

در سیره تربیتی معصومین علیه السلام تربیت، پیش از تولد آغاز می شود؛ بدین معنا که پدران و مادران موظفند زمینه هایی را فراهم آورند که فرزندانمان به اعمالی چون نماز که بارزترین و مهم ترین مصداق تربیت دینی است و تلاوت قرآن کریم که سرچشمه معارف الهی است و دعا و همه فضیلت ها و ارزش های دینی و اخلاقی دیگر در آنان ملکه شود.

---

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

## ضرورت و اهمیت تربیت

توجه به تربیت ، توجه به حیاتی ترین مقوله انسانی است . همه بسامان ها و نابسامانی ها، صلاح ها و فسادها وسعادت ها و شقاوت ها به نوع تربیت باز می گردد. تربیت از حیاتی ترین ابعاد زندگی انسان است و در پرتو آن ، انسان به سعادت مطلوب نایل می شود. بزرگ مربی اسلام حضرت علی علیه السلام بارها و بارها در سخنان خود، به بیان این مهم پرداخته و آثار و نتایج مثبت تربیت فرزند و پی آمدهای منفی بی توجهی به آن را بیان کرده اند. امام علی علیه السلام به تربیت فرزند، فراتر از تاءمین نیازهای جسمی و عاطفی آن نگریده و آن را عطیه ای الهی شمرده اند که در پرتو تربیت سازنده به کمالات انسانی خواهد رسید. ایشان تربیت و ادب آموزی را میراثی بی مانند تلقی کرده اند. <sup>(۲)</sup> علی علیه السلام ثمره و محصول تربیت را پرورش فرزند ناصالح دانسته اند. ایشان فرزند صالح را نیکوترین یادگار، بلکه مساوی با همه یادگارهای باقی مانده از والدین معرفی <sup>(۳)</sup> و از دیگر سو فرزند ناصالح را مایه نابودی شرف و بلند مرتبگی پدران ، و پیشینیان آنان معرفی می کنند. <sup>(۴)</sup> فرزند ناصالح نه تنها خویشتن خود را گم می کند و گوهر بندگی و انسانیت خویش را از دست می دهد بلکه گاهی ممکن است پدر صالح و شایسته را به انسانی ناصالح تبدیل کند. حضرت علی علیه السلام درباره زبیر می فرمایند: پیوسته زبیر مردی از ما اهل بیت بود تا این که فرزند شوم و ناخلف او، عبدالله بزرگ شد <sup>(۵)</sup>

---

۳- همان ، ص ۲۳. ولد الصالح اءحد الذکرین .

۴- همان ، ص ۲۲۲. ولد السؤ یهدم الشرف و یئسین السلف .

۵- نهج البلاغه ، کلمات قصار، ش ۴۵۳.

و او را از ما جدا کرد) بنابراین، تربیت، بستر خوشبختی و بدبختی انسان‌ها و جوامع مختلف را فراهم می‌سازد. انسان به سبب تربیت درست، متخلق به اخلاق ربانی می‌شود و با تربیت نادرست، از سیر کمال باز مانده و به بیراهه می‌رود. البته انسان‌ها در پذیرش تربیت متفاوتند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: الناس ثلاثة: فعالم ربانی و متعلم علی سبیل نجاه و همج رعاع اتباع كل ناعق یمیلون مع كل ریح لم یستضیوا بنور العلم و لم یلجؤا الی ركن وثیق؛<sup>(۶)</sup> مردم سه دسته‌اند: دانایی که خداشناس است؛ آموزنده‌ای که در راه رستگاری کوشا است و فرومایگانی رونده به چپ و راست، که در هم آمیزند و پی هر بانگی را گیرند و با هر باد به سویی خیزند، نه از روشنی دانش فروغی یافتند و نه به سوی پناهگاهی استوار شتافتند.

انسان می‌تواند به سبب تربیت، به کمالات انسانی دست یابد یا به پایین‌ترین مراتب انسانی تنزل کند و از حقیقت وجودی خویش بی‌بهره بماند. پرداختن به تربیت، در حقیقت، توجه به ضروری‌ترین امور انسان و جامعه انسانی است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: عدم الادب سبب كل شر؛<sup>(۷)</sup> فقدان ادب، سبب هر شر و بدی است.

پیشوایان معصوم علیه السلام مسئله تربیت و هدایت مردم را در رأس برنامه‌های خود قرار داده بودند. آنان در سخت‌ترین شرایط نیز به این مهم عنایت داشتند. نمونه بارز این مسئله، در پاسخ حضرت علی علیه السلام به معترضانی که پس از بازپس‌گیری شریعه آب از سپاه معاویه و

---

۶- همان، حکمت ۱۴۳.

۷- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۵۸.

سپس آزاد گذاشتن آن برای استفاده لشکریان دشمن ، خرده می گرفتند، مشهود است : اءما قولکم : اءكل ذلک کراهیه الموت ! فوالله ما اءبالی ؛ دخلت الی الموت اءو خرج الموت الی . و اءما قولکم شکا فی اءهل الشام ! فوالله ما دفعت الحرب یوما الا و اءنا اءطمع اءن تلحق بی طائفه فتهتدی بی و تعشو الی ضوئی و ذلک اءحب الی من اءن اءقتلها علی ضلالها و ان کانت تبوء باثامها ؛<sup>(۸)</sup>

اما سخن شما که این همه تامل و درنگ مرا حمل بر ترس و کشته شدن کرده اید! پس سوگند به خدا هیچ باکی ندارم از داخل شدن در مرگ (کشته شدن در میدان کارزار) یا این که ناگاه مرگ مرا دریابد. اما سخن شما که با مرا شک و تردیدی است . (و فرمان جنگیدن نمی دهم)، پس سوگند به خدا یک روز جنگ کردن را به تاءخیر نینداختم ، مگر آن که می خواهم گروهی (از آنان) به من ملحق گردیده و هدایت شوند(دست از گمراهی کشیده به راه راست قدم نهند) و با چشم کم نور خود، روشنی راه مرا ببینند و این تامل و درنگ در کارزار، نزد من محبوب تر از این است که آن گمراهان را بکشم و اگر چه ایشان دست از ضلالت و گمراهی برندارند سرانجام کشته می شوند و در روز قیامت با گناهانشان (که مخالفت با امام و پیروی از دشمنان است) باز می گردند. حضرت علی علیه السلام گاهی در میدان های جنگ ، علاوه بر تربیت گروهی ، به تربیت فردی نیز مبادرت می ورزیدند. در این باره نقل شده است که در جنگ جمل ، از بین لشکریان حضرت ، فردی برخاست و عرض کرد: آیا اعتقاد شما بر این است که خدا یکی است ؟ اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام از این سؤال در آن شرایط حساس تعجب کردند و گفتند:

---

۸- نهج البلاغه ، خطبه ۵۴.

مگر نمی بینی امام در این جبهه با چه مسائلی مواجه است . حضرت علی علیه السلام فرمودند: بگذارید جواب سؤال خود را بگیرید و درباره خدای خود شناختی کسب کنید؛ زیرا او همان را می خواهد که ما آن را دشمن خود (در جنگ) می خواهیم ؛ یعنی هدف ما از جنگ ، تربیت و بیداری مردم است و مبارزه و جنگ ، اصالت ندارد و هدف نیست ، سپس با کمال خون سردی در میدان جنگ ، مسئله توحید و خداشناسی را برای او تشریح کردند تا وی کاملاً قانع شد.<sup>(۹)</sup>

### تسریع در تربیت فرزندان

برای موجوداتی که در طریق تغییر، تحول ، رشد و تکامل هستند معمولاً موسم مناسبی وجود دارد که در آن زمان رشد آنان سریع تر صورت می گیرد. گل ها در موسم بهار می رویند، چشمه ها در زمستان جاری می شوند، ابرها در همین فصل بارور می گردند و درختان در گرمای تابستان به بار می نشینند و ثمر می دهند. تربیت فرزند نیز موسم مناسب می طلب که زمان آن در کودکی ، نوجوانی و عنفوان جوانی است ؛ آن گاه که فرزند، قلبی آسمانی دارد و هواهای نفسانی و خواهش های غیرانسانی به سرزمین پاک و بی آلایش او رسوخ نکرده اند، هنوز پلیدی ها و زنگارها میهمان ناخواسته وجود نگشته و کشتزار دل او آماده پذیرش هر بذری است . علی علیه السلام به این مهم توجه نموده و در منشور تربیتی خویش فرموده اند: فرزند دلبندم ! چون سالیانی را پشت سر نهاده و به سستی در افتاده ام ، بدین وصیت برای تو مبادرت کردم و خصلت هایی را در آن برشمردم پیش از آن که مرگ بشتابد و

---

۹- شیخ صدوق ، التوحید، باب سوم ، ج ۳.



مرا دریابد و آنچه در اندیشه دارم به تو ناگفته ماند یا اندیشه ام هم چون تنم نقصان به هم رساند یا پیش از نصیحت من ، پاره ای خواهش های نفسانی بر تو غالب گردد یا فریبندگی های دنیا تو را بفریبد و هم چون شتری گریزان و نافرمان باشی . به درستی که دل جوان هم چون زمین ناکشته است هر چه در آن افکنند بپذیرد. پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آن که دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد.<sup>(۱۰)</sup>

امام علیه السلام در قسمت دیگری از نامه می فرماید:

چون به کار تو مانند پدری مهربان عنایت داشتم ، بر ادب آموختنت همت گماشتم ، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی و در بهار زندگانی که نیتی پاک و نفسی صاف و بی آلایش داری ، به کار رود.<sup>(۱۱)</sup>

امروز که فرزندان ما در خطر تهاجم فرهنگی دشمنان قرار گرفته اند و با کمترین غفلت و بی توجهی ، فرزندانمان به عناصری ناپاک و ناخلف تبدیل می شوند بسیار ضروری است که خانواده به عنوان اولین و اساسی ترین نهاد تربیتی ، تلاش مضاعفی را متحمل شود و هیچ گاه از توجه به وظیفه خطیر تربیت فرزند کوتاهی نکند؛ چه در آن صورت کسی جز خود را نتوان ملامت کرد.

---

۱۰- نهج البلاغه ، ترجمه سید جعفر شهیدی ، نامه ۳۱ ، ص ۲۹۷.

۱۱- همان ، ص ۲۹۸.

## بخش اول : تربیت و مسائل اساسی آن از دیدگاه امام علی علیه

### السلام

#### تعریف تربیت

واژه تربیت از ریشه ربوبه معنای زیادت ، فزونی ، رشد و برآمدن گرفته شده است .<sup>(۱۲)</sup> و در اصطلاح ، به معنای فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش استعداد های جسمانی ، روحانی و هدایت آن ها در جهت مطلوب و جلوگیری از وقوع انحرافات و ناهنجاری ها است . البته تربیت ، به معنای رسیدن به رشد ، هدایت به حق و کمال ، رسیدن به حد بلوغ و تشخیص تزکیه نفس و اخلاق و به معنای ادب کردن هم آمده است . کلمه ادب را در احادیث می توان تعبیری از تربیت یا حتی مترادف آن دانست . حضرت علی علیه السلام فرمودند:

ما نحل والد ولدا نحلا ءفضل من اءدب حسن ؛<sup>(۱۳)</sup>

هیچ بخششی از جانب پدر به فرزند، برتر از ادب و تربیت نیکو نیست . در خصوص فراهم نمودن زمینه مناسب برای پرورش ، دل اشخاص ، مانند زمین آماده ای است که استعداد رویش هر گیاهی در آن وجود دارد؛ بر این اساس ، امیر مؤمنان علیه السلام در وصایای خود به امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند: انما قلب الحدث كالأرض الخالية ما اءلقى فيها من شی ء قبلته مبادرتك بالاءدب قبل اءن يقسر قلبك و یشغل لبك لتستقبل بجد راءیک من الاءمر ما قد كفاك اءهل التجارب بغیته و تجربته ؛<sup>(۱۴)</sup>

---

۱۲- معجم مقاییس اللغه .

۱۳- مستدرک الوسائل ، ج ۲ ، ص ۱۵ .

۱۴- نهج البلاغه ، ترجمه و شرح فیض الاسلام ، ص ۹۱۳ .

همانا دل فرد جوان مانند زمین دست نخورده ای است که هنوز بذری در آن پاشیده نشده است و هر بذری که در آن افکنده شود به خود می گیرد و آن را می رویاند. پس به ادب و تربیت تو، قبل از آن که دلت سخت شود و حقایق را نپذیرد و عقلت به امور دیگر مشغول گردد، اهتمام ورزیدم تا در سایه اندیشه و تفکر، به امور مربوط به خود اقدام کنی و از تجربه های مکرر و انجام آزمایش هایی که اهل تجربه انجام داده اند، معاف گردی .

انسان دارای استعداد های نهفته ای است که با تربیت صحیح ، مورد بهره برداری قرار می گیرد. به وسیله تربیت می توان تمامی استعداد های جسمانی و روحانی و عقلانی و عاطفی را رشد داد. از آن گذشته ، تربیت جنبه عملی هم دارد؛ یعنی انسان به هنگام تربیت ، علم و آگاهی خود را به کار می گیرد و از دانسته های خود، استفاده کاربردی می نماید.

### ویژگی های تربیت اسلامی

اسلام در تربیت ، چهره ممتازی دارد و برخلاف نظام های متداول تربیتی که فاقد جهت متعالی و هدف الهی هستند، دارای زیربنای معنوی و جهان بینی خدایی است و جهان را از دایره تنگ ماده پرستی و طبیعت گرایی فراتر می برد و در آن آموزش و پرورش بر اساس متافیزیک و اعتقاد به اصول دین و پایه های انسانی شکل می گیرد. تربیت اسلامی زمینه هدایت ، پویایی و شکوفایی عقلانی انسان را فراهم می سازد و به تربیت جسم ، عقل و روان انسان می پردازد. شاخص های تربیت اسلامی را می توان به اختصار در محورهای زیر جست و جو کرد:

## ۱. تزکیه و اصلاح خویش

اسلام، هر کسی را مسئول اعمال و رفتار خود می‌داند و بر این اساس، دستور اکید به خودسازی می‌دهد. هیچ کس مسئولیت اعمال و رفتار خود را نمی‌تواند برگردن دیگران بگذارد. اگر نیکی کند به خود او باز می‌گردد و اگر بدی هم کند گریبان گیر شخص او خواهد بود. اسلام می‌خواهد، انسان قبل از این که دیگران را هدایت کند ابتدا به تزکیه و اصلاح خود پرداخته حرف و عملش یکی شود حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید:

لعن الله الامرین بالمعروف التارکین له و الناهین عن المنکر العاملین به ؛ <sup>(۱۵)</sup>

لعنت خدا بر آنان که به معروف فرمان دهند و خود آن را واگذارند و از منکر باز دارند و خود آن را به جا آورند.

حضرت بارها فرمودند: هیچ سخنی نگفتم و هیچ دستوری به شما ندادم، مگر این که خود، قبل از شما به آن عمل نمودم.

## ۲. هدایت و حفاظت از دیگران

هر مسلمانی وظیفه دارد دیگران را به سوی خدا دعوت کرده و آنان را با احکام اسلامی آشنا سازد و راه صحیح را به دیگران بنمایاند. خداوند کسانی را که به این رویه عمل می‌کنند ستوده و می‌فرماید:

و من اءحسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من

المسلمین؛ <sup>(۱۶)</sup>

---

۱۵- همان، خطبه ۱۲۹.

۱۶- فصلت (۴۱) آیه ۳۳.

چه کسی گفتارش بهتر است از آن کسی که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید من از مسلمینم .

حضرت امیر علیه السلام می فرمایند:

و انہوا غیرکم عن المنکر و تناہوا عنہ فانما امرتم بالنہی بعد التناہی ؛ <sup>(۱۷)</sup>  
نهی کنید دیگران را از ارتکاب منکر و خودتان هم دست بکشید؛ زیرا شما  
ماءمور شده اید که نهی از منکر نمایید، پس از آن که خود، از منکر اجتناب  
کردید.

بنابراین ، انسان نه تنها مسئول اعمال و رفتار خود است ، بلکه باید در  
صورت امکان از دیگران نیز در برابر کجروی ها حفاظت نماید و آنان را با  
ارشاد راهنمایی ، امر به معروف و نهی از منکر به راه راست بازگرداند. از پیامبر  
گرامی اسلام علیه السلام نقل شده است :

بدانید همه شما نگهبانید و همه در برابر کسانی که ماءمور نگهبانی آن ها  
هستید مسئولید، امیر و رئیس حکومت اسلامی ، نگهبان مردم است و در برابر  
ایشان مسئول است . زن نیز نگهبان خانواده ، شوهر و فرزندان است و در برابر  
آنان مسئول ، بدانید همه شما نگهبانید و در برابر کسانی که ماءمور نگهبانی آنان  
هستید مسئولید. <sup>(۱۸)</sup>

بنابراین انسان ، مسئول اعمال دیگران مخصوصا خانواده خویش است . در  
همین زمینه حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

علموا انفسکم و اهل بیتکم الخیر و اءدبواہم ؛ <sup>(۱۹)</sup>

---

۱۷- نهج البلاغہ ، خطبہ ۱۰۴ .

۱۸- مجموعه ورام ، ج ۱ ، ص ۶ .

۱۹- درالمنثور، ج ۶، ص ۱۴۴ .

به خود و خانواده تان نیکی بیاموزید و آن ها را ادب کنید.  
قرآن مجید هم در بیانی زیبا می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! خود  
و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است نگه  
دارید. (۲۰)

### ۳. ناظر دانستن خدا بر اعمال خویش

از دیگر ویژگی های تربیت اسلامی این است که مسلمان را به گونه ای  
تربیت می کند که عالم را محضر خدا و او را بر تمام امور شاهد و ناظر می داند.  
او این درس را از قرآن مجید و اولیای الهی (مفسران حقیقی قرآن) آموخته است  
، او می داند که *والله شهید علی ما تعلمون* (۲۱) خداوند شاهد و گواه بر اعمال و  
رفتارتان است .

خداوند در همه جا، خود را همراه با ما می داند و می فرماید:  
*هو معکم اءین ماکنتم والله بما تعلمون بصیر*؛ (۲۲) هر جا باشید خدا با شما  
است و خداوند به آنچه انجام می دهید بینا است . امام علی علیه السلام می  
فرمایند: در هر حال ، انسان باید خدای متعال را حاضر و ناظر بر اعمال خود  
بداند: *فرحم الله امرءا راقب ربه و تتکب ذنبه ، و کابر هواه ، و کذب مناه امرءا زم  
نفسه من التقوی بزمام و اءلجمها من خشیه ربها بلجام ، فقادهها الی الطاعه  
بزمامها، و قدعها عن المعصیه بلجامها،*

---

۲۰- تحریم (۶۶) آیه ۶ یا اءیها الذین آمنوا قوا انفسکم و اءهلیکم نارا و قودها الناس و

الحجاره...

۲۱- آل عمران (۳) آیه ۹۸؛ هم چنین رک : نساء (۴) آیه ۳۲؛ مائده (۵) آیه ۱۷؛ سباء (۳۴)

آیه ۴۷؛ یونس (۱۰) آیه ۴۶؛ فصلت (۴۱) آیه ۵۳؛ بروج (۸۵) آیه ۹ فجر (۸۹) آیه ۱۴.

۲۲- حدید (۵۷) آیه ۴.

رافعا الی المعاد طرفه ، متوقعا فی کل اءوان حتفه دائم الفکر ؛ <sup>(۲۳)</sup>

خدا رحمت کند انسانی را که همیشه پرورگارش را در نظر داشته ، از گناه کناره گیرد و با خواهش دل بجنگد و آرزوی دنیایی خود را تکذیب کند؛ آن انسانی که نفس سرکش خود را با تقوا و پرهیزگاری مهار کند و با لگام ترس از پروردگار خویش بر دهانش دهنه زند و مهارش را به سوی طاعت و فرمان برداری خدا کشاند و از نافرمانی و معصیت بازش دارد. آن بنده ای که دیده به روز معاد دوخته و هرآنی انتظار مرگ خود را دارد و پیوسته در تفکر و اندیشه به سر می برد.

#### ۴. مقدم بودن حیات اخروی بر حیات دنیوی

اسلام ، دنیا را مقدمه نیک بختی آخرت می داند و بر بهره وری سالم از مواهب دنیا نیز تاءکید دارد. در اسلام ترک دنیا و گوشه گیری و انزوا هم مردود است ، اما اصل ، زندگی اخروی است همان گونه که خداوند می فرماید:

و الاخره خیر واءبقی ؛ <sup>(۲۴)</sup>

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است .

حضرت علی علیه السلام پس از نکوهش کسانی که تنها برای دنیا کار می کنند به طوری که از آخرت باز می مانند می فرمایند:

---

۲۳- الکافی ، ج ۸ ، ص ۱۷۲.

۲۴- اعلی (۸۷) آیه ۱۷.

و عامل عمل فی الدنيا لما بعدها فجاءه الذی له من الدنيا بغير عمل ، فاءحرز  
الخطین معا و ملک الدارين جميعا، فاءصبح و جیها عندالله ، لایسال الله حاجه  
فیمنعه ؛ <sup>(۲۵)</sup>

یکی در دنیا برای آخرت کار می کند و آنچه بر او (مقدر) است از دنیا می  
رسد، پس هر دو بهره را جمع نموده و هر دو سرا را به دست آورده است و نزد  
خدا با آبرو گشته و از او حاجتی نخواهد که روا نسازد. (زیرا آبرومندی او نزد  
خدا مستلزم روا شدن در خواست های او است).

### ۵. جامعیت و شمول

در منطق تربیتی اسلام ، همه ابعاد وجودی انسان محترم و ارزشمند است و  
سعی می کند هم به ابعاد وجودی او توجه نماید. هم به جسم و جانش و هم به  
عقل و روانش . تعالیم اسلام ، همه جهات انسانی را شامل می شود، اجازه ضرر  
و زیان به ابدان نمی دهد و تلاش می کند تا هر مؤمن و مسلمانی در صیانت و  
به کارگیری عقل و منویات آن کوشا بوده و در تزکیه آن تلاش کند. قرآن مجید  
می فرماید: قد اءفلح من زکیها . اسلام همان گونه که عقل را میزان سنجش  
صواب از ناصواب معرفی می کند، قلب را نیز کانونی برای به ثمر رسیدن  
عواطف عالی انسانی می شمارد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

کفاک من عقلک ما اءوضح لک سبل غیک من رشدک ؛ <sup>(۲۶)</sup>

---

۲۵- نهج البلاغه ، ترجمه و شرح فیض الاسلام ، ص ۱۲۱۷.

۲۶- همان ، حکمت ۴۲۱.



از خرد، تو را این بس است که راه گمراهی ات را از راه رستگاری ات  
نمایان می سازد.

اگر بر اساس تربیت اسلامی ، عقل به درستی به کار گرفته شود، مفسد و  
مصلح را می شناسد و راه سعادت و کمال را به انسان نشان می دهد؛ زیرا تفکر،  
عاقبت اندیشی و واقع نگری کار عقل است . عقل با تفکر صحیح می تواند  
واقعیات را کشف و سعادت و کمال واقعی انسان را تاءمین کند، مبداء آفرینش  
جهان را بشناسد و از دستورهایش پیروی کند، فضایل و مکارم اخلاق را  
بشناسد و خودسازی کند، رذایل اخلاقی را تشخیص دهد و از آن ها اجتناب  
کند.

حضرت درباره تربیت قلب فرموده است :

به رگی از (رگ های) این انسان ، پاره گوشتی آویخته شده که آن شگفت  
ترین چیزی است که در او است و آن قلب است که برای آن اوصاف پسندیده و  
ناپسندیده ای است . اگر امید و آرزو به آن رو کند، طمع و آز خوارش می  
گرداند و اگر طمع در آن بجوشد، حرص تباهش سازد. اگر نومیدی به آن دست  
دهد، حسرت و اندوه او را می کشد. اگر غضب و تندخویی بران آن پیش آید،  
خشم به آن سخت گیرد. اگر رضا و خشنودی آن را همراه شود، خودداری  
(از ناپسندی ها) را فراموش کند. اگر ناگهان ترس او را فراگیرد، دوری جستن  
(از کار) مشغولش سازد و اگر ایمنی و آسودگی آن فزونی نگیرد، غفلت آن را  
می رباید. اگر به آن مصیبت و اندوه رخ دهد، بی تابی رسوایش کند. اگر مالی  
بیابد، توانگری او را یاغی گرداند اگر بی خبری آن را بیازارد، بلا و سختی  
گرفتارش کند. اگر گرسنگی بر آن سخت گیرد، ناتوانی از پایش در می آورد.

اگر سیری آن بسیار گشته ، از حد بگذرد، شکم پروری به رنجش می اندازد، پس هر کوتاهی از حد آن را زیان رساند و هر بیشی در حد، آن را تباه گرداند. <sup>(۲۷)</sup> (بنابراین قلبی که اعتدال و میانه روی را از دست نداده و به حکمت رفتار کند، دارنده آن سود دنیا و آخرت خواهد برد.)

#### ۶. عبادت بودن تربیت اسلامی

در اسلام آن قدم هایی را که انسان برای رشد و کمال خود و پرورش دیگران برمی دارد و در جهت رضای خداوند است ، عبادت محسوب می شود. عبادت کردن ، محدود به آن لحظات کوتاهی که انسان مشغول مراسم عبادی ، از قبیل نمازگزاردن و دعاکردن است ، نمی شود. عبادت ، هنگامی ارزش خود را بروز می دهد که به صورت راه و رسم زندگی درآید. ارزش آن در مواقعی است که شیوه رفتار و کردار و تفکر و همه شئون زندگی فرد را فراگیرد. عبادت به معنای ایجاد پیوند بین قلب انسان و خدا است . اسلام فرد را چنان تربیت می کند که در همه حال با خدا مرتبط باشد. عبادت ، وسیله ای برای اصلاح نفس و اصلاح زندگی است و تمام منافع و عواید آن نصیب خود انسان می شود و او را رستگار می سازد. در حقیقت ، دستورات عبادی اسلام ، هم در برگیرنده فواید شخصی است و هم دارای منافع اجتماعی . حضرت علی علیه السلام در خطبه معروف همام فرموده اند:

---

۲۷- همان ، ص ۱۱۳۶ - ۱۱۳۷.

ان الله سبحانه خلق الخلق حين خلقهم غنيا عن طاعتهم ؛ امنا عن معصيتهم ؛ لانه لا تضره معصيه من عساه ، ولا تنفعه طاعه من اءطاعه ؛ <sup>(۲۸)</sup> همانا خداوند مخلوقات را آفرید و از اطاعت و عبادت آنان بی نیاز و از گناه و معصیت آنان ایمن است ؛ زیرا معصیت افراد، ضرری به وی نمی زند و اطاعت آنان ، برای او نفعی ندارد.

اگر انسان نیت خود را خالص گرداند و قصد قربت کند که در تلاش تربیتی برای خودسازی و دیگرسازی ، رضای الهی را در نظر بگیرد، در همه حال ماءجور خواهد بود.

#### ۷. هماهنگی با فطرت انسان

برنامه ها و اقدامات تربیت اسلامی بر فطرت آدمی استوار است و می کوشد تا حجاب های فطرت را بزدايد و آن را شکوفا سازد. تربیت فطری ، متناسب با وجود آدمی و نیازهای او و در خور حقیقت انسانی است ؛ تربیتی است که عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص را جلوه می دهد. تربیتی که در خلاف جهت حقیقت جویی ، زیبادوستی ، علم جویی ، آزادی ، راءفت گرایی ، عدالت خواهی و حق گرایی گام بردارد؛ تربیتی است خلاف فطرت . رسالت تربیتی است همه انبیای الهی ، تربیت فطری بوده است . حضرت علی علیه السلام در بیان هماهنگی تربیت اسلامی با فطرت می فرمایند:

---

۲۸- همان ، خطبه ۱۸۳.

و اصطفی سبحانه من ولده انبیاء، اءخذ علی الوحی میثاقهم ، و علی تبلیغ الرساله اءمانتهم ، لما بدل اءكثر خلقه عهد الله الیهم فجهلوا حقه ، و اتخذوا الاءنداد معه و اجتالتهم الشیاطین عن معرفته ، و اقتطعهم عن عبادته ، فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیاءه لیستاد و هم میثاق فطرته و ید کروهم منسی نعمته ؛

(۲۹)

خدای سبحان از فرزندان آدم علیه السلام پیامبرانی برگزید و به زبان وحی پیمان هر یک از ایشان را شنید که امانت او نگاه دارند و حکم خدا را به دیگران برسانند و این هنگامی بود که بیشتر آفریدگان از فطرت خویش بگردیدند و طومار عهد در نور دیدند. حق او را نشناختند و برابر او خدایانی ساختند. شیطان ها، آنان را از خدانشناسی به گمراهی کشیدند و پیوندشان را با پرستش خدا بریدند. پس هر چندگاه پیامبرانی فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق فطرت بگزارند نعمت فراموش کرده را به یاد آورند.

برای شکوفا شدن فطرت و استعدادها محیط تربیتی لازم است و گرنه استعدادهای درونی انسانی در جهت خیر و صلاح رشد نمی یابد. اسلام برای تطابق روش تربیتی خود با فطرت انسان به همه جهات تربیتی و مراحل رشد آدمی توجه دارد و برای هر وضعیت و موقعیتی دستورهای تربیتی خاصی ارائه می دهد.

### اهداف تربیت

در نظام تربیتی اسلام ، بحث اهداف از کلیدی ترین مباحث است ؛ زیرا بدون داشتن هدف و تعیین آن ،

---

۲۹- همان ، خطبه ۱.

امکان برنامه ریزی و ارزیابی فعالیت های تربیتی ناممکن است . بنابراین داشتن هدف های الهی بسی مهم و تعیین کننده است . جای سؤال است که در نظام تربیتی هدف چیست ؟ آیا هدف ، صرفا تولید نسل و افزودن اعضای جامعه است ؟ آیا هدف ، تاءمین نیازهای عاطفی و جسمی فرزندان است ؟ آیا هدف ، تربیت نیروی انسانی برای تداوم جامعه اسلامی و به انجام رسانیدن امور آن است ؟ یا این که اهداف مهم تر و مقدس تری وجود دارد؟ و آنچه این مجموعه به دنبال آن است این که سرانجام ، از دیدگاه بزرگ مربی انسانیت علی علیه السلام هدف از داشتن فرزند و تربیت آن چیست ؟

با نگاهی به دیدگاه ها و سیره تربیتی آن حضرت ، آشکار می شود که در نظام تربیتی اسلام ، هدف نهایی ، رسیدن فرزند به مقام اطاعت و عبودیت الهی است . هدف نهایی ، تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم آستان او باشد. امام علی علیه السلام در ضمن حدیثی به طور غیرمستقیم هدف تربیتی را چه زیبا بیان نموده اند، آن جا که می فرمایند:

من از خداوند خویش طلب فرزندان زیبا چهره و نیکوقامت ننموده ام ، بلکه از پروردگارم خواسته ام تا فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا این که وقتی با این صفات به آن ها نظر افکنم ، مایه چشم روشنی من باشند.<sup>(۳۰)</sup>

هدف ، نقطه ای است که انسان به طرف آن حرکت می کند. هدف ، جهت زندگی و کوشش های انسان را روشن می سازد. با توجه به حقیقت انسان و کمال جویی او، باید این امکان را برای همه انسان ها فراهم آید تا بتوانند در مسیر تربیت حقیقی گام بردارند و استعدادهای خود را شکوفا سازند.

---

۳۰- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۸.

با این وصف اهداف تربیت اسلامی عبارتند از:

### ۱. پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسان

هدف از تربیت اسلامی، انسان سازی است. انسان، از نظر اسلام دارای

نقاط ضعف و قوت است از جمله این موارد اشاره های قرآنی است:

خلق الانسان ضعيفا؛

انسان، ضعیف آفریده شده، <sup>(۳۱)</sup>

کلا ان الانسان ليطغى اءن راه اشتغنی؛

وقتی انسان بی نیاز شود سرکشی می کند، <sup>(۳۲)</sup>

کان الانسان كفورا؛

انسان ناسپاس است <sup>(۳۳)</sup>

از سوی دیگر انسان دارای نقاط قوت بسیار است:

لقد خلقنا الانسان فى اءحسن تقویم؛ <sup>(۳۴)</sup>

ما انسان را به بهترین صورت آفریدیم.

بل الانسان على نفسه بصیره؛ <sup>(۳۵)</sup>

انسان بر نفس خود آگاه است.

---

۳۱- نساء (۴) آیه ۲۸.

۳۲- علق (۹۶) آیه ۶-۷.

۳۳- اسراء (۱۷) آیه ۶۷.

۳۴- تین (۹۵) آیه ۴.

۳۵- قیامت (۷۵) آیه ۱۴.

انسان می تواند با تربیت ، نقاط ضعف خود را نیز به نقاط قوت تبدیل کند. پرورش ابعاد معنوی و اخلاقی شخصیت انسانی یک اصل است ؛ زیرا هر کسی ، توانایی دارد که در مسیر تعالی یا سقوط گام بردارد. اگر پرورش ، تنها تاءمین خصوصیات جسمانی باشد، انسان از پرورش صفات عالی اخلاقی و معنوی باز می ماند. امام علی علیه السلام به تربیت بعد اخلاقی و معنوی توجه دارند و می فرمایند:

والله ما معاويه باءدهی منی و لکنه یغدر و یفجر، و لولا کراهیه الغدر لکنت من اءدهی الناس ، ولکن کل غدره فجره و کل فجره کفره و لکل غادر لواء به یوم القیامه ؛ (۳۶)

سوگند به خدا که معاویه زیرک تر از من نیست . او حيله گر است و گناه می کند. اگر حيله گری را ناپسند نمی دانستم ، همه زیرکی های او را خنثی می کردم و زیرک ترین بودم ، ولی هر مکر و حيله ای گناه و هر گناهی ناسپاسی است و هر حيله گری در روز قیامت دارای نشان و علامتی است که به وسیله آن شناخته می شود.

## ۲. حرکت و سوق دادن انسان به سوی خدا

شعار اولیه اسلام ؛ یعنی لا اله الا الله بیانگر هدف تربیتی این مکتب است که با اصل و هدف خلقت هماهنگ است ؛

---

۳۶- نهج البلاغه ، صبحی صالح ، ص ۳۱۸.

زیرا اءلا الی الله تصیر الامور<sup>(۳۷)</sup> آگاه باشید که بازگشت همه کارها به خدا است و انا لله و انا الیه راجعون<sup>(۳۸)</sup> ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم . انسان به همان مقدار که از بندگی بت های درونی و بیرونی خارج می شود، به مراتبی از ربوبیت دست می یابد و با آزاد شدن از بندگی غیر خدا به انسانیت می رسد. امام علی علیه السلام در نامه تربیتی خود به امام مجتبی علیه السلام ، به ایشان سفارش می کنند:

ولا تکن عبد غیرک وقد جعلک الله حرا؛<sup>(۳۹)</sup>

بنده دیگری مباش که خداوند آزادت آفریده است .

انبیا و اوصیای الهی در تلاش بودند تا انسان ها را از جهالت و ضلالت و اسارت برهانند و به هدایت و بصیرت و بندگی خدا برسانند. امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره اهداف خود فرموده اند:

و لقد اءحسنتم جوارکم و اءحطت بجهدی من ورائکم ، و اءعتقتکم من رتق

الذل و حلق الضیم؛<sup>(۴۰)</sup>

با شما به نیکویی به سر بردم و به قدر طاقت از هر سو نگهداری تان کردم و از بندهای خواری و یوغ زبونی آزادتان ساختم و از زنجیرهای ستم بیداد رهایتان نمودم .

---

۳۷- شوری (۴۲) آیه ۵۳.

۳۸- بقره (۲) آیه ۱۵۶.

۳۹- مستدرک الوسائل ، ج ۷ ، ۲۳۱.

۴۰- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.



۳. آگاه کردن انسان از پایگاه خویش در جهان و شکوفا کردن لطافت

وجودی

کار عمده تربیت اسلامی، آشنا ساختن انسان به ماهیت وجودی خویش و حرکت دادن وی بر مقتضای فطرت و سرشت او است. انسان وقتی خود را شناخت، مقدمه ای بر شناخت خداوند می شود. آن گاه زندگی او معنا می یابد و در جهت کمال خویش گام برمی دارد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

اءفضل المعرفة معرفة الانسان نفسه؛<sup>(۴۱)</sup>

برترین معرفت، شناخت آدمی از خویشتن است.

من عرف نفسه فقد عرف ربه؛<sup>(۴۲)</sup>

هر که خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است.

بنابراین در تربیت، شناخت انسان جایگاهی بس ارزشمند دارد و چنانچه انسان به این مهم مبادرت نورزد از فهم مسائل دیگر نیز در می ماند؛ چنانچه مولای متقیان می فرمایند:

من جهل قدره، جهل کل قدر؛<sup>(۴۳)</sup>

هر که قدر خود نداند، هیچ قدری را نخواهد دانست.

انسان دارای گرانبهاترین گوهر وجود است و نباید آن را به خواری بکشاند، بلکه باید آن را بشناسد، به بار بنشاند و استعدادهای شگفت خود را در جهت کمال مطلق شکوفا سازد.

---

۴۱- شرح غرر الحکم، ج ۶، ص ۱۷۲.

۴۲- غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۶۴.

۴۳- شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۸۷.

نفس انسانی ، جوهری الهی و نفحه ای ربانی است و هم چون آینه ای است که صفات رحمانی در آن متجلی می شود و انسان واجد این حقیقت ملکوتی ، می تواند با تربیت ، خود را شکوفا کرده و والاترین جلوه حق شود.

#### ۴. آخرت گرایی و پروا پیشگی

انسان ، قوس صعودی را در تربیت طی می کند و باید این قوس را در جهت حقیقت ملکوتی خود پیماید. حضرت علی علیه السلام در نامه تربیتی خود به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می نویسند:

و اعلم انک انما خلقت للاخره لا للدنیا ؛<sup>(۴۴)</sup>

بدان که تو برای آن جهان آفریده شده ای نه برای این جهان .

این جهان مدرسه تربیت انسان است و باید به سوی آخرت گام بردارد.

حضرت علی علیه السلام همگان را بدین مقصد فراخوانده و فرموده اند:

فکونوا من ابناء الاخره ولا تکونوا من ابناء الدنیا فان کل ولد سیلحق بامه

یوم القیامه ؛<sup>(۴۵)</sup>

از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباشید که روز رستاخیز هر فرزند

به مادر خود می پیوندد.

انسان ، تنها برای امور مادی تلاش نمی کند و یگانه محرک او حوایج مادی

زندگی نیست . او برای هدف ها و آرمان های بسیار عالی می جنبد. انسان ،

دارای روح قدسی است که میل به تعالی ، صعود و پرواز دارد و بالا رفتن او تا

ملکوت قابل تصور است .

---

۴۴- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.

۴۵- همان ، کلام ۴۲.

آنچه که انسان ها را به کمال مطلوبشان می رساند در سایه پرهیزگاری است .  
پیشوای پرهیزگاران در ضمن خطبه ای می فرمایند:

و اءوصاکم بالتقوی و جعلها منتهی رضاه و حاجته من خلقه ؛<sup>(۴۶)</sup>

خداوند به پرهیزگاری سفارشتان کرده و آن را نهایت خشنودی خواست خود  
از بندگان قرار داده است .

ءوصیکم عباد الله بتقوی الله و طاعته ؛ فانها النجاه غدا و المنجاه اءبدا؛<sup>(۴۷)</sup>

بندگان خدا! شما را به تقوای الهی و فرمان برداری او سفارش می کنم که  
نجات فردا در آن است و مایه رهایی جاودان است .

آنان که به این توشه تربیتی دست یابند، درهای وصول به مقاصد تربیت  
حقیقی به رویشان گشوده شود. امام علی علیه السلام در وصفشان می فرمایند:

پرهیزگاران در این جهان اهل فضیلتند، گفتارشان صواب است و میانه روی  
شعارشان . در رفتار و گفتار فروتنند، دیده هایشان را از آنچه خدا بر آنان حرام  
کرده ، پوشیده و گوش هایشان را به دانشی که آنان را سودمند است به کار  
گرفته اند. در سختی چنان به سر می برند که گویی به آسایش قرار دارند و اگر  
نه این است که زندگی شان را مدتی است که باید بگذرانند، جان هایشان یک  
چشم به هم زدن در کالبد نمی ماند، از شوق رسیدن به پاداش - آن جهان - یا  
از بیم ماندن و گناه کردن - در این جهان - خداوند در اندیشه آنان بزرگ  
است، پس هر چه جز او است در دیده هایشان خرد نمود،

---

۴۶- همان ، خطبه ۱۸۳.

۴۷- همان خطبه ۱۶۱.

بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده اند و در آسایش آن به سر می  
برند و دوزخ چنان که آن را دیده اند و در عذابش قرار دارند دل هایشان  
اندوهگین است و مردم از گزندشان ایمن . تن هایشان نزار است و نیازهایشان  
اندک و به جان و تن پارسایند. (۴۸)

بنابراین پروا پیشگی ، کلید همه نیک بختی ها است ، انسان را وامی دارد تا  
در همه امور به عدالت سیر کند و زمینه کمالات انسان را فراهم می آورد و  
موجب نجات انسان می شود. بدین رو، تقوا بهترین ذخیره رستاخیز است .

### اصول تربیت

اگر تربیت بر اصول زیر، پایه گذاری شود، نتیجه آن مطلوب تر و سریع تر  
عاید می شود. به کارگیری اصول زیر به هنگام تربیت ، زمینه پذیرش بهتر  
متربی را فراهم می سازد و انسان سریع تر به اهداف مورد نظر دست می یابد.  
این اصول ، در حقیقت ، پیش نیاز به کارگیری روش هایی است که در بخش  
آتی می آید. چنانچه هر روش تربیتی ، بر پایه این اصول استوار نگردد، نتیجه  
بخش نخواهد بود.

### اصل اعتدال

رفتارها و عملکردهای تربیتی ، در صورتی به ما کمک می رساند که تابع  
اعتدال باشد. تربیت خردمندانه ، تربیتی است که مبتنی بر حفظ اعتدال و پرهیز  
از افراط و تفریط در همه امور باشد. چنانچه حضرت می فرمایند:

لا تری الجاهل الا مفرطاً و مفرطاً ؛ (۴۹)

---

۴۸- همان ، خطبه ۱۹۳.

۴۹- همان ، حکمت ۷۰.

نادان را نبینی جز این که کاری را از اندازه فراتر کشاند و یا بدان جا که باید نرساند.

البته در تربیت اندازه شناختن ، امری دشوار است و جز با خردورزی در تربیت ، نمی توان اندازه ها را دریافت . بهترین نظام تربیتی ، نظامی است معتدل که در آن نه امید بیش از اندازه و نه بیم بیش از اندازه حاکم باشد. چنان که حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

خير الاءعمال اعتدال الرجاء و الخوف ؛ (۵۰)

بهترین کارها، اعتدال امید و بیم است .

در این که راه اعتدال ستوده است ، جای هیچ شک و شبهه ای نیست . حضرت می فرمایند:

من اءخذ القصد حمدوا الله طرقة و بشروه بالنجاه ، و من اءخذ يمينا و شمالا ذموا الله الطريق و حذروه من الهلكه ؛ (۵۱)

آن که راه میانه را پیش گیرد، ستایشش کنند و به نجات مژده اش دهند. آن که راه راست یا چپ را پیش گیرد، روش وی را زشت شمارند و از تباهی بر حذرش دارند.

سیرت و سنت ائمه اطهار علیه السلام بر اعتدال بود چنان که امام علی علیه السلام درباره این راه و رسم می فرمایند:

طريقتنا القصد ؛ (۵۲)

---

۵۰- غررالحکم ، ج ۱ ، ص ۳۵۵.

۵۱- نهج البلاغه ، کلام ۲۲۲.

۵۲- شرح غررالحکم ، ج ۴ ، ص ۲۵۴.

راه و روش ما، میانه روی است .

### اصل تدرج و تمکن

اختلاف استعدادها، ظرفیت ها، روحیه ها، خواست ها و سلیقه ها، معلول اختلاف طبایع و تائثیرات گوناگون محیطی ، جغرافیایی ، فرهنگی ، اعتقادی ، اقتصادی و اجتماعی است ، بنابراین هر حرکت تربیتی باید با توجه به این اختلاف استعدادها و نیازها به صورت تدریجی و مرحله به مرحله بر اساس توانایی ها صورت پذیرد. حضرت امیر علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر چنین آموزش داده اند: ایاک و العجله بالاءمور قبل اءوانها، اءو التساقط فیها عند امكانها، اءو اللجاجه فیها اذا تنكرت اءو الوهن عنها اذا ستوضحت ، فضع كل اءمر موضعه و اءوقع كل عمل موقعه ؛<sup>(۵۳)</sup>

بپرهیز از شتابزدگی در کارهایی که وقت انجام دادنشان نرسیده است و از اهمالگری در کارهایی که وقت انجام دادنشان فرارسیده است و از لجاجت کردن در اموری که مبهم است و از سستی نمودن در کارها، آن هنگام که راه عمل روشن شده است ، پس هر دو چیز رادر جای آن بدار و هر کاری را به هنگام آن بگزار.

اگر در تربیت نیازها، خواست ها و ظرفیت ها را در نظر نگیریم و زمان مناسب برای هر عمل تربیتی مورد توجه قرار نگیرد، بی گمان برنامه ها و اقدامات تربیتی نتیجه ای جز تباهی در پی نخواهند داشت .

---

۵۳- نهج البلاغه ، نامه ۵۳.

## اصل تسهیل

منظور این است که اقدامات تربیتی باید اموری آسان و میسر باشد و از  
متربی تکالیف سخت و طاقت فرسا نخواهیم و خواسته های ما طوری باشد که  
متربی آن رابا میل و رغبت انجام دهد. آنان که با سماحت عمل می کنند  
بیشترین نتیجه را می گیرند. چنان که حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

ءسمحکم اءربحکم ؛<sup>(۵۴)</sup>

سودمندترین شما با سماحت ترین شما است .

این گونه نگرش ، برای متربی قابل دریافت است در اشاره ای لطیف از  
حضرت امیر علیه السلام آمده است :

عود نفسک السماح ، و تجنب الالاح يلزمك الصلاح ؛<sup>(۵۵)</sup>

خود را به سماجت عادت ده و از سخت گیری دوری کن تا درستی و  
بسامانی ملازمت شود.

حضرت علی علیه السلام خود بر این عمل تربیتی پای می فشردند و در  
هدایت انسان ها از آن بهره می گرفتند و می فرمودند:

ان الله سبحانه و تعالی ، يحب السهل النفس ، السمع الخليفه القريب  
الاءمر؛<sup>(۵۶)</sup>

همانا خدای - پاک و بلند مرتبه - شخص ملایم طبع ، آسان گیر و گشاده  
دست را دوست دارد.

---

۵۴- شرح غرر الحکم ، ج ۲ ، ص ۳۷۰.

۵۵- همان ، ج ۴ ، ص ۳۳۰.

۵۶- همان ، ج ۲ ، ص ۵۱۳.

فطرت آدمی از خشونت و سخت گیری بیزار است و هیچ چیز چون سهولت و ملایمت در تربیت کارساز نیست . حضرت در نامه ای به حارث همدانی نوشته اند:

و اکظم الغیظ، و تجاوز عند المقدره ، واحلم عند الغضب ، واصفح مع الدوله  
تکن لک العاقبه ؛ <sup>(۵۷)</sup>

خشم خود را فرو بر و به وقت توانایی ، در گذر و گاه خشم ، در بردباری بکوش و به هنگام قدرت ، چشم پوشی کن تا عاقبت از آن تو باشد.

### اصل تربیت عقلانی

رسالت پیام آوران الهی در جهت شکوفایی استعدادها و تربیت عقلانی بوده است ، آن ها سعی داشته اند عقل ها را بالنده و انسان ها را به حکمت آراسته سازند. در این تربیت ، قوای آدمی تسلیم خرد شده و به واسطه عقل اداره می شود. عقل ، محور امور قرار می گیرد و هوا و هوس از انسان رخت برمی بندد. حضرت علی علیه السلام در ستایش این شیوه می فرمایند:

ضادو الهوی بالعقل ؛ <sup>(۵۸)</sup>

با عقل ، هوا را مخالفت کنید.

استرشد العقل ، و خالف الهوی تنجع ؛ <sup>(۵۹)</sup>

راه راست را از عقل بخواه و با هوا مخالفت نما تا کامیاب شوی .

کفاک من عقلک ما اءوضح لک سبل غیک من رشدک ؛ <sup>(۶۰)</sup>

---

۵۷- نهج البلاغه ، نامه ۶۹.

۵۸- شرح غرر الحکم ، ج ۶، ص ۳۷۰.

۵۹- همان ، ج ۲، ص ۱۸۴.

۶۰- نهج البلاغه ، حکمت ۴۲۱.



از خرد تو را این باید که راه گمراهی ات را از راه رستگاری ات آشکار می نماید. انسان با تربیت عقلانی، قدرت تمییز و تشخیص بین حق و باطل و قدرت نقادی می یابد. انسانی که از موهبت عقل بی بهره است، تنها در صورت انسان است. چنانچه حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

الانسان بعقله ؛<sup>(۶۱)</sup>

انسان به عقلش است .

و نیز فرموده اند:

الانسان عقل و صوره ، فمن اخطاه العقل و لزمته الصوره لم یکن كاملا، و كان بمنزله من لا روح فيه ؛<sup>(۶۲)</sup>

انسان عقل است و صورت، پس هر که عقل از او روی گردان شود و صورت آدمی با او بماند کامل نیست و هم چون کسی است که روح ندارد.

### اصل تفکر

انسان موجودی است متفکر و با به کار گرفتن اندیشه، از سود و زیان کارها آگاه شده و در راه سعادت یا شقاوت سیر می کند. تفکر درست، کلید هدایت آدمی و وسیله کسب علوم و معارف است. در اسلام برای تفکر ارزش والایی در نظر گرفته اند. امام علی علیه السلام فکرکردن را کلید پر خیر و برکتی می دانند و هیچ دانشی را همسنگ با تفکر نمی دانند. ایشان می فرمایند:

لاعلم کالتفکر ؛<sup>(۶۳)</sup>

---

۶۱- شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۶۱.

۶۲- ماه مهرپرور، به نقل از: مطالب السؤل و فی مناقب آل الرسول، ص ۴۹.

۶۳- نهج البلاغه، حکمت ۵.

هیچ دانشی همسان تفکر نیست .

الفکر رشد ؛ <sup>(۶۴)</sup>

اندیشیدن مایه رشد است .

اءلفکر یهدی الی الرشاد ؛ <sup>(۶۵)</sup>

اندیشیدن ، به راه راست رهنمون می کند.

این نظام آموزشی باید به گونه ای سازماندهی شود که افراد، اهل اندیشه صحیح باشند و با تفکر منطقی خو بگیرند. حضرت امیر علیه السلام در وصیتی به امام حسین علیه السلام می فرمایند:

اءى بنى ! الفکره تورث نورا، و الغفله ظلمه ؛ <sup>(۶۶)</sup>

پسرم ! اندیشیدن نور پدید می آورد و غفلت ورزیدن ظلمت .

انسان با اندیشیدن به خداوند، انسان ، جهان و تاریخ ، حقایق امور را در می یابد و بستر کمال خویش را مهیا می سازد و مشمول رحمت الهی می شود. امیر مؤمنان در ضمن خطبه ای می فرمایند:

رحم الله امرء اتفکر فاعتبر؛ و اعتبر فاءبصر ؛ <sup>(۶۷)</sup>

خدا رحمت کند انسانی را که بیندیشد و پند گیرد و پند گیرد و بپذیرد.

تفکر در حق و اسما و صفات حق ، والاترین عرصه تفکر و بهترین سلوک است . حضرت نیز بدان سفارش می فرمایند:

---

۶۴- شرح غرر الحکم ، ج ۱ ، ص ۳۱.

۶۵- همان ، ص ۱۷۲.

۶۶- تحف العقول ، ص ۵۹.

۶۷- نهج البلاغه ، خطبه ۱۰۳.

اعر فوا الله بالله ؛ (۶۸)

خدا را با خدا بشناسید.

امام خمینی (ره) درباره اهمیت چنین تفکری می فرمایند:

اول تفکر در حق و اسما و صفات و کمالات او است و نتیجه آن علم به وجود حق و انواع تجلیات است و از آن ، علم به اعیان و مظاهر رخ می دهد و این افضل مراتب فکر و اعلا مرتبه علوم و اتفن مراتب برهان است ؛ زیرا که از نظر به ذات علت و تفکر در سبب مطلق ، علم به او و مسببات و معلومات پیدا می شود از این جهت آن را برهان صدیقین می گویند. (۶۹)

تفکر در خداشناسی ، والاترین عرصه تفکر است ، پس از آن انسان باید در خویشتن خویش نیکو به نظاره نشیند. حضرت به این امر نیز توجه داده و فرموده اند:

هلک امرؤ لم یعرف قدره ؛ (۷۰)

کسی که ارزش خود را نشناخت ، تباه گشت .

جهان شناسی نیز عرصه ای نیکو برای تفکر است . حضرت مکرر به تفکر در این زمینه سفارش نموده اند:

پس بنگر در آفتاب ، ماه ، درخت ، گیاه ، آب ، سنگ و شب و روز رنگارنگ و روان گشتن این دریاها و فراوانی این کوه ها و درازی ستیغ های کوه و گونه گونی لغت ها و زبان های مردم انبوه . پس وای بر آن که تقدیر کننده را نپذیرد و تدبیر کننده را ناآشنا گیرد!

---

۶۸- الکافی ، ج ۱ ، ص ۸۵.

۶۹- چهل حدیث ، ص ۱۹۱.

۷۰- نهج البلاغه ، حکمت ۱۴۹.

پنداشته اند هم چون گیاهانند که آنان را کارنده ای نبست و اختلاف صورت  
هایشان را سازنده ای؟! در آنچه ادعا کردند حجتی نیاوردند آیا هیچ بنایی بی  
سازنده است یا جنایتی بی خیانت کننده است؟

از دیگر موارد تفکر، دقت در تحولات تاریخی است، دقت در دلایل  
انحطاط و سقوط پیشینیان بستر نیکویی برای پندآموزی است. حضرت می  
فرمایند:

اما بعد بی گمان خداوند زورمداران روزگاران را تا در فراخنای رفاه  
مهلتشان نداده، هرگز در هم شان نکوبیده است. چنان که استخوان های  
شکسته هیچ امتی را پیش از گذراندن دوران سختی و فشار ترمیم نکرده است.  
آری در حوادثی که در مقایسه با سختی های آینده و رخدادهای عظیم گذشته  
شما، ناچیز است نیز مایه های عبرت فراوانی است، اما دریغ که نه هر صاحب  
قلبی، دانا است و نه هر صاحب گوش، شنوا است و نه هر چشم دارنده ای  
بینا است. (۷۱)

بدین ترتیب، حضرت تاکید زیادی بر تفکر در عرصه های مختلف دارد تا  
انسان با شکوفایی استعدادها به سوی کمال مطلق گام بردارد.

### اصل تدبر

تربیت درست، در پی آن است که انسان، از حالت ظاهربینی خارج شده و  
اهل تدبر و عاقبت اندیشی شود. انسان به دور از تدبر، پیوسته در معرض تباهی  
است چنانچه حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

---

۷۱- همان، خطبه ۱۸۵.

ءلا و ان من تورط فى الامور من غير نظر فى العواقب فقد تعرض لمفد  
حات النوائب ؛<sup>(۷۲)</sup>

بدانید، به درستی هر که بدون نگرستن در پایان امور، بدان ها وارد شود، بی  
گمان خود را در معرض مصیبت های گران قرار داده است .  
انسان مؤمن نباید قشرگرا و ظاهراندیش باشد. حضرت درباره اهل ایمان می  
فرمایند:

المومنون هم الذین عرفوا ما اءمامهم ؛<sup>(۷۳)</sup>  
مؤمنان آنانند که آنچه را در پیش روی دارند، بشناسند.  
تدبر در امور، آدمی را از لغزش ها و انحراف ها باز می دارد و نقشی نیکو  
در بازدارندگی دارد، به بیان حضرت علی علیه السلام :

تفکر قبل اءن تعزم ، و تدبر قبل اءن تهجم ؛<sup>(۷۴)</sup>  
پیش از آنکه تصمیم بگیری ، فکر کن و پیش از آن که وارد شوی ، تدبر کن  
. حضرت در توصیه ای که به فرزندشان محمد حنفیه دارد در فلسفه تدبر قبل از  
انجام کار می فرمایند:

التدبیر قبل العمل یومنک من الندم ؛<sup>(۷۵)</sup>  
چاره اندیشی پیش از دست زدن به کار، تو را از پشیمانی ایمن خواهد  
گردانید.

---

۷۲- شرح غرر الحکم ، ج ۲ ، ص ۳۳۷.

۷۳- مطالب السؤل ، ص ۵۳.

۷۴- شرح غرر الحکم ، ج ۳ ، ص ۳۰۵.

۷۵- تحف العقول ، ص ۶۰.

بنابراین ، بهترین ثمره تدبیر، راهیابی و نجات از تباهی است و تدبیر در تربیت جایگاهی اساسی دارد. دریافت درست از دین و رسیدن به لب آن ، چنان مهم است که بدون آن دین داری دشوار می نماید و به وسیله تدبیر می توان از قشرها گذشت و به کنه و حقایق اشیا پی برد و پایه های دین داری را استوار نمود.

### اصل کرامت

کرامت نیز در تربیت نقش اساسی دارد و انسان ها را در بیکران کمالات انسانی به پرواز در می آورد. رعایت اصل کرامت ، بستر ربانی شدن انسان ها را فراهم می آورد. چنانچه حضرت در توصیه تربیتی خویش به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می فرماید:

و اءکرم نفسک عن کل دنیه و ان ساقطک الی الرغائب ؛ فانک لن تعتاض  
بما تبدل من نفسک عوضا و لا تکن عبد غیرک وقد جعلک الله حرا؛ <sup>(۷۶)</sup>  
بزرگوارتر از آن باش که به پستی تن دهی ، هر چند که تو را به مقصود برساند؛ زیرا نمی توانی در برابر آنچه از شخصیت در این راه از دست می دهی ، جایگزینی به دست آوری و بنده دیگری مباش در حالی که خدایت آزاد آفریده است .

شخص کریم ، به دنبال کسب معرفت و عمل صالح است و از اعمال ناپسند به دور. در بستر کرامت ، دنیا در نزد کریم کوچک و بی ارزش می شود و از پستی های آن آزاد شده و به پاکی و پاکدامنی می رسد.

---

۷۶- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.

به بیان حضرت علی علیه السلام : من کرمت نفسه صغرت الدنيا فی عینه ؛ <sup>(۷۷)</sup>  
هر که کرامت نفس داشته باشد، دنیا در چشمش کوچک است .  
وقتی اساس تربیت بر کرامت قرار گیرد، آفریدگار در اندیشه انسان بزرگ  
می شود و هر چیز جز ذات اقدس الهی در دیده اش خرد می نماید.

### اصل عزت

عزت حالتی است در انسان که نمی گذارد مغلوب کسی شود و شکست  
بخورد. عزیز، کسی است که راه بندگی می پیماید و خدای را بزرگ و عزیز می  
شمارد. در برابر هر چیز غیر خدا، نه می گوید. عزت جوایی و راهی نیکو در  
تربیت است . زندگی حقیقی ، زیستن با ارجمندی است . عزت و سیادت از  
چنان جایگاهی در زندگی برخوردار است که بدون آن ، معنا و مفهومی ندارد. در  
کلاس تربیتی امام علی علیه السلام زندگی با سربلندی ، حیات و زندگی در  
خواری ، ممانعت است . آن حضرت می فرماید:

المنیه و لا الدنیه و التقلل و لا التوسل ؛ <sup>(۷۸)</sup>

مرگ آری ، اما تن به پستی هرگز، قناعت به کم آری ، اما دست نیاز به  
سوی دیگران دراز کردن هرگز.

حضرت امیر علیه السلام راه دست یابی به عزت را در اتصال به دریای بی  
کران اطاعت خداوندی می بینند و می فرمایند:

إذا طلبت العز فاطلبه بالطاعة ؛ <sup>(۷۹)</sup>

---

۷۷- همان ، حکمت ۳۹۶.

۷۸- همان ، حکمت ۳۹۶.

۷۹- شرح غرر الحکم ، ج ۳، ص ۱۳۵.

هرگاه خواهان عزت شدی ، آن را در طاعت و فرمان برداری خدای بجوی .  
هر چه آدمی بر خواهش های نفسانی غلبه کند و راه پروا پیشگی برگزیند،  
عزیزتر و سربلندتر می شود. به فرمایش حضرت علی علیه السلام :

من یغلب هواه یعز ؛ <sup>(۸۰)</sup>

هر که بر خواهش نفس خود چیره شود، عزت یابد.  
از سوی دیگر، قناعت و دوری از فزون خواهی ، آدمی را به عزت سوق می  
دهد. در حقیقت ، هر گاه درخت قناعت در وجود آدمی سر می زند، عزت به بار  
می نشیند. حضرت می فرمایند:

القناعة تؤدی الی العز ؛ <sup>(۸۱)</sup>

قناعت تو را به سوی عزت می کشاند.

پس عزت در مکتب تربیتی و سیره حضرت علی علیه السلام جایگاه  
ارزشمندی دارد و در سایه آن ، انسانی آزاد، باصلابت . قانع و سازش ناپذیر  
تربیت می شود. در این حال ، دست و دلش برای آنچه بی اعتبار است نمی لرزد  
و از غیر خدا نمی ترسد و در برابر غیر او کرنش نمی کند. حضرت می فرمایند:  
المؤمن دابه زهادته ، و همه دیانته ، و عزه قناعته ، و جده لاخرته . قد  
کثرت حسناته ، و علت درجاته ، شارف خلاصه و نجاته ؛ <sup>(۸۲)</sup>

راه و رسم مؤمن زهد، همت او دین داری و عزت او قناعت او است .

---

۸۰- همان ، ج ۵، ص ۱۴۶.

۸۱- همان ، ج ۱، ص ۲۹۱.

۸۲- همان ، ج ۵، ص ۱۳۸.



کوشش او برای آخرت است و خوبی های او بسیار و درجات او والا است .  
او مشرف بر جایگاه رستگاری و رهایی است .

### آسیب شناسی تربیت

از اساسی ترین شناخت ها، شناسایی آسیب ها و عوامل رخوت آور، رکودزا و مانع آفرین است . در اولین گام باید موانع تربیتی را شناخت . از این رو باید دانست که مانع اصلی رسیدن آدمی به کمالات انسانی ، ارزش های الهی و پاداش اخروی ، دنیاگرایی است . حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید:

ان الدنيا و الاخره عدوان متفاوتان ، و سبیلان مختلفان فمن اءحب الدنيا و تولاهها اءبغض الاخره و عاداهها، و هما بمنزله المشرق و المغرب ، و ماش بینهما کلما قرب من واحد بعد من الاخر ؛ <sup>(۸۳)</sup>

همانا دنیا و آخرت دو دشمنند نافرهم و دو راهند مخالف هم . آن که دنیا را دوست داشت و مهر آن را در دل کاشت ، آخرت را نپسندید و دشمن انگاشت . دنیا و آخرت چون خاور و باخترند، آن که میان آن دو رود، چون به یکی نزدیک شود، از دیگری دور شود.

امام علی (علیه السلام) که والاترین نمونه تربیت است ، دنیای نکوهیده را ترک کرده بود و جلوه گری ها و فریبکاری های دنیا در او بی تاءثیر بود؛ زیرا تا انسان از دام پست رها نشود و خود را پاک نسازد، درهای اتصاف به صفات پسندیده بر او گشوده نمی شود. پیشوای آزادگان درباره ترک مانع اصلی تربیت می فرمایند:

---

۸۳- نهج البلاغه ، حکمت ۱۰۳.

یا دنیا، یا دنیا، الیک عنی اءبی تعرضت اءم الی تشوقت ؟ لاحان حنیک ،  
هیئات غری غیری لا حاجه لی فیک ، قد طلقتهک ثلاثا لا رجعه فیها ؛ <sup>(۸۴)</sup>  
ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو! با خودنمایی فراراهم آمده ای ؟ یا شیفته ام  
شده ای ؟ هرگز آن زمان که تو در دل من جای گیری فرا نخواهد رسید  
هرگز! دور شو! دیگری را فریب ده ! مرا با تو نیازی نیست . تو را سه طلاقه  
کرده ام که بازگشتی در آن نیست .

حضرت ، راه تربیت درست را بریدن از تعلقات و وابستگی های دنیا می  
دانند و به دیگران نیز توصیه می کنند که :

عبادالله اءوصیکم بالرفض لهذه الدنیا التارکه لکم و ان لم تحبوا اترکها ؛ <sup>(۸۵)</sup>  
بندگان خدا! شما را سفارش می کنم این دنیا را که وانهنده شما است ،  
واگذارید هر چند وانهادن آن را دوست نمی دارید.

امام خمینی (ره) درباره سیر به سوی آخرت و کسب کمالات می فرماید:  
تا انسان به آمال خودش پشت نکند، به دنیا پشت نکند، جلو نمی رود. دنیا  
که همان آمال آدم است . دنیای هر کس ، همان آمال او است . <sup>(۸۶)</sup>  
البته دنیا هم بر دو نوع است ؛ یکی ممدوح و دیگری مذموم . حضرت علی  
(علیه السلام) در یکی از خطبه های خود (پس از این که شنید یک نفر دنیا را  
ذم می کند) فرمودند:

---

۸۴- همان ، حکمت ۷۷.

۸۵- همان ، خطبه ۹۹

۸۶- تفسیر سوره حمد، ص ۵۶.

ان الدنيا دار صدق لمن صدقها، و دار عافيه لمن عنها، و دار غني لمن تزود منها، و دار موعظه لمن اتعظ بها، مسجد اءحباء الله و مصلی ملائکه الله ، و مهبط وحی الله ، و متجر اءولياء الله ، اکتسبوا فيها الرحمه ، و وبخوا فيها الجنة ؛<sup>(۸۷)</sup>

دنیا، خانه راستی است برای کسی که آن را راستگو انگاشت و خانه تندرستی است برای آن که شناخت و باورش داشت و خانه بی نیازی است برای کسی که از آن توشه اندوخت و خانه پند است برای آن که از آن پند آموخت . مسجد محبان خدا است و نمازگاه فرشتگان او و محل فرود وحی خدا و تجارت های دوستان او.

بنابراین ، دنیای نکوهیده ، سدی سخت در برابر انسان است ، اما دنیای ممدوح ، منزلی نیکو برای کسب توشه و تقوا محسوب می شود، پس باید از دنیا دریافتی درست داشت . نوع بینش انسان به زندگی باید تغییر کند تا به درکی درست از عالم دست یابد و بر اساس آن برنامه ریزی و حرکت کند. آن که به دنیای مذموم پشت کند و زندگی این جهان را گذرگاهی برای کسب کمالات بداند، بهترین زمینه شکوفایی استعدادها را فراهم می کند.

### آسیب های فردی

انسان برای پیمودن نردبان قرب باید تلاش کند و بخواهد تا از هدایت الهی و راهنمایی هدایت گران بهره مند شود، که تربیت جز با میل ، انگیزه و خواست فرد تحقق پیدا نمی کند. هنر تربیت کردن ، هنر هموار نمودن و همسو کردن متربی و مربی بر اساس میل ، انگیزه و خواست متربی است ، شیوه زور، تهدید و فشار هیچ ارزشی ندارد و از موانع تربیت شمرده می شود.

---

۸۷- نهج البلاغه ، حکمت ۱۳۱

نمی توان با اجبار و فشار دیگران را به سوی هدایت رهنمون ساخت ؛ زیرا مادامی که فرد انگیزه ، میل و رغبت نیابد، تربیت فطری در او محقق نمی شود. حضرت امیر(علیه السلام) بر این حقیقت تربیتی تاءکید داشتند و در دوران حکومت خویش ، حتی در سخت ترین اوضاع و احوال سیاسی ، مردم را با زور و فشار به مسیر تربیت نکشانند. خطاب به مردم می فرمودند:

و لیس لی اءن اءحملکم علی ما تکرهون ؛

مرا نرسد که شما را به چیزی وادارم که ناخوش می انگارید.

پیشوای موحدان معتقد بود که مردم باید خود بخواهند تا در مسیر تربیت گام نهند و گرنه نتیجه ای حاصل نخواهد شد. آن حضرت در نامه ای به قرظه بن کعب انصاری از استان داران و کارگزاران خود فرمودند:

و لست اءری اءن اءجیر اءحدا علی عمل یکرهه ؛<sup>(۸۸)</sup>

من این را صحیح نمی دانم که کسی را مجبور به کاری کنم که از آن کراهت دارد.

اگر انسان به خود و ارزش های خود توجه کند استعدادهای خود را پرورش می دهد و سعی می کند تا از حصارهای نفس آزاد شود و بر گرایش های پست غلبه کند. انسان باید خود، راه شکوفایی خویش را هموار سازد و تابند طمع ها را نگشاید و خود را از پلشتی ها دور نسازد، به خود شکوفایی حقیقی راه نمی یابد. البته برای این که انسان سریع به خود شکوفایی برسد باید اولاً، موانع تربیتی کنار زده شود و ثانیاً در مسیر راهوار سقوط موانعی ایجاد شود.

---

۸۸- نهج السعاده ، ج ۵، ص ۳۵۹.

## آسیب های اجتماعی

تربیت امری صرفاً فردی نیست و به شدت به امور دیگر وابسته است. روابط اجتماعی، فرهنگ حاکم بر یک جامعه، ارزش ها، عادات، آداب و سنن اجتماعی، باورها و رفتارهای اجتماعی نقش مانع یا مقیضی را در تربیت انسانها دارد. هر چه این امور متعالی باشند، را تربیت هموارتر و گرنه ره پویی به سمت اهداف والای انسانی کندتر خواهد شد. این مسئله چنان مهم است که مورد توجه حضرت علی (علیه السلام) قرار گرفته و در نامه ای به حارث همدانی او را از سکونت در محیطهای نامناسب بر حذر داشته اند:

و اسکن الامصار الظام؛ فانها جماع المسلمین، و احذر منازل الغفلة و الجفاء و قلة الاعوان علی طاعه الله؛<sup>(۸۹)</sup>

در شهرهای بزرگ سکونت کن که جایگاه فراهم آمدن مسلمانان است و پیرهن از جاهایی که در آن (از یاد خدا) غافلند و آن جا که به یکدیگر ستم می رانند و بر طاعت خدا یاوران کمتری یافت می شود.

در این فرمایش حضرت، اهمیت موانع اجتماعی در تربیت آدمی به خوبی مشخص شده است و نشان می دهد که روابط و مناسبات اجتماعی تعالی انسان را کند یا تند می کند. بدون فراهم شدن تحولات اجتماعی، انتظار تحولات تربیتی مطلوب، انتظاری عبث خواهد بود.

از سوی دیگر، فرهنگ یک جامعه، از امور مهم در ساختار تربیت انسانها است. در جامعه ای که فرهنگی منحط و روابط اجتماعی پست حاکم است

---

۸۹- نهج البلاغه، نامه ۶۹.

و ارزش ها، ضد ارزش تلقی می شود، نیکی ها بدی شمرده می شود، سیر انسان به سوی تعالی دشوار می نماید. محیط سالم و فرهنگ منحنط، انسان ها را تحت فشار روانی جهت هم‌رنگی قرار می دهد. حضرت در تقبیح چنین وضعیتی می فرماید:

ای مردم! ما در روزگار ستیزنده و زمانه ای ستمکار به سر می بریم. در این روزگار، نیکوکار، بدکار به شمار می آید و جفا پیشه در آن به سرکشی می افزاید. از آنچه دانسته ایم بهره مند نمی شویم و آنچه نمی دانیم نمی پرسیم و از هیچ پیشامد هراسناک و بلایی تا بر سرمان نیامده نمی ترسیم. <sup>(۹۰)</sup>

اگر در جامعه ای فرهنگ خود خواهی رایج شود، دیانت رنگ می بازد و تبه‌کاری افزایش می یابد و در نتیجه، تربیت انسان کاری سخت و دشوار می شود. ساختار اجتماعی، بافت جامعه، اعتدال و عدم اعتدال اجتماعی دارای نقشی مهم در جهت مثبت یا منفی تربیت است. در جامعه ای با ساختار اجتماعی نابرابر و طبقاتی، تربیت به شدت آسیب می پذیرد، چنانچه امام (علیه السلام) می فرماید:

مادر روزگاری به سر می بریم که بیشتر مردم آن، بی وفا بوده و دغ‌کاری را زیرکی می دانند و نادانان آن مردم را با تدبیر و چاره اندیش خوانند. خدایشان کیفر دهد! چرا چنین می پندارند؟ گاه بود که مرد آزموده و دانا از چاره کار آگاه است، اما فرمان خدا مانع راه وی است.

---

۹۰- همان، خطبه ۳۲.

پس دانسته و توانا بر کار، چاره را وا می گذارد تا آن که پروای دین ندارد فرصت شمارد و سود آن را بردارد.<sup>(۹۱)</sup>

در چنین جامعه ای خوبی و بدی مشتبه شده و مردان با تقوا، با فضیلت و با سیاست، در مقابل سیاستمداران غیر متقی، گوشه نشین و منزوی می شوند. جامعه ای که ساختار آن تباه است، گویندگان حق اندک می شوند و سلامت اخلاقی در معرض خطر قرار می گیرد. از دیگر موانع و مقتضیات اساسی تربیت نوع حکومت و حاکمیت، مناسبات سیاسی، فضای سیاسی، نوع سلوک زمامداران و کارگزاران، عدالت اجتماعی، فاصله طبقاتی و ماهیت قدرت حاکم ... است. حضرت علی (علیه السلام) این امر را مهم می داند و در نامه تربیتی خویش به امام مجتبی (علیه السلام) می فرماید:

إذا تغير السلطان تغير الزمان؛<sup>(۹۲)</sup>

هرگاه قدرت تغییر یابد، روزگار تغییر می یابد.

### آسیب های سیاسی

نقش سیاست و حکومت در تربیت، انکارناپذیر است. در این باره امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید:

الملك كالنهر العظيم تستمد منه الجدائل؛ فان كان عذبا عذبت و ان كان

ملحا ملحت؛<sup>(۹۳)</sup>

---

۹۱- همان، خطبه ۴۱.

۹۲- همان، نامه ۳۱.

۹۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۹.

زاممدار هم چون رودخانه پهناوری است که رودهایی کوچک از آن جاری می شود، پس اگر آب آن رودخانه پهناور گوارا باشد، آب درون رودهای کوچک گوارا خواهد بود و اگر شور باشد آب درون آن ها نیز شور خواهد بود. باید توجه داشت که تربیت همانند سایر امور اجتماعی از قبیل اقتصاد، حقوق و... برای اجرا و تداوم خود نیاز به یک نظام اسلامی و تشکیلات خاصی دارد. علی (علیه السلام) یکی از حقوق مردم بر خود را تربیت کردن آنان دانسته و می فرماید:

ای مردم! شما بر گردن من حق دارید و من هم به گردن شما حق دارم، اما حق شما بر گردن من آن است که برای شما خیر خواهی کنم و حقوقتان را در بیت المال به شما برسانم. شما را تعلیم دهم تا نادان ننمایید و تربیت کنم تا آداب شرعی را بیاموزید و خود را بدان آراسته گردانید. اما حق من بر شما این است که به راهنمایی های من توجه داشته باشید. وفادار بیعت خود باشید و نسبت به من در حضور و غیاب، اخلاص داشته باشید. وقتی شما را برای فعالیت و کاری می خوانم اجابت کنید و به مصالح خود بی توجه و بی اعتنا مباشید و هنگامی که دستوری می دهم اطاعت کنید. (۹۴)

نظام اسلامی براساس وحدت و یکپارچگی بنا شده است؛ زیرا اختلاف و تشتت جلو کارایی را می گیرد و رفته رفته بافت های جامعه را از هم می پاشد. اختلاف، باعث هدر رفتن نیروها و سست شدن روابط می شود. در این نظام، خدمت به مردم یک وظیفه شرعی شمرده شده و برای انجام این خدمت سعه صدر و خوش رویی و مواسات لازم است.

---

۹۴- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ص ۱۰۵



حضرت علی (علیه السلام) وقتی محمد بن ابی بکر را به ولایت مصر منصوب نمودند، فرمودند:

فاخفض لهم جناحك ، و اءن لهم جانبك ، و ابسط لهم و جهك ، و اس بینهم فی اللحظة و النظرة حتی لا یطمع العظماء فی حیفك لهم و لایساء الضعفاء من عدلك علیهم ؛ <sup>(۹۵)</sup>

بالت را برای آن ها بگستران (خدماتت را به همه برسان) و پهلویت را برای آنان هموار گردان (بتوانند به تو مراجعه کنند) و گشاده روی باش و در همه موارد بین آن ها یکسان رفتار کن تا بزرگان از ستم تو بر آنان ، چنگ طمع به مال دیگران نیالایند و بیچارگان از عدل تو مأیوس نگردند.

در نظام اسلامی ، حقوق همه افراد باید رعایت شود. حضرت علی (علیه السلام) به پا داشتن عدالت و ارزش یافتن حقیقت را وابسته به ادای حقوق افراد دانسته و می فرماید:

فاذا اءدت الرعیة الی الوالی حقه و اءدی الوالی الیها حقها عز الحق بینهم ، و قامت مناهج الدین ، و اعتدلت معالم العدل ؛ <sup>(۹۶)</sup>

وقتی رعیت ، حق والی را ادا نمود و والی حق رعیت را، در این صورت حقیقت بین آن ها با ارزش می شود و قواعد دین استوار می شود و نشانه های عدل و داد برپا می گردد.

اگر اداره امور مردم درست صورت پذیرد و حقوق همه رعایت شود، جریان کارها بهتر صورت گرفته و ثمره آن تربیت اسلامی است که به بار می نشیند،

---

۹۵- همان ، ص ۸۷۷

۹۶- همان ، ص ۶۷۴.

اگر نظام اداری و تربیتی درست نباشد و فرد در برخورد با دیگران و در روابط اجتماعی با رفتارهای غیر اسلامی و غیر تربیتی روبه رو شود. تلاش خانواده و مربیان خنثی شده و چه بسا حاصل آن بی تفاوتی و گاه بی ایمانی می شود. حضرت علی (علیه السلام) در فرمان خود به مالک اشتر به این مهم پرداخته و فرموده اند:

ای مالک! تو را به سرزمینی گسیل داشتیم که قبل از تو حاکمان عادل و ستم کار، بر آن حکومت رانده اند، همان گونه که تو به کارهای حاکمان پیش از خود می نگری مردم به کارهای تو نگاه می کنند و درباره تو، همان چیزهایی را می گویند که تو درباره حکمرانان می گویی و می توان به وسیله آن چه که به زبان بندگان جاری می شود نیکوکاران را شناخت، پس باید بهترین اندوخته تو کردار شایسته باشد. بر هوای نفس خود مسلط باش و به آنچه که بر تو حلال نیست، بخل بورز. این جلوگیری نفسانی، نوعی انصاف و عدل نسبت به آن چیزی است که نفس را خوش یا ناخوش آید. مهر و خوش رفتاری و نیکویی با زیردستان را در دل خود جای دهد و مبادا نسبت به آنان جانوری درنده بوده، خوردن آنان را غنیمت شماری. <sup>(۹۷)</sup>

### آسیب های اقتصادی

ثم الله الله في الطبقة السفلى من الذين لا حيلة لهم من المساكين و المحتاجين ، و اهل البوسى و الزمنى ؛ فان في هذه الطبقة قانعا معترا و احفظلله ما استحفظك من حقه فيهم ، و اجعل لهم قسما من بيت مالک ،

---

۹۷- همان ، نامه ۵۳، ص ۹۹۴.

و قسما من غلات صوافی الاسلام فی کل بلد ؛ <sup>(۹۸)</sup>

پس خدا را خدا را در نظر بگیر! در این که به مردم درمانده بیچاره بی چیز، نیازمند و گرفتار، سختی و رنجوری و ناتوانی برسد. در این جمع درمانده دسته ای بیچارگی اش را اظهار می دارد و دسته ای از آن ها با این که نیازمند است در اثر عزت نفس ، اظهار عجز نمی کنند؛ برای رضای خداوند آنچه بر عهده تو دارند به جا آور و قسمتی از بیت المال را که در دست تو است و قسمتی از غلات و بهره ای را که از سرزمین های اسلامی از هر شهری به دست می آید، برای ایشان مقرر مدار.

سیاست های حاکم در یک جامعه ، اگر بر محور مدارا، رحمت ، محبت و هدایت باشد، زمینه ساز تربیت سالم خواهد شد. هم چنین امور اقتصادی نیز از مهم ترین موانع و مقتضیات تربیت آدمی است . نوع معیشت ، تولید، توزیع ، مصرف ، نوع کسب درآمد و فرهنگ اقتصادی رابطه ای تنگاتنگ با تربیت دارد، حضرت علی (علیه السلام) در عهد نامه مالک اشتر بدین حقیقت توجه داده و می فرمایند:

ثم اءسبغ علیهم الاءرزاق ؛ فان ذلک قوه لهم علی استصلاح اءنفسهم ، و غنی لهم عن تناول ما تحت اءیدیههم و حجه علیهم ان خالفوا اءمرک اءو ثلموا اءمانتک ؛ <sup>(۹۹)</sup>

---

۹۸- همان ، ص ۹۸۳.

۹۹- نهج البلاغه ، نامه ۵۳.

پس روزی ایشان را فراخ دار! که فراخی روزی نیروهایشان دهد تا در پی صلاح خود برآیند و بی نیازشان ساز تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند و حجتی بود برآنان اگر فرمانت را پذیرفتند یا در امانتت خیانت ورزیدند. در این عهد نامه ، امام (علیه السلام) به صراحت به مالک فرمان می دهند که کارکنانش را از نظر اقتصادی تأمین کند، تا بستر اصلاح و رشد و تعالی آن ها فراهم آید. کمبود و نداری ، انسان را در اسارت خود می گیرد و به صورت مانعی جدی در تربیت عمل می کند. از سوی دیگر انبوه داری و فزون خواهی نیز مانعی مهم در تربیت آدمی است و بستر طغیان و عصیان را فراهم می کند. حضرت در این باره می فرماید:

و ان اءفاذ مالا اءطغاه الغنى ؛ (۱۰۰)

اگر انسان به مال داری رسد، توانگری او را به سرکشی وامی دارد. امیر مؤمنان انبوه داری و زیاده طلبی را عین شر و بدی دانسته و آن را زمینه ساز انحطاط آدمی معرفی می کند:

ثروه المال تردی و تطغی و تفنی ؛ (۱۰۱)

بسیاری مال هلاک می کند، سرکش می سازد و نیست می کند. بنابراین ، آنچه در زندگی ، مقتضی رشد و تعالی و تربیت است ، بهره مندی از اقتصاد به طور معقول و معمول است به گونه ای که افراد زندگی ای آبرومند و متناسب داشته باشند. امام (علیه السلام) بر این امر تأکید کرده و می فرماید:

---

۱۰۰- شرح غرر الحکم ، ج ۳ ، ص ۳۵۱.

۱۰۱- الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۳.

عليكم بالقصد في الغنى و الفقر؛ (۱۰۲)

بر شما باد به میانه روی در فقر و غنا.

طوبى لمن ذكر المعاد، و عمل للحساب، و قنع بالكفاف، و رضى عن الله؛ (۱۰۳)

خوشا به حال کسی که معاد را به یاد آورد و برای حساب کار کرد و به

قناعت زندگی نمود و از خداوند راضی بود.

بنابراین، هدف جامعه اسلامی این است که با اقتصادی معقول، متوازن و

معتدل، زمینه تامین کافی و غنای کفافی را همراه با امنیت، رفاه نسبی و کرامت

برای مردم فراهم آورد تا در چنین شرایطی تربیت اسلامی نیز به نحو احسن

متحقق شود. (۱۰۴)

---

۱۰۲- شرح غرر الحکم، ج ۳، ص ۳۵۱.

۱۰۳- نهج البلاغه، حکمت ۴۴.

۱۰۴- مصطفی دلشاد تهرانی، ماه مهرپرر. (با تلخیص و تصرف)

بخش دوم : مهم ترین روش های تربیت از منظر امام علی (علیه

السلام)

### روش الگویی

روش شناسی و بررسی شیوه های تربیتی ، در نظام تعلیم و تربیت اسلامی جایگاهی ویژه دارد. در واقع ، درخت پر ثمر تربیت ، آن گاه به بار می نشیند که نکات تربیتی در قالب شیوه های درست و مناسب به اجرا در آید. امام علی (علیه السلام) در سیره تربیتی خویش روش ها و شیوه هایی را به کار گرفتند که کشف و بررسی آنها، ره توشه بزرگی برای پیروان راستین آن حضرت به شمار می آید. بر این اساس ، در این بخش ، روشهای تربیت در اسلام از دیدگاه امام علی (علیه السلام) بحث و بررسی می شود. مراد از روش ، راه و طریقه ای است که میان اصل و هدف ، امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم می کند و به هدف می رساند، روش کار، نشان می دهد که چگونه می توان از اصل یا اصول استفاده کرد و به اهداف تربیتی رسید، روش کار، وظایف عملی یک مربی را مشخص می کند و به مربی هم کمک می کند تا شیوه کار را فرا گیرد.

انسان در مراحل مختلف حیات خویش نیاز به الگو دارد. کودک از پنج ماهگی به تقلید حالات و حرکات اطرافیان می پردازد و خود را در مسیر هماهنگی و همانند سازی قرار می دهد. با افزایش سن و تجارب ذهنی ، تقلید به صورت آگاهانه صورت گرفته و در حیطه اراده قرار می گیرد و با دخالت آگاهی و اراده ، رفتارها تحت کنترل قرار گرفته و جهت مند می شود.

اندیشمندان معتقدند که پیروی و همانند سازی به دو صورت انجام می شود:

ناآگاهانه و آگاهانه . تقلید ناآگاهانه در کودکی است ،

اما در دوران خودشناسی و تسلط و کنترل بر قوای ادراکی و تحریکی و شناخت منافع و مضار خود در جامعه ، عمل تقلید در بزرگ سالان قطعاً با انگیزه های آگاهانه می باشد. (۱۰۵)

پیروی گاهی در اطاعت از فرد تبلور می یابد و گاهی هم در اطاعت از گروه ؛ گروه های مرجع یکی از انواع گروه های اجتماعی است که فرد در سنجش ارزش خود با دیگران آن را مورد قیاس قرار می دهد، در این حال ، فرد در قضاوت و در اعمال خود از آن الهام می گیرد و آن را مبنای داوری قرار می دهد و معمولاً ارزش هایی را می پذیرد که از گروه های مرجع آموخته است . گروه های مرجع را گروه های داوری یا گروه های استنادی نیز می نامیده اند که به عنوان تیپ و الگوی ایده آل مطرح هستند. (۱۰۶)

در این روش مربی می کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی ، مطابق با آن عمل نمونه در خویش پدید آورد. (۱۰۷) در این حال فرد سعی می کند با شخص یا اشخاصی که به نظرش شخصیتی قابل قبول دارند، همانند سازی کند و نگرش ها و ویژگی های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص را برای خود سرمشق قرار دهد. به نظر می رسد که مهم ترین و کارآمدترین روشی که ائمه علیهم السلام در تربیت اخلاقی فرزندانشان به کار می گرفتند، رفتار عملی آنان بود.

---

۱۰۵- سید مجتبی هاشمی ، تربیت و شخصیت انسانی ، ج ۱ ، ص ۵۵.

۱۰۶- علی اکبر نیک خلق ، مبانی جامعه شناسی ، منصور وثوقی ، ص ۲۰۹.

۱۰۷- خسرو باقری ، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی ، ص ۱۰۶ ، ص ۲۰۹.

آنان خود، الگویی کامل و مطمئن اخلاقی برای فرزندان‌شان بودند. اعمال و رفتارشان هر لحظه در منظر فرزندان قرار داشت و فرزندان با دیدن سرمشق زندگی می‌گرفتند.

حقیقت این است که تربیت به معنای دقیق آن، انتخاب بهترین روش‌ها در موقعیت و شرایط خاص می‌باشد. الگوگیری یکی از این روش‌های تربیتی است. انسان در مراحل مختلف زندگی خود به الگو نیاز دارد. همانند سازی و درس آموزی در زمینه‌های گوناگون از دوران کودکی آغاز می‌شود. هر چه الگوها مناسب‌تر باشد، انسان در رسیدن به کمال موفق‌تر است. انسان فطرتاً عاشق کمال است و این عشق به کمال، آدمی را به الگو طلبی و الگوپذیری می‌کشانند. سعی می‌کند در همه امور، خود را همانند و شبیه الگوی خویش سازد، از این رو، ارائه الگوهای متعالی و قابل پیروی از مهم‌ترین امور تربیت انسانی است؛ زیرا روش یادگیری غیر مستقیم و از طریق مشاهده، از مؤثرترین و پایدارترین انواع یادگیری‌ها است. تاءثیر الگو در نقش‌پذیری انسان، یک امر طبیعی است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

و لقد كان في رسول الله (عليه السلام) كاف لك في الاءسوه فتاءس بنبيك  
الاءطيب الاءطهر عليه السلام فان فيه اءسوه لمن تاءسى ، و عزاء لمن تعزى ، و  
اءحب العباد الى الله المتاءسى بنبيه و المقتص لاءره ؛<sup>(۱۰۸)</sup>

برایت بس است اگر رسول خدا (علیه السلام) را مقتدای خود گردانی، پس  
به پیامبر پاکیزه و پاک خود اقتدا کن که راه و رسمش، سرمشقی است برای  
کسی که بخواهد پیروی کند و

---

۱۰۸- نهج البلاغه، خطبه ۶۰.



انتسابی است برای کسی که بخواهد منتسب گردد و محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که رفتار پیامبر را سرمشق خود قرار دهد و به دنبال او برود. از آن جا که ارائه الگو و اسوه ، مؤثرترین روش تربیتی است ، پیشاپیش خداوند تبارک و تعالی نیز به این مهم عنایت داشته و رسول اکرم - (علیه السلام) را بهترین الگو معرفی می کند:

لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه ؛ (۱۰۹)

همانا رسول خدا برای شما سرمشق نیکویی است .

آن وجود مقدس ، اسوه های پس از خود را چنین معرفی می کند:

انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ؛ (۱۱۰)

همانا میان شما دو امر گرانبقدر (یعنی) قرآن و اهل بیتم را به جا می گذارم . الگوهای مجسم ، در ایجاد تحول و تغییر، در سازندگی و رشد، در بازسازی و تربیت نقش اساسی دارند. انسان برای رسیدن به کمال به الگوهای کامل نیاز دارد. تاءکید قرآن مجید بر پیروی انسان ها از رسول خدا (علیه السلام) در حقیقت پاسخی به این نیازهای فطری انسان است .

### تاءثیر گذاری الگوها در تربیت

روش الگویی ، در ساماندهی شخصیت و رفتار و جهت گیری های آدمی بسیار مؤثر است ، این نقش از خانواده آغاز می شود و سپس فرد تحت تاءثیر الگوهای اجتماعی ، سیاسی و... قرار می گیرد.

---

۱۰۹- احزاب (۳۳) آیه ۲۱.

۱۱۰- محمد محمدی ری شهری ، میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۱۹۱.

هر چه قدرت و نفوذ الگوها بیشتر باشد همسانی در جهات مختلف نیز بهتر صورت می گیرد. در این روش از فرد یا افرادی که دارای رفتار مطلوب هستند به عنوان سرمشق و الگو استفاده می شود. این الگو در معرض مشاهده مرتبی قرار می گیرد تا از رفتار او پیروی کند و خود را با او همسان سازد.

خانواده کانونی مقدس و سرنوشت ساز و پایگاه انس و هدایت است. کانون تکوین شخصیت و شکل دهی به هویت انسانی و محیطی مناسب برای تغییر اخلاق و رفتار است. پس از خانواده، اجتماع نیز نقش قابل توجهی دارد تا از آن جا که در بعضی جهات می توان تاءثیر آن را حتی بیشتر از خانواده نیز دانست.

حضرت علی (علیه السلام) درباره این تاءثیر گذاری می فرماید:

الناس بامرائهم اءشبه منهم بابائهم؛<sup>(۱۱۱)</sup>

مردم به زمامداران خود شبیه ترند تا به پدران خود

همان طور که پیش تر آمد، پیروی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اوصیای آن حضرت بهترین روش در تربیت است؛ زیرا سیرت آنان نیکوترین سیرت است امام علی (علیه السلام) ما را به این پیروی فرا می خوانند:

انظروا اهل بیت نبیکم ، فالزموا سمتهم ، و اتبعوا اثرهم ، فلن یخر جوکم من هدی ، ولن یعیدوکم فی ردی ؛ فان لبدوا ، و ان نهضوا فانهضوا ، لا تستبقوهم فتنضلوا ، و لا تتاخروا عنهم فتهلکوا؛<sup>(۱۱۲)</sup>

---

۱۱۱- تحف العقول ، ص ۱۴۴.

۱۱۲- نهج البلاغه ، خطبه ۹۷.

به خاندان پیامبرتان بنگرید، بدان سو که می روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلالکتان باز نخواهند آورد. اگر بر خاستند برخیزید. بر ایشان پیشی مگیرید که گمراه می شوید و از آنان پس نمانید که تباه می گردید.

فاین تذهبون؟ و انی توفکون! و الاعلام قائمه، و الایات واضحه، و المنار منصوبه؛ فاین تباه بکم! و کیف تعمهون و بینکم عتره نبیکم! و هم ازمه الحق، و اعلام الدین، و السنه و الصدق! فانز لوهم با حسن منازل القران، ورد و هم ورود الهیم العطاش؛ (۱۱۳)

پس کجا می روید؟ و کی باز می گردید؟ که علامت ها بر پا است و دلیل ها هویدا است و نشانه ها بر جا است. گمراهی تا کجا؟ سرگستگی تا کی و چرا؟ خاندان پیامبرتان میان شما است که زمامداران حق و یقینند و پیشوایان دینند، با ذکر جمیل و گفتار راست قرینند، پس هم چون قرآن نیک حرمت آنان را در دل بدارید و چون شتران تشنه که به آبشخور روند، به آنان روی آرید.

روی آوردن به الگوهای نامناسب و بی بهره از کمالات حقیقی، موجب گم گستگی و سر خوردگی و نیز موجب شکست شدید روحی و آسیب های تربیتی است. الگوی مناسب هم چون کشتی است که سر نشینان خود را در دریای پرتلاطم زندگی در کمال سلامت به مقصد می رساند، الگوی نامناسب چون کشتی شکسته، سر نشینان خود را به قعر تباهی می برد حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند:

زله العالم کانکسار السفینه ، تغرق معها غیرها؛ <sup>(۱۱۴)</sup>

لغزش عالم ، هم چون شکسته شدن کشتی است که غرق می شود و گروهی را نیز با خود غرق می کند.

آن حضرت درباره تباهی الگوها و تباه شدن پیروانشان می فرمایند:

زله العالم تفسد العوالم ؛ <sup>(۱۱۵)</sup>

لغزش عالم ، عالم ها را به تباهی می کشاند.

### ویژگی های الگو

#### مسئولیت الگو

الگو، نمونه ای است که آدمی آگاهانه یا ناخود آگاه از او تقلید می کند. گزینه تقلید یکی از غرایز ریشه دار در انسان است . با توجه به نقش خطیر الگوها، مسئولیتی بس سنگین نیز متوجه آنها است . در ساماندهی این مسئولیت ، خود سازی قبل از دگر سازی مورد توجه است ، امیر مومنان (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

من نصب نفسه للناس اماما فلیبدا بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ؛ <sup>(۱۱۶)</sup>

آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد.

---

۱۱۴- غرر الحکم ، ج ۱ ، ص ۶۳.

۱۱۵- همان ، ص ۳۸۵.

۱۱۶- نهج البلاغه ، حکمت ۷۳.

آن حضرت درباره مسئولیت زمامداران به عنوان الگوهای مورد وثوق می فرمایند:

ان الله جعلني اماما لخلقه ، ففرض علي التقدير في نفسي ، و مطعمي و مشربي و ملبسي كضعفاء الناس ، كي يقتدى الفقير بفقري ، و لا يطغى الغنى بغناه؛<sup>(۱۱۷)</sup>

همانا خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که درباره خود (در زندگی شخصی و رفتارم) و خوراک ، نوشاک و پوشاکم مانند مردم عمل کنم تا این که فقیر به سیره فقیرانه من تاءسی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند.

امام علی علیه السلام سخت پاسدار ساده زیستی بود، بدین جهت می فرمایند:

اءقنع من نفسي باءن يقال : هذا امير المؤمنين و لا اءشاركهم في مكاره الدهر، اءؤاءكون اءسوه لهم في جشوبه العيش ؛<sup>(۱۱۸)</sup>

آیا بدین بسنده کنم که مرا امیر مؤمنان گویند و در ناخوشایندهای روزگار شریک آنان نباشم؟ یا در سختی های زندگی ، برایشان نمونه نباشیم؟

### اصلاح نفس

ساختمان وجودی انسان به گونه ای است که تاءثیر رفتار بر او بسیار بیشتر از گفتار است . مردم از راه چشم ، بیش از گوش امور را فرا می گیرند و تعلیم عملی سودمندتر از تعلیم زبانی است .

---

۱۱۷- الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۱.

۱۱۸- نهج البلاغه ، نامه ۳۵.

امام صادق علیه السلام به این امر توجه می دهند، آن جا که می فرمایند:

كونو ادعاه الناس باعمالکم ، و لاتکونوا دعاه باءلستکم ؛<sup>(۱۱۹)</sup>

مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید نه با زبان خویش .

حضرت علی علیه السلام نیز می فرمایند:

مردم را با غیر زبان (یعنی عمل خود) به نیکی دعوت کنید.

در جای دیگر امیر مؤمنان علیه السلام به روشنی بر این امر تأکید می

ورزند:

من نصب نفسه للناس اماما فليبداء بتعليم نفسه قبل تعليم غيره ، وليكن

تاءديه بسيرته قبل تاءديه بلسانه ، و معلم نفسه و مؤدبها اءحق بالاجلال من

معلم الناس و مؤدبهم ؛<sup>(۱۲۰)</sup>

آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری ، باید به ادب کردن

خویش بپردازد و پیش از آن که به گفتار تعلیم دهد باید به کردار ادب نماید و

آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته تر به تعظیم است از آن که

دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.

هم ایشان می فرمایند:

ان سمت همتك لاصلاح الناس فابداء بنفسك ؛ فان تعاطيك صلاح غيرك و

ءنت فاسد اءكبر العيب ؛<sup>(۱۲۱)</sup>

---

۱۱۹- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸.

۱۲۰- نهج البلاغه ، حکمت ۷۳.

۱۲۱- غرر الحکم ، ج ۱، ص ۲۷۸.

اگر در صدد اصلاح دیگران هستی ، نخست خود را اصلاح کن ؛ زیرا بزرگ ترین عیب این است که به اصلاح و تربیت دیگران پردازی در حالی که خود فاسد باشی .

نمونه والای تربیت عملی ، هرگز مردم را به چیزی دعوت ننمود، مگر این که خود سخت بدان پای بند بود و هرگز آنان را از چیزی دور نساخت ، مگر این که خود بیش از همه از آن پرهیز داشت . حضرتش می فرماید:

اءیها الناس انی و الله ما اءحکم علی طاعه الا و اءسبقکم الیها، ولا اءنها کم عن معصیه الا و اءتاهی قبلکم عنها ؛ (۱۲۲)

ای مردم ! به خدا من شما را به طاعتی بر نمی انگیزم ، جز آن که خود پیش از شما به گزاردن آن برمی خیزم و شما را از معصیتی باز نمی دارم ، جز آن که پیش از شما آن را فرو می گذارم .

### عدم شکاف بین گفتار و کردار

با توجه به نقش و نفوذ الگوها در شکل دهی رفتار، افکار و عواطف انسان ها، عواملی چون تضاد بین گفتار و رفتار، اصطکاک الگوها و لغزش های فکری و عملی آن ها از نقاط آسیب پذیر به حساب می آیند. هیچ چیز مانند تضاد گفتار و کردار تباه کننده تربیت نیست . حضرت به این مهم اشاره می فرماید:

لعن الله الامرین بالمعروف التارکین له ، و الناهین عن المنکر العاملین به ؛ (۱۲۳)

لعنت خدا بر آنان که به معروف فرمان دهند و خود آن را واگذارند و از منکر بازدارند و خود آن را به جا آورند.

---

۱۲۲- نهج البلاغه ، خطبه ۱۷۵.

۱۲۳- همان ، خطبه ۱۲۹.

باید دانست که بهترین اندیشه ها و والاترین سخنان ، بامهر عمل ارج و ارزش می یابد والا. از تاءثیر و کارایی افتاده و تاءثیر نامطلوبی برجا می گذارد. شکاف و دوگانگی بین سخن و عمل ، نوعی لغزش و انحراف محسوب می شود. حضرت می فرمایند:

لا زله اءشد من زله العالم ؛<sup>(۱۲۴)</sup>

هیچ لغزشی زیانبارتر از لغزش عالم نیست .

### روش محبت

استفاده از محبت ، از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه های تربیتی است . محبت جاذبه می آفریند، انگیزه خلق می کند، انسان های پرتلاطم و مضطرب را آرامش می بخشد و فرزندان نابهنجار و ناسازگار را رام می کند. محبت ، شیوه ای است که به مرحله ای خاص از تربیت اختصاص ندارد، اما کودکان و نونهالان بیشتر به آن نیازمندند. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

هر که فرزند خود را ببوسد، برای او پاداش و حسنه خواهد بود و هر که فرزند خود را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد خواهد فرمود.<sup>(۱۲۵)</sup>

اگر انسان ، به ویژه در دوره کودکی از محبت سیراب نشود، در بزرگ سالی معمولاً با ناهنجاری هایی مواجه می شود، لذا پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرموده اند:

---

۱۲۴- غرر الحکم ، ج ۲، ص ۸۴۱.

۱۲۵- دکتر عین الله خادمی ، درونی کردن ارزش های اسلامی ، ص ۱۰۷



به کودکان و نوباوگان محبت نمایید و رحمت خود را شامل حال آن ها گردانید. (۱۲۶)

به نظر بسیاری از دانشمندان کمبود محبت و منشاء بسیاری از عقده های روانی می شود. به همین سبب در مکتب تربیتی اسلام به عامل تربیتی محبت تاءکید بسیار زیادی شده است. در برخی روایات آن قدر روی اهمیت آن تاءکید شده که محبت را مساوی دین معرفی کرده اند. (۱۲۷)

حضرت علی علیه السلام در مواجهه با فرزندان خود از جملاتی محبت آمیز و پرجاذبه بهره می گرفتند. ایشان در نامه تربیتی به امام حسن علیه السلام می فرمایند:

فرزندم! تو جزئی از وجود و بلکه همه وجود منی، به طوری که اگر به تو بلایی رسد، به من رسیده است و اگر مرگ، تو را در کام گیرد، مرا در کام گرفته است. آنچه از وضع و حال تو مورد توجه من قرار گرفته است، همان وضع و حال خود من است که برایم اهمیت بسیار دارد. (۱۲۸)

از اساسی ترین روش های تربیت، روش محبت است که با فطرت و سرشت آدمی بسیار سازگار است. با توجه به میدان گسترده تاءثیر محبت، اولیای الهی از آن بهره های بسیار گرفته اند و آن را محور تربیت قرار داده اند. انسان به هر چه علاقه پیدا کند، بدو متمایل می شود و سعی در همسانی می نماید. امیرمؤمنان می فرمایند:

---

۱۲۶- فیض کاشانی، المحجه البیضاء، ج ۲، ص ۲۳۷.

۱۲۷- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۱۴ الدین هوالحت والحت هوالدین.

۱۲۸- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۹ وجدتک بعضی بل وجدتک کلی حتی

کاءن لو اءصابک اءصابنی ....

من اءحب شیئا لهج بذكره ؛ (۱۲۹)

هر که چیزی را دوست بدارد به یاد آن حریص می شود. آنچه موجبات پیوند را فراهم می آورد و زمینه تربیت را مهیا می سازد محبت است و این روش دقیقا مورد عنایت حضرت قرار گرفته است ؛ زیرا محبت چنان انسان را متحول می سازد که هیچ چیز دیگر با آن برابری نمی کند. از سوی دیگر، محبت حقیقی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خاندان آن حضرت ، بهترین عامل برای اصلاح و انصاف به کمالات است . امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرمایند:

من اءحبنا فلیعمل بعملنا و لیتجلبب الورع ؛ (۱۳۰)

هر که ما را دوست دارد باید به عمل ما عمل کند و به خویشتن داری ، خود را پوشش دهد.

انسان در سایه دوستی اهل بیت به نیکبختی می رسد. حضرت در این باره می فرمایند:

اءسعد الناس من عرف فضلنا و تقرب الی الله بنا، و اءخلص حبنا، و عمل بما الیه ندبنا، و انتهى عما عنه نهینا فذاک منا، و هو فی دار المقامه معنا ؛ (۱۳۱)

نیکبخت ترین مردمان کسی است که برتری جایگاه ما را بشناسد و به وسیله ما به خدا نزدیک شود و محبت ما را در خود خالص گرداند و

---

۱۲۹- شرح غرر الحکم ، ج ۵، ص ۱۷۷.

۱۳۰- همان ، ج ۵، ص ۳۰۳.

۱۳۱- همان ، ج ۲، ص ۴۶۱.

بدان چه او را فراخوانده ایم عمل کند و از آنچه او را نهی کرده ایم باز ایستد، پس چنین کسی از ما است و در خانه آخرت همراه ما است .

## ویژگی های روش محبت

### محبت ستون و رکن دین

اساسا ستون های دین الهی بر دوستی حق استوار شده است و از این راه تاءثیرپذیری انسان چند برابر می شود. حضرت علی (علیه السلام) در ضمن خطبه ای می فرمایند:

ثم ان هذا الاسلام دين الله الذي اصطفاه لنفسه ، واصطنعه على عينه ، و  
اصفاه خيره خلقه ، واءدقام دعائمه على محبته ؛ <sup>(۱۳۲)</sup>

دیگر این که این اسلام ، دین خدا است که آن را برای خود برگزید و به دیده عنایت خویش پرورید و بهترین آفریدگان خود را مخصوص رساندن آن گردانید و ستون آن را بر دوستی خود استوار نمود.

ایشان می فرمایند از رسول گرامی اسلام درباره سنت آن حضرت پرسیدم ، آن حضرت فرمودند:

والحب اساسی ؛ <sup>(۱۳۳)</sup>

محبت ، بنیاد و اساس من است .

### اظهار محبت

در سیره معصومین علیهم السلام چشاندن طعم شیرین محبت به راه های مختلف دیده می شود.

---

۱۳۲- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۸.

۱۳۳- الشفاء بتعريف حقوق المصطفى ، ج ۱، ص ۱۸۷.

این اظهار محبت در گره گشایی روانی، مادی و... دیده می شود. آنان آب حیات محبت را بر دیگران ایثار می کردند و از این راه زمینه هدایت افراد را فراهم می کردند. اظهار محبت به فرزندان و بزرگ - سالان از دستوره‌های اکید ایشان است. از وصیت های حضرت امیر (علیه السلام) است که :

و ارحم من اءهلک الصغیر، و وقر منهم الکبیر؛ <sup>(۱۳۴)</sup>

با کودکان مهربانی کن و احترام بزرگان را نگه دار.

این محبت باید در تبسم و حتی در آهنگ محبت آمیز والدین جلوه نماید، هیچ گاه نباید محبت را از فرزندان دریغ کرد. فرزندان در دوران نوجوانی و جوانی هم، به محبت های پدر و مادر شدیداً نیازمندند.

### محبت افراطی

محبت به فرزندان و دیگران به این معنا نیست که بدی های آنان نادیده انگاشته و از تربیتشان غفلت شود. باید حساب دوستی به فرزندان را از حساب تربیت و سازندگی جدا کرد. بعضی از پدران و مادران با محبت های بی جای خود، در لباس دوستی، بزرگ ترین خیانت ها را در حق فرزندان خود مرتکب می شوند. باید توجه داشت همان طور که کمبود محبت زیان آور است، زیاده روی در محبت نیز فرزندان را از خودراضی و کم مقاومت به بار می آورد و در مقابل مشکلات زندگی دچار احساس حقارت شده و آسیب پذیر می شوند. انسان ها، در بستر مناسب و متعادل رشد شخصیت می یابند. در شرایط خاص و دشوار، انسان با مقاومت آبدیده و مقاوم بار می آید و توانایی مواجهه با مشکلات را می یابد. حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند:

---

۱۳۴- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۶.

من کلف بالاءدب قلت مساویه ؛ (۱۳۵)

هر کسی سختی تاءدیب را تحمل کند، بدی هایش کم خواهد شد. بنابراین ، نباید در اثر افراط در محبت و تعریف و تمجیدهای آن چنانی ، فرزندان با شخصیت کذایی رشد یابند که برای خود شخصیت و مقامی بالاتر از انتظار تصور کنند و عیوب خود را نیز کمال پنداشته و به بیماری خودپسندی مبتلا شوند. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: من رضی عن نفسه ظهرت علیه المعایب؛ (۱۳۶) هر کس از خود راضی باشد، عیوبی در او پدیدار خواهد شد. از سوی دیگر، چنین شخصی از دیگران توقع دارد که شخصیت کاذب او را بپذیرند و از او ستایش کنند. در نتیجه ، افراد چاپلوس و تملق گو در اطراف او جمع می شوند؛ ولی واقع گویان و انتقادکنندگان را نمی پذیرد. خودپسندان نه تنها نمی توانند محبت دیگران را به سوی خویش جلب کنند، بلکه همواره منفور و مطرود دیگران خواهند بود. چنانچه حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: من رضی عن نفسه کثر الساخط علیه ؛ (۱۳۷) هر کس از خود راضی باشد، خشم گیرندگان بر او بسیار خواهند شد.

روش تذکر (۱۳۸)

پیام آوران الهی ، در تربیت از روش تذکر نعمت ها و رحمت های الهی بهره می گرفتند

---

۱۳۵- غرر الحکم ، فصل ۷۷، شماره ۶۲۴.

۱۳۶- همان ، فصل ۷۱، شمار ۱۱۵۸.

۱۳۷- همان ، ش ۸۳۹.

۱۳۸- در تکمیل بعضی از روش های این کتاب ماه مهرپرور، اثر استاد مصطفی دلشاد تهرانی

استفاده شده است .

و از این راه به اصلاح مردم همت می گماردند. حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند:

فبعث فیهم رسله ، و واتر الیهم اءنبیاءه لیستاد و هم میثاق فطرته ، و یذکر و هم منسی نعمته ؛ (۱۳۹)

پس هراز چندگاه ، پیامبرانی فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق فطرت بگزارند و نعمت فراموش کرده را به یاد آرند.

مسلمان هر چه انسان در مراتب کمال اوج می گیرد، تذکر او نسبت به هستی و خالق آن بیشتر می شود و به مرتبه ای می رسد که در نسبت با هر چیزی ، تذکر در او به وجود می آید. به بیان امام علی (علیه السلام):

المؤمن دائم الذکر ؛ (۱۴۰)

مؤمن ، پیوسته در یاد خدا است .

### ویژگی های متذکران

#### یاد خدا

حضرت در وصف انسان خداترس و پرواپیشه می فرمایند:

یصبح و همه الذکر بییت حذرا و یصبح فرحا ؛ (۱۴۱)

بامداد می کند ذکرگویان ، شب رابه سر می برد ترسان و روز می کند شادمان.

---

۱۳۹- نهج البلاغه ، خطبه ۱.

۱۴۰- شرح غرر الحکم ، ج ۳ ، ص ۲۳۰.

۱۴۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۳.

پیشوای موحدان در توصیف احوال اهل ذکر و آنان که به اهداف تربیت ربانی و اصل شده اند می فرمایند:

و همانا یاد خدا از آن مردمانی است که آن یاد را جایگزین جهان فانی کرده اند، نه کسب و کار، سرگرمشان ساخته و نه خرید و فروش، یاد خدا را از دل آنان انداخته. روزهای زندگی را بدان می گذرانند و نهی و منع خدا را به گوش بی خبران می خوانند. به داد فرمان می دهند و خود نیز از روی داد دنیا را سپری کرده و به آخرت در آمده اند و آنچه از پس دنیا است دیده اند و بر نهان برزخیان آگاهند که چه مدتی است در آن به سر می برند و قیامت وعده هایش را برای آنان محقق داشته است و آنان برای مردم دنیا از آن پرده برداشته اند. گویی می بینند آن راکه مردم نمی بینند و می شنوند آن راکه مردم نمی شنوند.<sup>(۱۴۲)</sup>

#### هوشیاری

دلفریبی های دنیا، غفلت آفرین است و انسان را از یاد حق باز می دارد و به خود مشغول می سازد، هر چه این غفلت و وابستگی بیشتر باشد، انسان را از مقصد تربیت دورتر می سازد. در این میان تذکر و یادآوری صیقل بخش روح و روان آدمی است و او را به حقیقت خویش بازمی گرداند. حضرت امیر (علیه السلام) داروی غفلت را، یاد همیشگی خداوند می دانند و می فرمایند:

بدوام ذکر الله تنجاب الغفله ؛<sup>(۱۴۳)</sup>

---

۱۴۲- همان ، کلام ۲۲۲.

۱۴۳- شرح غرر الحکم ، ج ۳، ص ۲۲۰.

به سبب یاد دایمی خدا، غفلت زایل می شود.

تذکر، در تربیت نقش کلیدی و حساس دارد؛ زیرا انسان را از دل مشغولی ها و دگر مشغولی ها رهانیده و به سوی اصل و فطرتش باز می گرداند. مولای بیداردلان درباره نقش سازنده تذکر می فرمایند:

ان الله سبحانه جعل الذكر جلاء للقلوب تسمع به بعد الوقرة ، و تبصر به بعد العشوه ، و تنقاد به بعد المعانده ؛ (۱۴۴)

همانا خدای سبحان یاد خود را روشنی بخش دل ها قرار داده است ، دل ها بدین وسیله از پس کری ، شنوا و از پس نابینایی ، بینا و از پس سرکشی ، رام می گردند.

#### ذکر مداوم

اگر ذکر دایمی باشد، انسان به جز فرمان محبوب و راه او نمی خواهد. طاعت خدا را می پذیرد و به یاد او انس می گیرد. امام علی (علیه السلام) در نامه خود به حارث همدانی او را بدین روش به تربیت فراخوانده است :

و عظم اسم الله اءن تذكره الا على حق ، واءكثر ذكر الموت و ما بعد الموت؛ (۱۴۵)

نام خدا را بزرگ شمارو آن را جز برای حق بر زبان میار، مرگ و پس از مرگ را فراوان یاد کن .

نیکوترین تذکر برای انسان ، یاد خدای مهربان و رحمت های بی کران او است که در ساماندهی تربیت ، نقشی بسیار تعیین کننده دارد.

---

۱۴۴- نهج البلاغه ، کلام ۲۲۲.

۱۴۵- همان ، نامه ۶۹.



امیرمؤمنان علی (علیه السلام) مردم را به این روش نیکو فراخوانده اند:

افيضوا في ذكر الله؛ فانه احسن الذكر؛ (۱۴۶)

در بستر یاد خدا روان شوید که نیکوترین یاد، یاد خداست .

یاد خدا، انسان را از فرو غلطیدن در پستی ها تباهی ها باز می دارد و انسان را به راه راست رهنمون می شود. با یاد خدا و توکل بر او سخت ترین کارها سهل و آسان می شود.

خير ما استنجحت به الاءمور ذكر الله سبحانه؛ (۱۴۷)

بهترین چیزی که بدان کارها برآورده می شود یاد خدا است .

اساسی ترین اصلاح، اصلاح قلب است و اساس اصلاح قلب، یاد خدا است . امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرمایند:

اصل صلاح القلب، اشتغاله بذكر الله؛ (۱۴۸)

اساس صلاح قلب در اشتغال به یاد خدا است .

هم چنین می فرمایند:

من صلح مع الله سبحانه لم يفسد مع احد؛ (۱۴۹)

هر که رابطه خود را با خدای سبحان اصلاح کند، رابطه اش با هیچ کس تباه نشود.

به یاد آوردن نعمت ها و خداوندی که سراسر رحمت است، آدمی را از غفلت

بیدار ساخته و در همه ابعاد زندگی اش تحول ایجاد می کند

---

۱۴۶- همان، خطبه ۱۱۰.

۱۴۷- شرح غرر الحکم، ج ۳، ص ۴۲۷.

۱۴۸- همان، ج ۲، ص ۴۱۵.

۱۴۹- غرر الحکم، ص ۱۸۴.

و انسان را مستعد دریافت کمالات می سازد. در پرتو یاد حق ، انسان از زندان دنیا آزاد می شود و به مرتبه صدق و راستی می رسد، نشاط حقیقی می یابد و به گلزاری از کمالات و فضایل اخلاقی مبدل می شود. ظاهر و باطن انسان دگرگون می شود و از چاه تاریک طبیعت به سوی حقیقت و ملکوت سفر می کند.

### یاد مرگ

در روش تذکر، یاد مرگ جایگاه ویژه ای دارد. غفلت از مرگ بزرگ ترین عامل عصیان و نسیان است . حضرت علی (علیه السلام) در ضمن خطبه ای می فرماید:

ءوصیکم بذكر الموت ، و اقلال الغفله عنه ، و کیف غفلتکم عما لیس یغفلکم و طمعکم فیمن لیس یمهلکم ! فکفی واعظا بموتی عاینتموهم حملوا الی قبورهم غیر راکبین ، و اءنزلوا فیها غیر نازلین ، فکاءنهم لم یكونوا للدنیا عمارا، و کائن الآخره لم تزل لهم دارا ...؛<sup>(۱۵۰)</sup>

شما را به یاد مرگ و کاستن بی خبری تان از آن سفارش می کنم . چگونه از چیزی غافلید که شما را رها نمی کند و از شما غافل نیست ؟ چگونه از کسی که مهلت نمی دهد (ملک الموت) مهلت می طلبید؟ برای پنددادن به شما، مردگان بسنده اند که آنان را دیده اید بر دوش ها به گورهایشان بردند نه خود سوار بودند؛ در گورهایشان فرود آوردند نه خود فرود آمدند. گویی آنان آبادکننده دنیا نبودند و گویی همیشه ، آخرت خانه هایشان بود.

---

۱۵۰- نهج البلاغه ، خطبه ۱۸۸.

یاد مرگ ، انسان را از فرورفتن در دام دنیا باز می دارد و سرکشی را مهار می کند. دست تعدی و تجاوز نمی گشاید و برای خویشتن خویش مرزبانی دقیق می شود. اگر انسان بداند که مرگ فقط برای دیگران نیست و روزی هم به سراغ او خواهد آمد، این فرمایش مولا علی (علیه السلام) را آویزه گوش خود می سازد که :

اءذکرا انقطاع اللذات ، و بقاء التبعات ؛ <sup>(۱۵۱)</sup>

به یاد دارید که لذت ها تمام شدنی است و پایان ناگوار آن بر جای می ماند. یاد مرگ ، راه نجات آدمی از خود خواهی و دنیا طلبی است ؛ زیرا:

من اءکثر من ذکر الموت نجا من خداع الدنيا ؛ <sup>(۱۵۲)</sup>

هر که مرگ را بسیار یاد کند، از نیرنگ های دنیا نجات می یابد.

از دیدگاه حضرت ، فراموشی مرگ ، عاملی است که انسان را از بهره گیری فرصت ها و فراهم کردن توشه آخرت باز می دارد؛ اما انسان آگاه می داند که مسافری است که باید از سرمایه عمر، ره توشه آخرت مهیا بدارد. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

یا عبادالله ، ان الموت لیس منه فوت ، فاحذروه قبل وقوعه ، و اءعدوا له عدته ؛ فانکم طرد الموت ان اءقمتم له اءخذکم ، و ان فررتم منه اءدرککم ، و هو اءکرم لکم من ظلمکم ؛ <sup>(۱۵۳)</sup>

---

۱۵۱- همان ، حکمت ۴۳۳.

۱۵۲- شرح غرر الحکم ، ج ۵، ص ۳۰۹.

۱۵۳- شیخ طوسی ، امالی ، ج ۱، ص ۲۷.

ای بندگان خدا! همانا از مرگ گریزی نیست . پس قبل از آن که شما را دریابد، از آن بیم دارید و سازوبرگ آن را فراهم سازید؛ زیرا در هر حال شما شکار مرگید، اگر در جای خود بمانید، به سراغتان آید و اگر از آن بگریزید، شما را دریابد و این مرگ از سایه شما با شما همراه تر است .

اگر آدمی خود را مسافر بداند، فرصت را کوتاه ببیند و به حسابرسی یقین داشته باشد، از فرصت ها به بهترین وجه ممکن بهره می گیرد و در انجام دادن کارهای نیک شتاب می ورزد:

من تذکر بعد السفر استعد ؛ (۱۵۴)

هر که دوری سفر را به یاد آورد، خویشتن را آماده نماید.

من راقب اءجله اغتنم مهله ؛ (۱۵۵)

هر که منتظر مرگ خویش باشد، از مهلت هایی که در اختیار دارد بهره می برد.

من ترقب الموت سارع الی الخیرات ؛ (۱۵۶)

هر که انتظار مرگ را کشد، در انجام دادن کارهای نیک شتاب می ورزد. و خوشا به حال آنان که با یاد مرگ و ذکر معاد، خود را می سازند، فرصت ها را غنیمت می شمارند و به اعمال نیک می پردازند:

طوبی لمن ذکر المعاد، و عمل للحساب ، و قنع بالكفاف ، و رضی عن الله؛ (۱۵۷)  
خوشا به حال کسی که معاد را از یاد نبرد،

---

۱۵۴- شرح غرر الحکم ، ج ۵، ص ۳۰۵.

۱۵۵- همان ، ص ۲۹۵.

۱۵۶- همان ، ص ۳۲۷.

۱۵۷- نهج البلاغه ، حکمت ۴۴.

برای حساب کار کرد و به گذران روز قناعت نمود و از خدا راضی بود.

### روش عبرت

عبرت از عبور و به معنای نفوذکردن و گذشتن از میان چیزی است. چنان که می گویند: عبرت النهر عبورا؛<sup>(۱۵۸)</sup> یعنی از رودخانه گذشتم. عبرت حالتی است که انسان را از امور مشهود به امور نامشهود راه می برد و از شناخت چیزی که دیده شده است، به شناخت چیزی که در گذشته رخ داده و دیده نشده است، می رساند.<sup>(۱۵۹)</sup> بنابراین، عبرت، گذشتن از محسوسات به معقولات، از مشهودات به نامشهودات، از ظواهر به بواطن، از بدی ها به خوبی ها و از زشتی ها به زیبایی ها است. انسان ها از دیدن رویدادهای روزگار از بدی به خوبی و از زشتی به زیبایی گذر می کنند. حضرت امیر (علیه السلام) همگان را به عبرت آموزی فراخوانده اند:

فاتعظوا بالعبر، واعتبروا بالغیر، وانتفعوا بالنذر؛<sup>(۱۶۰)</sup>

پس، از آنچه مایه عبرت است، پند بگیرید و از گردش روزگار عبرت پذیرید و از بیم دهندگان سود بگیرید.

عبرت آموزی، انسان را بینا می سازد و در حقیقت این روش اثری گرانبها در تربیت آدمی دارد؛ چرا که انسان را از غفلت به بصیرت و از غرور به شعور می رساند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در تاءثیر این روش می فرماید:

الاعتبار منذر ناصح، من تفکر اعتبر، و من اعتبر اعتزل و من اعتزل سلم؛<sup>(۱۶۱)</sup>

---

۱۵۸- لسان العرب، ج ۹، ص ۱۷ - ۱۸.

۱۵۹- المفردات، ص ۳۲۰.

۱۶۰- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷.

۱۶۱- بحار الاءنوار، ج ۷۸، ص ۹۲.

عبرت بیم دهنده ای خیرخواه است . هر که بیندیشد، عبرت گیرد و هر که  
عبرت گیرد، خود را دور نگه دارد.

ایشان عبرت را راهی نیکو برای کسب بصیرت می دانند:

من اعتبر ابصر، و من ابصر فهم ، و من فهم علم ؛ <sup>(۱۶۲)</sup>

هر که عبرت گرفت بینا شد و آن که بینا شد، فهمید و آن که فهمید دانش

ورزید.

عبرت زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم می سازد:

الاعتبار يقود الی الرشد ؛ <sup>(۱۶۳)</sup>

عبرت گرفتن (انسان را) به سوی رشد (راه راست) می کشاند.

بهره مندی از این روش ، لغزش ها و اشتباهات آدمی را می کاهد و انسان را

در حاشیه امن قرار می دهد: من کثر اعتباره قل عثاره ؛ <sup>(۱۶۴)</sup> هر که عبرت

آموزی اش بسیار باشد، لغزشش اندک باشد.

## ویژگی های روش عبرت

### تاریخ، آینه عبرت

اگر انسان عبرت پذیر شود و بیاموزد که به حوادث روزگار و آنچه بر

دیگران رفته است به دیده عبرت بنگرد، می تواند به بصیرتی راهگشا در زندگی

دست یابد و بهترین زمینه را برای تربیت خود فراهم کند. بیان امام علی (علیه

السلام) گویای این مطلب است :

---

۱۶۲- نهج البلاغه ، حکمت ۲۰۸.

۱۶۳- شرح غرر الحکم ، ج ۱، ص ۲۹۱.

۱۶۴- همان ، ج ۵، ص ۲۱۷.

ولو اعترت بما مضى ، حفظت ما بقى ؛ (۱۶۵)

اگر از آنچه گذشته است عبرت بگیری ، آنچه را مانده است حفظ می کنی .  
امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) صحنه های گوناگونی را تصویر نموده و  
ما را به کسب عبرت فرا می خوانند. تاریخ آینه ای روشن و روشنگراست تا  
آدمی در احوال گذشتگان و فراز و فرودهای آنان خود را دریابد. به راستی  
گردن کشان و خودکامگان پیشین کجا رفتند؟ چگونه عزت و بزرگی های  
موهومشان به ذلت و خواری تبدیل شد؟

پس عبرت گیرید از آنچه به مستکبران پیش از شما رسید از عذاب خدا،  
سختگیری های او و خواری و کیفرهای او. عبرت گیرید از تیره خاکی که  
رخساره هایشان را بر آن نهاده است و زمین های غمناک که پهلویشان بر آن  
افتاده است و به خدا پناه برید از کبر که در سینه ها زاید، چنان که بدو پناه می  
برید از بلاهای روزگار که پیش آید. (۱۶۶)

سیر در نیک و بد احوال گذشتگان و دریافتن عوامل خوشبختی و بدبختی و  
فهم اسباب عزت و ذلت آنان ، راهی نیکو برای تربیت است . دقت در علل  
عظمت و انحطاط جوامع و ظهور و سقوط تمدن ها، مانع بسیاری از اشتباهات  
خواهد بود. امیرمؤمنان ما را به این حقیقت توجه داده اند:

همانا در روزگاران گذشته برای شما عبرت است . کجایند عمالقه (۱۶۷) و  
فرزندان آنان ؟

---

۱۶۵- نهج البلاغه ، نامه ۴۹ .

۱۶۶- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲ .

۱۶۷- عمالقه قوم قدیم ساکن عربستان در منتهی الیه ادوم که غالبا با یهودیان در زمان شاعول  
و داوود در جنگ بودند و داوود آنان را نابود کرد. (فرهنگ معین ، ج ۱ ، ص ۱۲۰).

کجایند فراعنه و فرزندان آنان؟ کجایند مردمانی که در شهرهای رس<sup>(۱۶۸)</sup> بودند؟ آنان که پیامبران را کشتند و سنت فرستادگان خدا را از بین برده و سیرت جباران را زنده کردند؟ کجایند آنان که با سپاهیان به راه افتادند و هزاران تن را شکست دادند؟ آنان که سپاه ها به راه انداختند و شهرها ساختند.<sup>(۱۶۹)</sup>

دنیا سرای عبرت است و کسانی می توانند در آزمون های آن سرافراز بیرون بیایند که در تحولات و تطورات آن با دیده عبرت بنگرند و از فراز و نشیب ها، سختی و آسایش های آن درس بیاموزند. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

فی تصریف الدنيا اعتبار؛<sup>(۱۷۰)</sup>

در دگرگونی های دنیا (برای بینایان) عبرت است

---

۱۶۸- اصحاب الرس که در قرآن کریم سوره فرقان (آیه ۳۸) و سوره ق (آیه ۱۲) نامشان آمده است، قومی بودند که پس از قوم ثمود قدرت یافتند و خداوند پیامبرانی به سویشان فرستاد، ولی آن ها پیامبران خود را تکذیب کردند و خداوند هلاکشان ساخت. (المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸).

۱۶۹- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۱۷۰- شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۳۹۵.



هان ای دل عبرت بین ازدیده عبر کن هان  
یک ره زلب دجله منزل به مدائن کن  
دندانه هر قصدی پندت دهد نونو  
این هست همان ایوان کز نقش رخ مردم  
چندین تن جباران کاین خاک فروخورده است  
این بحر بصیرت بین بی شربت از او مگذر  
ایوان مدائن را آیینیه عبرت دان  
وز دیده دوم دجله بر خاک مدائن ران  
پند سر دندانیه بشنو زبن دندان  
خاک در او بودی دیوار نگارستان  
این گرسنه چشمه آخر هم سیر نشد زایشان  
کز شط چنین بحری ، لب تشنه شدن نتوان<sup>(۱۷۱)</sup>

عبرت بسیار است و راه های کسب آن فراوان ؛ اما کجایند آنان که دیده  
عبرت بین بگشایند و بهره گیرند.

ما اكثر العبر و اقل الاعتبار ؛<sup>(۱۷۲)</sup>

عبرت ها چه بسیار است و عبرت گرفتن چه اندک !  
خداوند وسایل عبرت آموزی را در اختیار انسان قرار داد. قلبی فراگیر،  
زبانی داد در خور تعبیر و دیده ای نگرنده و بصیر. این انسان است که باید در  
ظواهر امور توقف نکند و راه تفکر و تدبر در پیش بگیرد. حضرت علی (علیه  
السلام) می فرمایند:

رحم الله امرءا تفکر فاعتبر و اعتبر فاء بصر ؛<sup>(۱۷۳)</sup>

خدا رحمت کند انسانی را که بیندیشد و عبرت گیرد و عبرت گیرد و بپذیرد.  
و به درستی که :

وانما ينظر المؤمن الى الدنيا بعين الاعتبار ؛<sup>(۱۷۴)</sup>

---

۱۷۱- بخشی از شعر خاقانی شروانی .

۱۷۲- نهج البلاغه ، حکمت ۲۹۷ .

۱۷۳- همان ، خطبه ۱۰۳ .

۱۷۴- همان ، حکمت ۳۶۷ .

همانا انسان با ایمان با دیده عبرت به جهان می نگرد.

### روش موعظه

موعظه در اصل به معنای منعی است که با بیم دادن همراه است. <sup>(۱۷۵)</sup> هم چنین گفته اند: موعظه، یادآوری قلب است نسبت به خوبی ها در آنچه موجب رقت قلب می شود. <sup>(۱۷۶)</sup> بنابراین، موعظه قلب را رقت می بخشد و انسان را به سوی نیکی ها سوق می دهد. موعظه یکی از روش های تعلیم و تربیت است که هیچ کس از آن بی نیاز نیست. حضرت امیر (علیه السلام) به یکی از اصحابش فرمودند: عطنی مرا موعظه کن. موعظه برای نفس انسان ضرورت دارد. در نفس انسان، پاره ای از انگیزه های فطری است که همیشه به ارشاد و تهذیب نیاز دارند و این کار جز با موعظه میسر نمی شود. تا آن جا که خداوند، رسالت اصلی پیامبر را تذکر دانسته است. <sup>(۱۷۷)</sup> لقمان حکیم در موعظه به فرزندش می فرماید: پسر عزیزم! نخستین سفارش من به تو این است که چیزی را شریک خدا قرار ندهی؛ چون شرک ظلم بزرگی است. <sup>(۱۷۸)</sup>

قرآن مجید، حسنه بودن موعظه را اعتقاد حقیقی واعظ به آنچه می گوید و عمل به آنچه بیان می کند، معرفی کرده است. حضرت علی (علیه السلام) بهترین موعظه را قرآن دانسته و می فرماید:

خداوند هیچ کسی را با چیزی مثل قرآن پند و موعظه نکرده است. <sup>(۱۷۹)</sup>

---

۱۷۵- المفردات، ص ۵۲۷.

۱۷۶- کتاب العین، ج ۳، ص ۱۹۶۶.

۱۷۷- غاشیه (۸۸) آیه ۲۱ انما اءنت مذکر؛ ای پیامبر! تو تنها یادآورنده ای.

۱۷۸- لقمان (۳۱) آیه ۱۳.

۱۷۹- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۷۶.

در شنیدن ، اثری است که در دانستن نیست و آدمی به گونه ای آفریده شده است که ارشاد را بهتر از امر و نهی می پذیرد، بر این اساس باید همواره افرادی صالح ، مردم را با موعظه متوجه خدا سازند و آنان را از غفلت بیرون آورند. قرآن کریم به این امر تاءکید می ورزد که :

و اءدع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه ؛ <sup>(۱۸۰)</sup>

مردم را با حکمت و موعظه نیکو به راه خدا بخوان .

البته باید موعظه ، نیکو، سازنده و سودمند باشد تا مقاومت دل را در برابر کلام حق در هم شکنند و به آن ، حالت نرمی و تسلیم ببخشد. در سخنان علی (علیه السلام) آمده است :

الموعظه النافع ما ردع ؛ <sup>(۱۸۱)</sup>

موعظه سودمند آن است که باز دارد.

مواعظ جان بخش دل را صفا می دهد و زمینه پذیرش کمالات را فراهم می سازد، با توجه به این مهم است که حضرت علی (علیه السلام) در نامه تربیتی به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می فرمایند:

اءحی قلبک بالموعظه ؛ <sup>(۱۸۲)</sup>

دلت را به موعظه زنده دار.

هم چنین ایشان موارد زیر را از فواید موعظه برمی شمارد:

المواعظ حیاة القلوب ؛ <sup>(۱۸۳)</sup>

---

۱۸۰- نحل (۱۶) آیه ۱۲۵.

۱۸۱- شرح غرر الحکم ، ج ۱ ، ص ۳۱۹.

۱۸۲- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.

۱۸۳- شرح غرر الحکم ، ج ۱ ، ص ۸۵.

موعظه ، مایه حیات دل ها است .

بالمواعظ تنجلی الغفله ؛ <sup>(۱۸۴)</sup>

به سبب موعظه ، غفلت زدوده می شود.

ثمره الوعظ الانتباه ؛ <sup>(۱۸۵)</sup>

نتیجه موعظه بیداری است .

المواعظ صقال النفوس ، و جلاء القلوب ؛ <sup>(۱۸۶)</sup>

موعظه ، صیقل نفس ها و روشنی بخش دل ها است .

علی (علیه السلام) در موارد مکرر تصریح کرده اند که موعظه منحصر به زبان نیست ، بلکه اگر کسی دارای فکر و اندیشه باشد و از زیرکی خاصی برخوردار باشد، همه اشیا و حوادث جهان برای او نقش واعظ را ایفا می کنند:

ان فی کل شیء موعظه و غیره لذوی اللب و الاعتبار ...؛ <sup>(۱۸۷)</sup> همانا در هر

چیزی موعظه و برداشتهای دیگر برای صاحب عقل و بصیرت وجود دارد.

اشیا به انسان می فهماند که بر این چند روز دنیا و امکانات اندک آن مغرور مشو، چون فردای دیگری نیز وجود دارد که باید پاسخ گوی گفتار و کردارت باشی .

از آن جا که موعظه مایه بیداری ، هشیاری و سلامت دل است و هر کس در

هر مرتبه ای بدان محتاج است ، امام خمینی (ره) می فرماید:

---

۱۸۴- همان ، ج ۳ ، ص ۲۰۰.

۱۸۵- همان ، ص ۳۲۲.

۱۸۶- همان ، ج ۱ ، ص ۳۵۷.

۱۸۷- میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۵۸۲.

انسان باید هم خودش را موعظه کند و هم در معرض موعظه واقع بشود. هیچ انسانی نیست که محتاج به موعظه نباشد، منتها انسان های بالا واعظشان خدا است و انسان های بعد واعظشان آن ها هستند تا برسد به آخر، تا برسد به ما. (۱۸۸)

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) خود نیز در تربیت مردم به این روش عمل کرده و زنگارها از زدوده اند. ایشان می فرمایند:

اےہا الناس انی قد بثت لکم المواعظ التی وعظ الاءنبیاء بہا اءمہم ، و اءدیت الیکم ما اءدت الاءوصیاء الی من بعدہم ؛ (۱۸۹)

ای مردم! من موعظه هایی را در میان شما نشر دادم که پیامبران به وسیله آن امت هایشان را موعظه کردند و آن چیزی را درباره شما به جای آوردم که اوصیای پیامبران پس از ایشان به جا می آورند.

### ویژگی های روش موعظه

#### عامل بودن موعظه گر

انسان ها با سختی با یکدیگر مبادله می کنند. اطلاعاتی که به هم می دهند روی آن ها تاءثیر می گذارد و جان انسان هر ساعت به لحاظ نیازها و هواها، غبار و کدورت می گیرد، پند خیرخواهانه به منزله آبی است که غبار را شست و شو می دهد و مانند نوری است که تاریکی قلب را زایل می سازد؛ اما موعظه ، زمانی تاءثیرگذار و سودمند است که مبتنی بر آدابی صورت پذیرد.

---

۱۸۸- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

۱۸۹- نهج البلاغه ، خطبه ۱۸۲.

ارکان موعظه عبارت است از موعظه کننده ، موعظه و موعظه شونده ، موعظه کننده باید عامل به گفتار خود باشد؛ در غیر این صورت ارتباط لازم در امر موعظه حاصل نمی شود؛ زیرا سخنی که از دل برآید بر دل می نشیند، حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

إذا خرج الكلام من القلب وقع في القلب و إذا خرج من اللسان لم يتجاوز الاذان ؛ (۱۹۰)

اگر سخن از دل برآید بر دل نشیند و اگر از زبان برآید، از گوش ها فراتر نرود. اگر موعظه از خلوص و یکرنگی برخوردار باشد، کاراثر است . فردی که موعظه می کند، باید نمونه و الگوی عملی باشد. باید دانست موعظه ای رقت قلب ایجاد می کند که از قلبی رقیق برخیزد:

اءیها الناس استصبحوا من شعله مصباح واعظ متعظ، وامتاحوا من صفو عین قد روقت من الكدر ؛ (۱۹۱)

ای مردم ! روشنی از شعله چراغ وجود واعظی طلبید که موعظه خود را به کار بندد و از زلال چشمه ای آب برکشید که از تیرگی پالوده بود.

#### رسا، بلیغ و منطقی بودن موعظه

موعظه باید چنان باشد که در جسم و جان اثر گذارد. موعظه باید رسا، بلیغ ، لطیف و رقیق باشد تا پیام خود را به گوش جان ها برساند. ابن ابی الحدید می نویسد:

---

۱۹۰- ابن قتیبه ، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱۹۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۰۵.

به آنچه همه ملت ها به آن سوگند یاد می کنند، سوگند یاد می کنم که از پنجاه سال پیش تاکنون بیش از هزار بار این خطبه را خوانده ام و هرگز نشده است که آن را بخوانم ، مگر این که در درونم لرزش و ترس و موعظه ای تازه پیدا شود. این سخنان در دلم به شدت تاءثیر گذاشته است و اعضا و جوارحم را به لرزه افکنده است . نشده است که در آن تاءمل کنم ، مگر آن که به یاد مرگ خانواده ، نزدیکان و دوستانم افتاده ام و چنان تصور نموده ام که گویا من آن کسی هستم که امام (علیه السلام) حالتش را توصیف کرده است . (۱۹۲)

موعظه باید متناسب با حال و مقام مخاطب باشد و با توجه به توانایی فهم طرف موعظه باشد. موعظه باید موزون ، لطیف ، زیبا، معقول و منطقی باشد و با زبانی نرم و گویا بیان شود. بسیاری از موعظه های طولانی و تکراری ، ملال آور و خسته کننده و کم تاءثیر است . حضرت در این باره می فرمایند:

ءبلغ البلاغه ما سهل فی الصواب مجازه ، و حسن ایجازه ؛ (۱۹۳)  
رساترین سخن شیوا، سخنی است که فهم درست آن آسان باشد و اختصاری نیکو داشته باشد.

#### پذیرشگری موعظه شنونده

البته باید موعظه شنونده ، آماده و خواهان پذیرش باشد. چه آن که اگر دریچه قلب خود را به روی حقیقت و تربیت بسته باشد، هیچ موعظه ای در او تاءثیر نمی گذارد. مادام که موعظه ، حجاب ها را پاره نکند و به گوش شنوا وارد نشود سودی نخواهد بخشید.

---

۱۹۲- شرح نهج البلاغه ، ج ۱، ص ۱۵۳.

۱۹۳- شرح غرر الحکم ، ج ۲، ص ۴۶۴.

انک لا تسمع الموتی و لا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرین ؛ <sup>(۱۹۴)</sup> مسلما تو نمی توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی و نمی توانی کران را هنگامی که روی برمی گردانند و پشت می کنند، فراخوانی .

اگر انسان خواهان موعظه باشد، موعظه بسیار است . بنابراین ، باید زمینه قلبی مناسبی در شنونده وجود داشته باشد. اگر چنین زمینه مساعد قلبی وجود نداشته باشد و شعله های فطرت اخلاقی او بسیار کم نور بوده و به سوی تاریکی گرایش پیدا کند در این صورت موعظه اثر نمی کند. حضرت می فرماید:

فيا لها امثالا صائبه ، و مواعظ شافيه لو صادفت قلوبا زاكیه ، و اسماعا و اعیه ، و آراء عازمه ، و اءلبابا حازمه ؛ <sup>(۱۹۵)</sup>

وه ، که چه مثال های به جا و چه موعظه های رسا، اگر در دل های پاک نشیند و در گوش های شنوا جای گزیند و اندیشه های مصمم یابد و خردهای با تدبیر آن را برتابد.

به راستی که موعظه های رسا و شیوا از جانب واعظی جان بخش برای موعظه پذیران ، ظلمت زدا و روح افزا و روشی نیکو در تربیت است .  
حضرت می فرماید:

من لم يجعل له من نفسه واعظا، فان مواعظ الناس لن تغني عنه شيئا ؛ <sup>(۱۹۶)</sup>  
کسی که واعظی از نفس خود نداشته باشد، موعظ مردم او را کفایت نمی کند.

---

۱۹۴- نمل (۲۷) آیه ۸۰.

۱۹۵- نهج البلاغه ، خطبه ۸۳.

۱۹۶- میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۵۸۲.



پس تا زمانی که زمینه پذیرش موعظه در انسان وجود نداشته باشد، مهم ترین و شیواترین مواعظ هم بر او بی تاءثیر خواهد بود. در حقیقت، موعظه رسا به همراه آمادگی موعظه شونده است که ره صدساله را به یک باره طی می کند.

### طولانی نبودن موعظه

یکی دیگر از شرایط تاءثیر موعظه آن است که زیاد طولانی نباشد؛ چون طولانی شدن آن باعث خستگی شنونده و کم شدن تاءثیر موعظه می شود. حضرت به این مسئله توجه ویژه ای دارند و می فرمایند:

إذا وعظت فاء وجز ؛ (۱۹۷)

زمانی که موعظه می کنی کوتاه و مختصر باشد.

### سری و مخفی بودن موعظه

یکی از ویژگی های موعظه آن است که باید حالت سری و مخفی داشته باشد؛ یعنی واعظ، در میان جمع، خطاها و تخلف های فرد خاطی را بیان نکند؛ چون این عمل باعث تحقیر شخصیت او می شود، به همین خاطر موعظه اثر نمی کند و حتی ممکن است اثر و پیامد منفی هم داشته باشد و در پاره ای موارد او را به عکس العمل منفی وادار کند. اما اگر این عمل به مورت مخفیانه انجام شود احتمال پذیرش وعظ، بسیار بالا خواهد بود. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

من وعظ اءخاه سرا فقد زانه و من وعظ علانیه فقد شانه ؛ (۱۹۸)

---

۱۹۷- همان، ص ۵۸۹.

۱۹۸- همان، ص ۵۸۰.

هر کس برادرش را مخفیانه موعظه کند، او را زینت بخشیده و هر کس آشکارا او را موعظه کند، او را پست و بی ارزش کرده است .

### روش توبه

توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشتن است .<sup>(۱۹۹)</sup> در توبه دو بازگشت وجود دارد؛ یکی بازگشت خدای مهربان به سوی بنده ، از سر لطف و رحمت تابنده توفیق استغفار و توبه و دیگر بازگشت دوباره خدا به بنده ، در این که او را بپذیرد و توبه اش را قبول کند.<sup>(۲۰۰)</sup>

محبت در رحمت خدای متعال به بندگان ، به صورت توبه جلوه می کند و راهی برای جداسدن آنان از بدی ها و پستی ها و سلوک به سوی خدا فراهم می آید. البته تا زمانی که در توبه گشوده است انسان باید فرصت را از دست ندهد. حضرت امیر (علیه السلام) نیز به این امر توجه داده اند:

فاعملوا و اءنتم فی نفس البقاء و الصحف منشوره ، والتوبه مبسوطه ، و المدبر یدعی ، والمسی ء یرجى قبل اءن یخمد العمل ، وینقطع المهل ، و ینقضى الاءجل ، ویسد باب التوبه ، و تصعد الملائکه ؛<sup>(۲۰۱)</sup>

به کار برخیزید! اکنون که زندگی به ساز، دفترها گشوده و در توبه باز است ، رویگرداننده را خوانده اند و گناه کار را امیدوار گرداننده اند، پیش از آن که چراغ عمل خاموش شود و فرصت از دست برود و در توبه را ببندند و فرشتگان به آسمان بالا روند.

---

۱۹۹- معجم مقاییس اللغه ، ج ۱ ، ص ۳۵۷.

۲۰۰- تفسیر المیزان ، ج ۴ ، ص ۲۴۵.

۲۰۱- نهج البلاغه ، خطبه ۲۳۷.

زندگی آدمی در مرتبه طبیعت وجود، به ظلمت و غفلت آمیخته است و نفسانیت، پیوسته او را به عصیان و نافرمانی می کشاند و انسان را از سر منزل کرامت و سعادت حقیقی دور می سازد. در این میان تنها راه چاره توبه حقیقی است. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

ولا شفيع اءنجح من التوبه ؛ (۲۰۲)

هیچ شفیع رهاکننده تر از توبه نیست .

توبه در گشایش رحمت الهی است . به وسیله آن می توان گذشته را جبران کرده و مسیر آینده را سامان بخشید به بیان امام علی (علیه السلام):

التوبه تستنزل الرحمه ؛ (۲۰۳)

توبه ، رحمت را فرود می آورد.

التوبه تطهر القلوب ، و تغسل الذنوب ؛ (۲۰۴)

توبه دل ها را پاک می سازد و گناهان را می شوید.

توبه ، انسان را از صورت و سیرت شیطانی بیرون می آورد و به او توفیق زندگی انسانی می دهد. بدون توبه جبران گذشته و اصلاح آینده ناممکن است . امیرمؤمنان علی (علیه السلام) درباره نقش بی بدیل توبه در زندگی خاکی می فرمایند:

ولاخیر فی الدنيا الا لرجلین : رجل اءذنب ذنوبا فهو یتدار کها بالتوبه ، و

رجل یسارع فی الخیرات ؛ (۲۰۵)

---

۲۰۲- همان ، حکمت ۳۷۱.

۲۰۳- شرح غرر الحکم ، ج ۱ ، ص ۲۶۷.

۲۰۴- همان ، ج ۱ ، ص ۳۵۷.

۲۰۵- نهج البلاغه ، حکمت ۹۴.

در دنیا، جز دوکس را خیری نبود: یکی آن که گناهانی ورزید و به توبه ، آن گناهان را در رسید (جبران کرد) و دیگری آن که در کارهای نیک شتاب کرد.

### ویژگی های روش توبه

#### توبه ، انقلاب درونی

البته آن توبه ای اصلاح گر است که از حقیقت توبه برخوردار باشد. حقیقت توبه ، انقلابی درونی است که به همه چیز انسان سرایت می کند، او را می شوید و از مرتبه پایین قبلی به مرتبه بلند و پاک و اصل می کند. حقیقت توبه ، انقلابی است که در نتیجه آن ، قوای خیر آدمی بر قوای شر چیره می گردد و مرتبه خیر و کمال حقیقی باز می آید.

من بمردم یک ره و باز آمدم      می چشیدم تلخی مرگ و عدم  
توبه ای کردم حقیقت با خدا      نشکنم تا جان شدن از تن جدا (۲۰۶)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همگان را به چنین توبه ای فرا خوانده است :  
پس بنده باید پروای پروردگار داشته باشد، خیرخواه خود باشد و پیش از رسیدن مرگ توبه آرد. بر شهوت چیره شود - و رهایش نگذارد - چه این که مرگ او پوشیده است و آرزوی دراز، وی را فریبنده و شیطان بر او نگهبان و هر لحظه گمراهی اش را خواهان است ، گناه را در دیده او می آراید، تا خویش را بدان بیالاید که : بکن و از آن توبه نما! و اگر امروز نشد فردا؛ تا آن که مرگ او سر بر آرد و او غفلت ، خود را از اندیشه آن فارغ دارد. (۲۰۷)

---

۲۰۶- مثنوی معنوی ، دفتر پنجم ، ص ۷۶۶.

۲۰۷- نهج البلاغه ، خطبه ۶۴.

## ارکان توبه

توبه صحیح دو رکن دارد: پشیمانی از گناهان گذشته تصمیم بر انجام ندادن آن گناهان برای همیشه . حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند:  
التوبه ندم بالقلب ، واستغفار باللسان ، وترک بالجوارح ، واضماراءن  
لا یعود؛<sup>(۲۰۸)</sup>

توبه عبارت است از پشیمانی قلبی و درخواست آمرزش زبانی و ترک عملی و عزم بر بازنگشتن به گناه .

## شتاب در توبه

اگر آدمی توبه را با بهانه های واهی و آرزوهای خیالی به تاءخیر اندازد، شاید هرگز فرصت توبه نیابد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به مردی که از او خواست تا پندش دهد، فرمودند:

لا تکن ممن یرجو الاخره بغير العمل ، و یرجى التوبه بطول الاءمل ... ان  
عرضت له شهوه اءسلف المعصیه ، و سوف التوبه ؛<sup>(۲۰۹)</sup>

از آنانی مباش که به آخرت امیدوار است بی آن که کاری سازد و به آرزوی دراز، توبه را واپس اندازد... چون شهوت بر او دست یابد، گناه را مقدم سازد و توبه را واپس اندازد.

داستان مردم ، در تاءخیر انداختن توبه و دست نکشیدن از گناهان به امید روزی که از آن ها دست بکشند، داستان کسی است که در راه این و آن ، بوته خار می کاشت

---

۲۰۸- شرح غرر الحکم ، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲۰۹- نهج البلاغه ، حکمت ۱۵۰.

و آن بوته های خار گزنده و مزاحم را که لباس های مردم را پاره می کرد و پای بینوایان برهنه را مجروح می ساخت از ریشه نمی کند و چون فرمان می یافت که آن ها را بکند، وعده های دور می داد.

هر روز که سپری می شد آن بوته های خار، ریشه دارتر و قوی تر می شد و صاحب بوته های خار، پیرتر و ناتوان تر.

### مراحل توبه

از شرایط اساسی توبه این است که انسان زود به خود آید و با آداب کامل، توبه را پیشه خود سازد. امام علی (علیه السلام) در بیان مراحل توبه می فرماید:

استغفار، مقام بلند مرتبگان است و آن یک کلمه است، اما شش مرحله دارد: نخست، پشیمانی بر آنچه گذشت؛ دوم، عزم بر ترک همیشگی بازگشت؛ سوم، آن که حقوق ضایع شده مردم را به آنان بازگردانی، چنان که خدا را پاک دیدار کنی و خود را از گناه تهی سازی؛ چهارم، این که حق هر واجبی را که ضایع ساخته ای ادا کنی؛ پنجم، این که گوشتی را که از حرام روییده است با اندوه ها آب کنی، چندان که پوست به استخوان بچسبد و میان آن دوگوشتی تازه روید و ششم، آن که درد طاعت را به تن بچشانی چنان که شیرینی معصیت را چشاندی. (۲۱۰)

امام خمینی (ره) در شرح سخنان حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید:

این حدیث شریف مشتمل است اولاً بر دو رکن توبه که پشیمانی و عزم بر عدم عود است و

---

۲۱۰- همان، حکمت ۴۱۷.

پس از آن بر دو شرط مهم قبول آن که رد حق مخلوق و رد حقوق خالق انسان است ، انسان به مجرد آن که گفت توبه کردم از او پذیرفته نمی شود. انسان تائب آن است که هر چه از مردم به ناحق برده ، به آن ها رد کند و اگر حقوق دیگری از آن ها در عهده او است و ممکن است تاءدیه یا صاحبش را راضی نماید، به آن قیام کند و هر چه از فرایض الهیه ترک کرده قضا کند یا تاءدیه نماید و اگر تمام آن ها ممکنش نیست به مقدار امکان قیام کند. بدانند که این ها حقوقی است که از برای هر یک از آن ها، مطالبی است و در نشئه دیگر از او به سق احوال (مطالبه) می کنند و در آن عالم راهی برای تاءدیه آن ها ندارد، جز آن که بار گناهان دیگران را حمل کند و اعمال حسنه خود را رد نماید، پس در آن وقت بیچاره و بدبخت می شود و راهی برای خلوص و چاره ای برای استخلاص ندارد.

ای عزیز! مبادا شیطان و نفس اماره وارد شوند بر تو و وسوسه نمایند و مطلب را بزرگ نمایش دهند و تو را از توبه منصرف کنند و کار تو را یکسره نمایند. بدان که در این امور هر قدر، ولو به مقدار کمی نیز باشد، اقدام بهتر است، اگر نمازهای فوت شده و روزه ها کفارات و حقوق خدایی بسیار است و حقوق مردم بی شمار است گناهان متراکم است و خطایا متزاحم ، از لطف خداوند ماء یوس مشو و از رحمت حق ، ناامید مباش که حق تعالی ، اگر تو، به مقدار مقدور اقدام کنی ، راه را بر تو سهل می کند و راه نجات را به تو نشان می دهد. بدان که یاءس از رحمت حق ، بزرگترین گناهی است که گمان نمی کنم هیچ گناهی بدتر و بیشتر از آن در نفس تاءثیر نماید. انسان ماء یوس از رحمت ، چنان ظلمتی قلبش را فراگیرد و چنان افسارش گسیخته شود که

باهیچ چیز اصلاحش نمی توان نمود. مبادا از رحمت حق غافل شوی و گناهان و تبعات آن در نظرت بزرگ آید، رحمت حق از همه چیز بزرگ تر و به هر چیز شامل است .

و اما آن دو امر دیگر، که جناب امیر المؤمنین (علیه السلام) فرموده است ، از شرایط کمال توبه و توبه کامله است ، نه آن که توبه بدون آن ها تحقق پیدا نمی کند یا قبول نمی شود، بلکه توبه بدون آن ها کامل نیست . پس این دو مقام از متمامات و مکلمات منزل توبه است و البته انسان که در مرحله اولی می خواهد وارد منزل توبه شود، گمان نکند آخر مراتب را از او خواستند و به نظرش راه صعب و منزل پرزحمت آید و یکسره ترک آن کند. هر مقداری که حال سالک طریق آخرت اقتضا می کند، همان اندازه مطلوب و مرغوب است . پس از آن که وارد طریق شد، راه را خدای تعالی بر او آسان می کند، پس نباید سختی راه، انسان را از اصل مقصد باز دارد؛ زیرا که مقصد خیلی بزرگ و مهم است . اگر عظمت مقصد را بفهمیم ، هر زحمتی در راه آن آسان می شود. آیا چه مقصدی از نجات ابدی و روح و ریحان همیشگی بالاتر است و چه خطری از شقاوت سرمدی و هلاکت دایمی عظیم تر است ؟ با ترک توبه و تسویف و تاءخیر آن ممکن است انسان به شقاوت ابدی و عذاب خالد و هلاکت دایم برسد و با دخول در این منزل ممکن است انسان ، سعید مطلق شود و محبوب حق گردد، پس وقتی مقصد بدین عظمت است از زحمت چند روزه چه باک است .

و بدان که اقدام به قدر مقدور، هر چه هم کم باشد مفید است . مقایسه کن امور آخرتی را به امور دنیایی که عقلا (اگر) نتوانستند به مقصد عالی خود برسند از مقصد کوچک دست برنمی دارند.



و اگر مطلوب کامل را نتوانستند تحصیل کنند از مطلوب ناقص صرف نظر نمی کنند. تو نیز اگر به کمال آن نمی توانی نایل شوی از اصل مقصد و از صرف حقیقت آن بازمان و هر مقداری ممکن است در تحصیل آن اقدام کن. <sup>(۲۱۱)</sup>

### آلوده شدن به گناه

در عین آن که انسان نباید از توبه و بازگشت مایوس شود، باید هر مقدار که می تواند تلاش کند تا گرفتار پستی ها و اسیر تباهی و مرتکب گناه نشود. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به این حقیقت، عنایت ویژه دارند آن جا که می فرمایند:

ترک الذنب اءهون من طلب التوبه ؛ <sup>(۲۱۲)</sup>

دست از گناه برداشتن آسان تر از روی به توبه داشتن است .

### روش امتحان و ابتلا

ابتلا و امتحان هر دو به معنای آزمایش است . بدین ترتیب که کاری را به کسی پیشنهاد می کنند یا او را در حادثه و واقعه ای قرار می دهند تا بدین وسیله ، خود را نشان دهد و صفات باطنی او را مانند اطاعت ، شجاعت ، سخاوت ، عفت ، علم و وفا یا نقطه مقابل آن ها و میزانشان را دریابند و بدیهی است که امتحان و آزمایش همواره به وسیله عمل باشد؛ زیرا ابتلا جز با عمل معنا نمی یابد و در صحنه عمل است که صفات باطنی انسان ظاهر می شود. <sup>(۲۱۳)</sup>

---

۲۱۱- چهل حدیث ، ص ۲۷۸ - ۲۸۱.

۲۱۲- نهج البلاغه ، حکمت ۱۷۰.

۲۱۳- تفسیر المیزان ، ج ۱ ، ص ۲۶۸.

در پی ابتلا و امتحان است که استعدادهای انسان شکوفا و گوهر و حقیقت آدمی آشکار می شود و هر کس در جایگاه شایسته خود قرار می گیرد. (۲۱۴)

حضرت علی (علیه السلام) به معاویه می فرماید:

فان الله سبحانه قد جعل الدنيا لما بعدها، وابتلى فيها اهلها ليعلم ائهم  
اهسن عملا، ولسنا للدنيا خلقنا، و لا بالسعى فيها امرنا، و انما وضعنا فيها  
لنبتلى بها، و قد ابتلانى الله بك و ابتلاك بى، فجعل اءحدنا حجه على الاخر؛ (۲۱۵)

همانا خدای سبحان، دنیا را برای آخرت قرار داده و مردم دنیا را در آن به  
آزمایش نهاده تا معلوم دارد کدام یک نیکوکارترند. ما را برای دنیا نیافریده اند و  
ما را به کوشش در آن امر نفرموده اند. ما را به دنیا آورده اند تا در آن آزموده  
شویم و همانا خدا مرا به تو آزمود و تو را به من و یکی از ما را حجت دیگری  
قرار داد.

پس این عالم، عالم تربیت است. انسان ها باید در ابتلا و آزمایش قرار  
گیرند تا خود را بازیافته و استعدادهای خویش را بروز دهند. ابتلا و امتحان  
الهی برای آن نیست که چیزی بر خداوند مکشوف شود، بلکه برای این است که  
انسان ها به کمال شایسته خود دست یابند و آنچه را نمی دانند دریابند و  
استعدادهایشان شکوفا شود و صلاحیت های باطنی شان از نظر استحقاق ثواب  
یا عقاب به منصف ظهور برسد. هر که به آنچه می خواهد و استعداد خود را در  
آن جهت شکوفا می کند دست یابد.

---

۲۱۴- سیری در تربیت اسلامی، ص ۳۱۰.

۲۱۵- نهج البلاغه، نامه ۵۵.

ابتلا و امتحان ، ناموس الهی است و همه کس و همه چیز را در برمی گیرد و همه امور این عالم به نحوی وسیله ابتلا و امتحان است . اگر انسان درباره ابتلا و امتحان الهی و عمومیت آن به بینش درستی ، دست یابد، می تواند از این روش در جهت اتصاف به کمالات و سازندگی خویش بهره مند شود. گوهر وجود آدمی در آزمایشگاه ابتلا و امتحان تجلی می یابد. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

فی تقلب الاءحوال علم جواهر الرجال ؛ <sup>(۲۱۶)</sup>

گوهر انسان ها در آزمایشگاه دگرگونی احوال معلوم می شود.

عند الامتحان یكرم الرجل اءو یهان ؛ <sup>(۲۱۷)</sup>

هنگام آزمایش است که انسان خود را گرامی یا خوار می دارد.

### ویژگی های روش امتحان

#### امتحان مادی

ان الله یتلی عباده عند الاءعمال السیئه بنقص الثمرات ، و حبس البرکات ، و اغلاق خزائن الخیرات ؛ لیتوب تائب ، و یقلع مقلع ، و یتذکر متذکر، و یزدجر مزدجر ؛ <sup>(۲۱۸)</sup>

خدا بندگان خود را به کیفر کارهای زشت آنان مبتلا سازد؛ به کاهش میوه درختان و به ناباریدن باران و بستن گنجینه های خیر به روی ایشان ؛ تا توبه خواه ، توبه کند و

---

۲۱۶- همان ، حکمت ۲۱۷.

۲۱۷- شرح غرر الحکم ، ج ۴، ص ۳۲۱.

۲۱۸- نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۳.

معصیت کار، دل از معصیت بکند و پند گیرنده ، پند پذیرد و بازدارنده ، راه نافرمانی را بر بندگان بگیرد.

### امتحان وسیله شکوفایی

این ها همه ، صورتی از ابتلا و امتحان است که در جهت تربیت و اصلاح انسان به کار گرفته می شود و راه هایی برای پالایش و پیرایش و شکوفایی و بالندگی است و در نتیجه باید گفت :

یمتحن المؤمن بالبلاء كما یمتحن بالنار الخلاص ؛ <sup>(۲۱۹)</sup>

مؤمن به بلا آزمایش می شود، چنان که ، طلا و نقره در آتش ، گداخته و خالص می شوند.

انسان به وسیله امتحان متوجه لغزش ها و اشتباهات خود شده و با همه توان در پی اصلاح و ترمیم آن ها برمی آید و می کوشد تا از تکرار آن جلوگیری کند.

### روش مراقبه و محاسبه

مراقبه به معنای خود را پاس داشتن و مراقب خود بودن <sup>(۲۲۰)</sup> و محاسبه به معنای رسیدگی به حساب خویش و حساب خواهی و حسابرسی است . <sup>(۲۲۱)</sup>  
از آن جا که آدمی همواره در معرض اشتباه و لغزش است ، لازم است حریم حقیقت را پاس داشته و به حساب خویش توجه کند تا از لغزیدن خود جلوگیری و در صورت لغزش به سرعت بازگشته و جبران کند.

---

۲۱۹- شرح غرر الحکم ، ج ۶ ، ص ۴۷۶.

۲۲۰- فرهنگ معین ، ج ۳ ، ص ۳۹۸۴.

۲۲۱- همان ، ص ۳۸۸۸.

بدیهی است اگر آدمی خود بدین روش به اصلاح خود نپردازد، دیگران نمی توانند او را اصلاح کنند. حضرت امیر (علیه السلام) در بهره گیری از این روش اصلاحی می فرمایند:

عباد الله زنوا انفسکم من قبل ان توزنوا، و حاسبوا من قبل ان تحاسبوا، و تنفسوا قبل ضيق الخناق، و انقادوا قبل عنف السياق، و اعملوا انه من لم يعن على نفسه حتى يكون له منها واعظ و زاجر لم يكن له من غيرها لا زاجر و لا واعظ؛ (۲۲۲)

بندگان خدا! خود بسنجید و حساب نفس خویش را برسید، پیش از آن که به حسابتان برسند، پیش از آن که مرگ، گلویتان را بگیرد و نتوانید نفس بکشید - رام و گردن نهاده - به راه راست روید، پیش از آن که به سختی رانده شوید و بدانید آن کس که نتواند خود را پند دهد تا از گناه باز دارد، از دیگری نیاید تا این کار را برای او به جای آورد.

### ویژگی های روش مراقبه و محاسبه

برای این که مراقبه و محاسبه به درستی سامان یابند، برای آن آدابی برشمرده اند که عبارتند از: مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه. (۲۲۳)

### مشارطه

مشارطه در لغت به معنای شرط کردن با کسی است. (۲۲۴)

---

۲۲۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۰.

۲۲۳- المحجبه البيضاء، ج ۸، ص ۱۵۰.

۲۲۴- علی اکبر دهخدا، لغت نامه.

در اصطلاح اهل سلوک این است که انسان با خود شرط کند که مرزهای الهی را پاس بدارد و خلاف عهد و پیمان الهی عمل نکند و موجبات خشم خداوند رافراهم نسازد و در اطاعت حق کوتاهی نرزد و تا آن جا که برایش ممکن است به خیر و نیکی اقدام نماید. (۲۲۵) امام خمینی (ره) در این باره می نویسد:

مشارطه آن است که در اول روز، مثلاً با خود شرط کند که امروز بر خلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند و این مطلب را تصمیم بگیرد و معلوم است یک روز خلاف نکردن امری است خیلی سهل ، انسان می تواند به آسانی از عهده برآید، تو عازم شو و شرط کن و تجربه نما بین چقدر سهل است . ممکن است شیطان و جنود آن ملعون بر تو این امر را بزرگ نمایش دهند، ولی این از تلبیسات آن ملعون است ، او را از روی واقع و قلب لعن کن و اوهام باطله را از قلب بیرون کن و یک روز تجربه کن آن وقت تصدیق خواهی کرد. (۲۲۶)

در مرحله بعدی باید پیوسته بر پایبندی به عهد و پیمان ربوبی و میثاق فطری و بیرون نشدن از فرمان الهی عزم و با خود شرط کرد که آن را پاس بدارد. پس باید انسان شرط کند که عهد و پیمانی را که بسته ، حفظ کرده و مراقب نفس خویش باشد تا خلافتی از او صادر نشود و مخالفت با عهد نکند. این وفاداری به پیمان ، سازنده است چنان که حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

---

۲۲۵- جامع السعادات ، ج ۳، ص ۹۳.

۲۲۶- چهل حدیث ، ص ۹.

ان الوفاء تواءم الصدق ، ولقاء علم جنبه اءوقى منه ؛ <sup>(۲۲۷)</sup>  
همانا وفا همزاد راستی است و هیچ سپری چون وفا بازدارنده (از گزند)  
نیست .

### مراقبه

برای این که انسان بتواند به این عهد و پیمان وفادار بماند، باید به حقیقت  
مراقبت توجه نماید و در هر حال خدای متعال را حاضر و ناظر و آگاه بر اعمال  
و رفتار خود بداند. امام علی (علیه السلام) سفارش می فرماید:  
اتقوا معاصی الله فی الخلوات ؛ فان الشاهد هو الحاکم ؛ <sup>(۲۲۸)</sup>  
از نافرمانی خداوند در نهران ها بپرهیزید، چه آن بیننده ، داوری کننده هم  
هست .

هر چه انسان به مرتبه بالاتری از این مراقبت دست یابد، پابندی اش به عهد  
و پیمان الهی بیشتر می شود که فرمودند:  
طوبی لمن راقب ربه ، و خاف ذنبه ؛ <sup>(۲۲۹)</sup> خوشا به حال آن که همیشه خدا را  
در نظر دارد و از گناه خویش بیم دارد. حضرت امام خمینی (ره) می فرماید:  
در تمام مدت شرط، متوجه عمل به آن باشی و خود را ملزم بدانی به عمل  
کردن به آن و اگر خدای نخواستہ در دلت افتاد که امری را مرتکب شوی که  
خلاف فرموده خدا است بدان که از شیطان و جنود است که می خواهند تورا از  
شرطی که کردی باز دارند.

---

۲۲۷- نهج البلاغه ، خطبه ۴۱.

۲۲۸- همان ، حکمت ۳۲۴.

۲۲۹- شرح غرر الحکم ، ج ۴، ص ۲۳۸.

به آن‌ها لعنت کن و از شر آن‌ها به خداوند پناه بر و آن خیال باطل را از دل بیرون نما و به شیطان بگو که من یک امروز با خود شرط کردم که خلاف فرمان خداوند تعالی نکنم .

ولی نعمت من ، سال‌های دراز است به من نعمت داده ، صحت و سلامت و امنیت مرحمت فرموده و مرحمت‌هایی کرده که اگر تا ابد خدمت او کنم از عهده یکی از آن‌ها بر نمی‌آیم ، سزاوار نیست یک شرط جزئی را وفا نکنم . امید است ان شاء الله شیطان طرد شود و منصرف گردد و جنود رحمان غالب آید و این مراقبت با هیچ کاری از کارهای تو، از قبیل کسب و سفر و تحصیل و غیرها، منافات ندارد و به همین حال باشی تا شب که موقع محاسبه است . (۲۳۰)

#### محاسبه

پس از مرحله مراقبت ، نوبت به محاسبه می‌رسد؛ یعنی انسان در هر شبانه روز وقتی را معین می‌کند که در آن به حساب نفس خویش برسد. کرده‌ها، ناکرده‌ها، طاعت‌ها و معصیت‌ها را رسیدگی و حسابرسی کند. انسان باید قبل از این که به حسابش برسند، خود اقدام کند. حضرت امیر در نامه تربیتی به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید:

بادر الفرصه قبل اءن تکون غصه ؛ (۲۳۱)

فرصت را غنیمت دان پیش از آن که از دست برود و اندوهی گلوگیر شود. از امام عسکری (علیه السلام) روایت شده است که شخصی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پرسید: چگونه انسان خود را محاسبه کند؟ حضرت فرمودند:

---

۲۳۰- چهل حدیث ، ص ۹.

۲۳۱- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.



چون انسان شب و را به روز و روز را به شب می آورد، شبانگاه باید به خویش بازگردد و به خود بگوید: امروزت گذشت و دیگر باز نمی گردد و خداوند از تو پرسش خواهد کرد که این روز را چگونه سپری کردی و در آن چه کاری انجام دادی؟ آیا خدا را یاد کردی و آیا سپاس او را به جای آوردی؟ آیا حق برادر مؤمنت را ادا کردی؟ آیا گرفتاری او را رفع نمودی؟ آیا در نبود او، از خانواده و فرزندان نگرهاری کردی؟ آیا پس از مرگش، بازماندگانش را رسیدگی کردی؟ آیا با گذاشتن آبروی خود، دیگران را از بدگویی از برادر مؤمنت بازداشتی؟ و آیا مسلمانی را یاری کردی؟ سرانجام، در این روزی که گذشت، چه کردی؟ باید همه آنچه را در این روز انجام داده است به یاد آورد، پس اگر کاری نیک از او سرزده است خدا را سپاس گزارد و او را بر این توفیق تکریم و تعظیم نماید و اگر در میان آنچه انجام داده است، کوتاهی یا گناهی یافت، از خدا آمرزش بخواهد و تصمیم بگیرد که دیگر بدان سوی نرود. (۲۳۲)

#### معاتبه

پس از محاسبه، چهارمین اقدام، معاتبه است؛ یعنی پس از محاسبه، در صورت مشاهده کوتاهی و معصیت در شرط و عهد و پیمان، در مقام تاءدیب نفس خود برآید و آن را سرزنش و ملامت کند. اگر انسان در این امر کوتاهی ورزد و نسبت بدان واکنش مناسبی نشان ندهد، زمینه گستاخی نفس اماره و تباهی خود را فراهم می کند. امام علی (علیه السلام) در این باره هشدار می دهند:

---

۲۳۲- تفسیر منسوب الی الامام اءبی محمد الحسن بن علی العسکری، ص ۳۸.

من لم یسس نفسه اءصاعها ؛ (۲۳۳)

هر که نفس خود را سیاست و تاءدیب نکند آن را تباه کرده است .

من ذم نفسه اءصلحها ؛ (۲۳۴)

هرکس نفس خود را نکوهش کند آن را به اصلاح و سامان درمی آورد.

این روش ، زمانی به بار می نشیند که انسان پس از محاسبه نسبت به آنچه که شرط شده در صورت کوتاهی ، نافرمانی و پیمان شکنی در مقام اصلاح برآید، هم چنان که امام علی (علیه السلام) فرموده اند:

من حاسب نفسه وقف علی عیوبه ، و اءحاط بذنوبه ، واستقال الذنوب و

اءصلح العیوب ؛ (۲۳۵)

هر که نفس خود را مورد محاسبه قرار دهد بر عیب های خویش آگاه شود و از گناهان خود مطلع گردد و گناهان خود را بزداید و عیوب خود را اصلاح نماید.

#### روش تشویق و تنبیه

تشویق به معنای برانگیختن ، به شوق آوردن ، راغب ساختن و شایق کردن

است (۲۳۶) و تنبیه به معنای بیدارکردن ، آگاه کردن ، هشیارساختن و ادب کردن

است . (۲۳۷)

---

۲۳۳- شرح غرر الحکم ، ج ۵، ص ۲۴۶.

۲۳۴- همان ، ص ۴۴۵.

۲۳۵- همان ، ص ۳۹۹.

۲۳۶- علی اکبر دهخدا، لغت نامه ، واژه تشویق .

۲۳۷- همان ، واژه تنبیه .

تشویق و سپاسگزاری از زحمات و خدمات دیگران ، یکی از ضروری ترین نیازهای روانی فرد و جامعه است . گاهی یک جمله تشویق آمیز چنان تاءثیر عمیقی در روحیه افراد می گذارد که غیر قابل توصیف است . اگر خدمات ارزشمند افراد با کمترین درجه قدردانی ، یعنی ستایش لفظی همراه نباشد، نه تنها دور از مروت و جوانمردی است ، بلکه نوعی حق کشی است .

تشویق انواع مختلفی دارد؛ آن را در درجه اول به مادی و غیر مادی و غیرمادی را نیز می توان به دو قسم کلامی و غیرکلامی تقسیم کرد.

مصادیق تشویق در هر یک از این اقسام ، برای سنین مختلف نیز متفاوت است

البته تشویق اگر به صورت مکرر انجام شود، به تدریج خاصیت خود را از دست می دهد. از طرفی تشویق نباید بی اندازه باشد و از حد تجاوز کند. چه بسا افرادی که به واسطه تعریف و تمجیدی که درباره شان می شود، مغرور خواهند شد.

از روش تشویق و تنبیه برای برانگیختگی و بازدارندگی و شکوفاسازی استعدادهای انسان در جهت کمال بهره می گیرند؛ حضرت امیر (علیه السلام) درباره نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی می فرمایند:

ان الله سبحانه وضع الثواب علی طاعته ، و العقاب علی معصيته زیاده لعباده عن نعمته ، و حیاشه لهم الی جنته ؛ <sup>(۲۳۸)</sup>

---

۲۳۸- همان ، حکمت ۳۶۸.

همانا خدای سبحان ، پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش باز دارد و به سوی بهشت روانه سازد.

### ویژگی های روش تشویق و تنبیه

#### رفتار متناسب با شخص

باید بین نیکان با بدان و شایستگان با ناشایستگان فرق گذاشت و با هر یک به تناسب وضع و حالشان رفتار کرد و به وسیله تشویق و تنبیه مناسب ، آنان را هدایت نمود. حضرت در عهدنامه مالک اشتر فرمودند:

و لاتکونن المحسن و المسیء عندک بمنزله سواء؛ فان ذلک تزهيدا لاءهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لاءهل الاساءه علی الاساءه و اءلزم کلا منهم ما اءلزم نفسه ؛ (۲۳۹)

هرگز نباید نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان باشند که آن رغبت نیکوکار را در نیکی کم کند و بدکار را به بدی وادار نماید و هر یک از ایشان را مطابق کارش جزا ده

تشویق ، عاملی برای برانگیختن و وسیله ای برای تقویت انسان در ترغیب به کار خیر و فراهم آوردن نشاط لازم در انجام کار است . حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر فرمودند:

و واصل فی حسن الثناء علیهم ، و تعدید ما اءبلی ذوو البلاء منهم ؛ فان کثره الذکر لِحسن افعالهم تهز الشجاع ، و تحرض الناکل ان شاء الله ؛ (۲۴۰)

---

۲۳۹- همان ، نامه ۵۳.

۲۴۰- همان ، نامه ۵۳.

آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده اند، برشمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان دلیریشان را (به کوشش و حرکت بیشتر) برانگیزاند و از کار مانده را به خواست خدا (به کار و تلاش) ترغیب کند.

در تربیت انسان، اصل بر تشویق و ترغیب است نه تنبیه و مجازات. امام علی (علیه السلام) نیز به این اصل اشاره می فرمایند:

ضادوا الشر بالخير؛ (۲۴۱)

به وسیله خوبی با بدی بستیزید.

*تقویت انگیزه ها با تشویق به جا*

نقش تربیتی و مثبت تشویق این است که نیروهای خفته آدمی را برمی انگیزاند و میل به تلاش و شادابی را فراهم می سازد و نقش تنبیه در تربیت، فراهم کردن ترس از بدی و پلیدی و نوعی ایمن سازی است. اگر بیدارسازی و ادب آموزی به موقع و به درستی صورت نگیرد، انسان به سرعت به سوی تباهی می رود.

تشویق باید به جا، متناسب و متوازن با میزان و نوع عمل باشد و روحیات و گرایش ها و مرتبت وجودی او در آن لحاظ شود تا بیشترین تاءثیر را داشته باشد. گاهی لازم است تشویق معنوی باشد و گاهی مادی، برخی مواقع، رفتاری و در بعضی موارد، گفتاری. البته تشویق باید به اندازه باشد تا اثرات منفی به جا نگذارد. حضرت به این امر اشاره دارند؛ آن جا که می فرمایند:

---

۲۴۱- شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۳۱.

الثناء باءكثر من الاستحقاق ملق ، والتقصير عن الاستحقاق عى اءوحسد؛ (۲۴۲)  
ستایش بیش از استحقاق ، تملق است و کمتر از استحقاق ، درماندگی یا  
رشک بردن است .

همان طور که تشویق در کارهای مثبت و مفید موجب تقویت انگیزه های  
تلاش و توسعه می شود، تنبیه در امور منفی و مضر به همان میزان موجب  
تضعیف انگیزه های گرایش به کارهای خلاف می گردد؛ اما در تنبیه به علت  
حساسیت آن ، متفکران و اندیشمندان نظریه های مختلفی را ارائه داده اند که می  
توان در یک جمع بندی آن را به سه نظریه افراط گرایی ، تفریط گرایی و اعتدال  
گرایی تقسیم کرد.

الف) نظریه افراط گرایی :

اکثر علما و مکاتب تربیتی قدیم ، اعتقاد داشتند که کودک و یا هر فرد مجرم  
و خلاف کار به جهت طبع و مزاج ناسالم و فقدان هوش و درک کافی ، لایق  
سخت ترین نوع تنبیه است . افرادی مثل داروین ، توماس هابس ، جان لاک و  
برخی از حکمای مسیحی از معتقدان به جواز مطلق تنبیه می باشند. با دقت در  
حالت های روحی و رفتاری فرد تنبیه شده مشخص می شود که اثرهای زیان  
باری متوجه او می شود، ضررهایی هم چون اضطراب ، دلهره ، احساس  
حقارت ، گوشه گیری و افسردگی ، ترسو و توسری خور بودن ، خجالت و  
دروغگویی ، تظاهر و پرخاشگری ، انتقام جویی ، کله شقی و زورگویی همه از  
عوارض قطعی تنبیه شدید و بی ضابطه است . تحقیر و سرزنش زیاد فرزندان،  
آتش لجاجت و دشمنی را در او شعله ور می سازد

---

۲۴۲- نهج البلاغه ، حکمت ۳۴۷.

علی (علیه السلام) می فرمایند:

الافراط فی الملامه یشب نار اللجاجه ؛<sup>(۲۴۳)</sup>

زیاده روی در سرزنش ، آتش لجاجت را در فرد روشن می کند.

در حدیث دیگری می فرمایند:

عقاب و تندی زیاد نداشته باشید؛ زیرا این امر کینه را در پی دارد و فرد را

به سوی دشمنی فرا می خواند.<sup>(۲۴۴)</sup>

ب) نظریه تفریط گرایی :

همان طور که افراط گرایان به جواز مطلق تنبیه اعتقاد داشتند، تفریط گرایان به ممنوعیت مطلق آن می باشند؛ بدین معنا که باید همواره در برابر تمایلات بی حد و مرز کودک و نوجوان تسلیم بود و با فرد مجرم و خلاف کار، چون یک بیمار برخورد کرد. در ابتدا، این نظریه توسط افرادی چون روسو، پستانوری و... بیان شد، مدت ها متروک ماند تا این که دکتر اسپاک آمریکایی در اوایل قرن بیستم ، آن را تحت عنوان ، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم مطرح کرد.

و در اندک مدتی شهرت به سزایی یافت . او در کتابش مدعی شد تنبیه در هر صورت آثار کوتاه مدت یا دراز مدت ناگواری برای خلاف کاران ایجاد می کند و در آن ها انگیزه های انتقام گیری را با تکرار خلاف تقویت می کند. در جواب باید گفت : نفی تنبیه ، در حقیقت به معنای نفی تربیت و اصلاح است ، ترس از تنبیه و مجازات موجب می شود که انسان کمتر در اندیشه خلاف گرفتار شود.

---

۲۴۳- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.

۲۴۴- محمدی ری شهری ، میزان الحکمه ، ج ۸ ، ص ۵۴۶.

اگر تنبیه عامل مؤثری در تاءدیب و تربیت نبود، در تمامی ادوار زندگی بشر وجود نداشت. آرزوی مطلق کودکان و نوجوانان، آن‌ها را موجوداتی لابلایی و بی قید بار می آورد و در نهایت برای خانواده و جامعه مشکلاتی به بار می آورد. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

من اءهمل نفسہ اءهلکها ؛<sup>(۲۴۵)</sup>

هر که نفس خود را واگذارد، هلاکش گرداند.

ج) نظریه اعتدال گرایی :

این نظریه هم مطابق عقل سلیم است و هم موافق تجربه، نظریه اعتدال، تشویق و تنبیه را به عنوان دو عامل پیش برنده و بازدارنده تربیت می پذیرد، منتها اصل را بر تشویق می گذارد؛ یعنی در عین حالی که وجود تنبیه را لازم و ضروری می داند، اما معتقد است که میزان پاداش، تشویق و محبت همواره باید بیشتر از میزان تنبیه و مجازات باشد. البته در به کارگیری روش تنبیه که از روش های کارآمد است، باید اصول و ویژگی هایی را رعایت نمود.

### ویژگی های روش تنبیه

#### دقت و ظرافت در امر تنبیه

تنبیه باید کاملاً سنجیده، حساب شده و دقیق باشد و به هیچ وجه از حد و مرز لازم فراتر نرود؛ زیرا عملی طبیعیانه است و هرگونه نسنجیدگی و بی دقتی در آن فاجعه آور است و اثرات منفی دارد. امام علی (علیه السلام) به این امر هشدار می دهند:

---

۲۴۵- شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۶۰.



الافراط فی الملامه یشب نار اللجاجه ؛ (۲۴۶)

افراط در سرزنش کردن ، میزان لجاجت را افزون تر می کند.

تنبیهات بدنی گاهی ضررهای غیر قابل جبرانی را به همراه دارد از آن جمله :  
۱. کودک عادت می کند در برابر زور بدون چون و چرا تسلیم گردد و با این منطق خو بگیرد که زورگو و قلدر پیروز است ، هر وقت عصبانی شدی بزن و باکی نداشته باش !

۲. کودک نسبت به تنبیه کننده حس بدبینی پیدا می کند، و حالت سرکشی در او برانگیخته می شود.

۳. کودک ترسو بار می آید و شخصیتش در هم شکسته و تعادل روحی ش به هم می خورد.

متأسفانه بسیاری از اولیا برای تربیت کودکان از تنبیهات غیربدنی استفاده می کنند. مانند: حبس کردن کودک در محل های و حشتناک ، سرزنش ، اهانت ، دشنام و غیره ... این قبیل تنبیهات ضررشان کمتر از تنبیهات بدنی نیست . این امور نیز شخصیت کودک را در هم می کوبد و بدآموزی دارد، یعنی سبب می گردد که کودک هم ، چنین رفتار و گفتاری را از خود نشان دهد و کم کم به آن ها عادت کند، علاوه بر آن سرزنش زیاد موجب لجوج شدن کودک خواهد شد.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: سرزنش و ملامت زیاد نکنید که کینه توزی و دشمنی به بار می آورد. (۲۴۷)

---

۲۴۶- نهج البلاغه ، حکمت ۳۲۷.

۲۴۷- لاتکثرن العتاب فانه یورث الضغینه و یدعوه الی البغضاء میزان الحکمه ، ج ۱، ص ۷۶، به نقل از: آنچه باید والدین و مربیان بدانند، رضا فرهادیان ، ص ۶۸.

اسلام مهر و محبت و نرمش و ملاحظت را بیش از روش های دیگر در تربیت مؤثر و مفید می داند، هر چند در بعضی موارد لازم است در مقابل خطای کودک عکس العمل مناسب نشان داده شود، زیرا اگر در برابر کار زشت کودک واکنش مناسب انجام نشود، زشتی آن کار در نظرش کاسته شده و چه بسا به آن کار عادت کند.

لذا پاره ای از تنبیهات غیر بدنی را به طور حساب شده می توان به اجرا گذارد. مثل: قهر کردن از کودک، محروم نمودن اواز تفریح و گردش، منع از بازی و کارهایی که مورد علاقه او است.

#### تنبیه عامل بیدارکننده

تنبیه باید از چنان ظرافت های تربیتی برخوردار باشد که به صورت عاملی بیدارکننده و بازدارنده عمل کند. حتی حضرت یادآور شده اند که در صورت احساس پشیمانی، نباید شخص را به یاد اشتباه و گناهش انداخت و به تکرار عذرخواهی واداشت. آن حضرت فرموده اند:

اعاده الاعتذار تذکیر بالذنب؛ (۲۴۸)

تکرار کردن عذرخواهی، به یاد گناه انداختن است.

در تنبیه باید دقت شود که در صورت نتیجه دادن اقدامات نرم و لطیف، به هیچ وجه نباید به اقدامات سخت و شدید روی آورد. اگر شخصی متنبه شد، مثل این است که خطا نکرده است و در نتیجه نیاز به اقدامات بازدارنده ندارد. حضرت می فرمایند:

---

۲۴۸- شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۷۳.

ما اذنب من اعتذر؛ (۲۴۹)

کسی که عذر خواهد، گویا گناه نکرده است .

بنابراین ، در تنبیه باید فلسفه آن مدنظر باشد و به هیچ وجه به سوی تشفی خاطر و ارضای خود یا انتقام گیری میل نکند. در استفاده از این دو روش ، حساسیت فوق العاده ای وجود دارد؛ زیرا ساختار روانی و عاطفی انسان طوری است که اگر در ازای فعالیت به او پاداش دهند، آن نوع فعالیت برایش خوش آیند می شود و اگر بعد از انجام کاری تنبیه شود، از آن کار نفرت می یابد و تکرارش برای او خاطره ای آزاردهنده دارد. پس این دو عامل ، یعنی پاداش و کیفر، در اصلاح و تغییر رفتار انسان با رعایت آداب و شرایط بسیار مؤثر است .

### روش تکریم

علی (علیه السلام) در سیره تربیتی خود، شیوه احترام به شخصیت فرزندان را مورد توجه قرار داده و با واگذار نمودن مسئولیت مناسب به آنان ، حس اعتماد به نفس و احساس شخصیت را در آنان تقویت می فرمودند؛ چرا که بزرگداشت و احترام به شخصیت ، نیاز طبیعی هر انسانی است . غریزه حب ذات در طبیعت هر انسانی نهاده شده و به ذات خویش علاقه مند است و میل دارد دیگران نیز شخصیت او را پذیرفته و گرمی بدارند. چنانچه این نیاز طبیعی برآورده شود با دلگرمی و امید به موفقیت در مسیر زندگی گام برمی دارد و به دیگران خوش بین می شود و آنان را قدرشناس و قابل اعتماد می بیند و از همکاری با افرادی که قدر او را شناخته و شخصیتش را گرمی می دارند هراسی ندارد. به علاوه ، شخص محترم ، احترام به دیگران را نیز یاد می گیرد.

---

۲۴۹- همان ، ج ۶، ص ۵۰.

به وسیله احترام به شخصیت می توان شخص را به کارهای نیک به عنوان این که با شخصیت گرامی تو سازگار است هدایت کرد و از کارهای بد و اخلاق زشت به عنوان این که با شخصیت والای تو ناسازگار است ، برحذر داشت . انسان برای حفظ کرامت ذات ، مقام و موقعیت خود حاضر می شود حتی از خواسته های درونی خویش چشم پوشی کند.

در سیره تربیتی امام علی (علیه السلام) آمده است که روزی همراه غیر مسلمانی به مسافرت رفت ، هنگام جدانشدن ، آن شخص را مشایعت کرد و چند قدم او را بدرقه نمود. مرد تحت تاءثیر این تکریم حضرت به کوفه آمد و مسلمان شد.

حضرت علی (علیه السلام) در این مورد می فرماید:

من شرفت نفسه نزهها عن ذله المطالب ؛ <sup>(۲۵۰)</sup>

هر کس به شرافت نفس خویش توجه داشته باشد، آن را از ذلت در تمایلات نفسانی باز می دارد.

ویژگی های روش تکریم

گرامی داشتن نفس ها

من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیته ؛ <sup>(۲۵۱)</sup>

هر که نفس خویش را گرامی بدارد او را به ذلت معصیت نمی کشاند. اگر انسان به کرامت نفس خود ایمان داشته باشد، ترک خواسته های نفسانی برایش آسان می شود، همان گونه که مولای متقیان می فرمایند:

---

۲۵۰- غرر الحکم ، فصل ۷۷، ش ۹۲۷.

۲۵۱- همان ، ش ۱۰۷۶.

من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته ؛ (۲۵۲)

هر کس نفس خویش را گرامی بداند، ترک خواسته نفسانی برایش آسان خواهد بود.

### کوچک شمردن شخصیت

اگر نیاز طبیعی انسان به کرامت نفس تاءمین نشود و مورد تحقیر قرار گرفته و خود را ناتوان و ضعیف و دیگران را قدرناشناس ببیند، تن به هر کاری می دهد و دچار عقده حقارت می شود و برای عقده گشایی ممکن است در صدد انتقام جویی برآید. با نگاهی به آمار جانیان ، اکثر آنان را افراد بی شخصیت و تحقیر شده خواهیم یافت ؛ زیرا به فرمایش حضرت علی (علیه السلام):

من هانت علیه نفسه فلا ترج خیره ؛ (۲۵۳)

هر کس که نفس خویش را کوچک شمارد، امید خیری به او نداشته باش .

من هانت علیه نفسه فلاتاءمن شره ؛ (۲۵۴)

اگر کسی نزد خود خوار شود، از شر او ایمن مباش .

در استفاده از این روش نباید احترام و تکریم از مقدار لازم تجاوز کند؛ زیرا ممکن است موجب به وجود آمدن خوی زشت تکبر و خود بزرگ بینی شود. در این صورت ، متربی انتظار دارد که بیش از حد از او تعریف ، تمجید کنند و در صورتی که خواسته اش برآورده نشود، رنجیده خاطر می شود.

---

۲۵۲- همان ، فصل ۷۷، ش ۱۱۱۷.

۲۵۳- همان ، ش ۱۴۳۳.

۲۵۴- بحار الاءنوار، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

## روش تغافل

انسان موجودی است که همواره در معرض خطا و اشتباه است. یکی از روش های تربیتی آن است که انسان با آگاهی از تخلف دیگران، خود را به غفلت بزند و چنان وانمود کند که از خطای او آگاهی ندارد تا شخص، از انجام عمل خویش پشیمان شود. البته این در صورتی است که شخص قصد تکرار نداشته باشد. در روایات اسلامی به کاربرد این روش توصیه شده است. (۲۵۵)

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

ءشرف اءخلاق الكریم كثره تغافله عما يعلم ؛ (۲۵۶)

بزرگ ترین ویژگی اخلاق افراد کریم، زیادی تغافل آن ها از چیزهایی است که می دانند.

در برخی روایات، عواملی که سبب اصلاح وضع زندگی و معاشرت مردم می شود به سه درجه تقسیم بندی شده است که دوسوم آن را زیرکی و یک سوم آن را تغافل تشکیل می دهد. (۲۵۷) حتی در روایت دیگری از حضرت علی (علیه السلام)، عاقل بودن انسان به دو درجه تقسیم شده است، نصف آن، تحمل دیگران و نصف آن، تغافل معرفی شده است. (۲۵۸) هم ایشان در کلامی دیگر، یکی از ملاک های عقل را تجاهل (خود را به جهل زدن) و یکی از ملاک های حلم را تغافل معرفی کرده است. (۲۵۹)

---

۲۵۵- دکتر عین الله خادمی، درونی کردن ارزش های اسلامی، ص ۱۲۶ با تلخیص.

۲۵۶- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۶۸.

۲۵۷- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۶۸.

۲۵۸- همان جا (ان العاقل نصفه احتمال و نصفه تغافل).

۲۵۹- همان جا (لا عقل كالتجاهل لاالحلم كالتغافل).

## روش عفو و چشم پوشی

براساس طبیعت انسانی، هر شخصی ممکن است در یکی از مقاطع زندگی، مرتکب کار خلاف یا خطایی شود و با این که تنبیه و کیفر خطاکار، یک روش تربیتی است و در بعضی موارد انجام آن ضرورت دارد، اما در پاره ای مواقع، عفو و اغماض در اصلاح او تاءثیر گذارتر است و در جای خود یک روش تربیتی به حساب می آید. عفو از خطاکار در صورتی که به موقع انجام بگیرد، دو اثر مهم به همراه دارد:

الف) در قلب او اثر می گذارد و به اغماض کننده علاقه پیدا می کند.

ب) چون چشم پوشی از کیفر، یک خلق پسندیده است، همین عمل اخلاقی در برابر بدی ها و استحقاق کیفر، فطرت اخلاقی او را بیدار ساخته و از کردار خود پشیمان می سازد، به گونه ای که گاهی عفو، یک نوع تنبیه به شمار می آید.

## ویژگی های روش عفو

### بهره گیری در موارد خاص

البته از عفو و چشم پوشی نمی توان در همه جا سود جست، بلکه باید در موارد خاصی از آن بهره گرفت؛ به طور مثال:

۱. در صورتی که خطاکار از کرده خود پشیمان شده و تصمیم گرفته است که عمل خلاف را تکرار نکند.

۲. در صورتی که مرتکب خلاف، شخصی است شریف و آبرومند که از روی جهالت عمل خلافی را انجام داده است و از ظواهر پیدا است که تکرار نخواهد کرد.

۳. در صورتی که خلاف کار شخصی عاقل و پاک سرشت است و احتمال بیدار شدن فطرت اخلاقی و ندامت او می رود.

حضرت علی (علیه السلام) نیز به جنبه تربیتی این روش توجه خاصی نشان داده اند و در موارد استفاده و عدم استفاده از این روش به فرزندشان امام حسن (علیه السلام) می فرمایند:

فاذا استحق احد منک ذنبا؛ فان العفو مع العدل اءشد من الضرب لمن کان له عقل؛ (۲۶۰)

اگر یکی از خدمت گزاران تو مرتکب خطایی شده و استحقاق کیفر دارد، عفو با رعایت عدالت از کتک بیشتر تأثیر دارد، البته در صورتی که او عاقل باشد.

پس عفو و اغماض یک روش تربیتی است، اما در همه جا نمی توان از آن استفاده کرد. در بعضی موارد نه تنها در اصلاح فرد مؤثر نیست، بلکه موجب فساد و سوء استفاده قرار می گیرد. حضرتش می فرمایند:

العفو یفسد من اللئیم بقدر اصلاحه من الکریم؛ (۲۶۱)

عفو از خطای فرد پست موجب فساد او می شود به همان مقدار که در اصلاح انسان کریم و شریف مؤثر است.

#### *احسان در برابر بد رفتاری*

مسئله مورد بحث این است که آیا راه اصلاح بدی های خطاکاران منحصر به تنبیه است یا راه دیگری نیز وجود دارد؟

---

۲۶۰- بحار الاءنوار، ج ۷۷، ص ۲۱۶.

۲۶۱- همان، ص ۴۱۹.



در اسلام راه دیگری نیز برای اصلاح بدی ها معرفی شده و آن عبارت از احسان در برابر کردار بد است .

حضرت علی (علیه السلام) نیز این روش را یکی از راه های اصلاح انسان ها می داند و می فرماید:

عائباء اءخاک بالاحسان الیه ، و ردد شره بالانعام علیہ ؛ <sup>(۲۶۲)</sup>

برادرت را به وسیله احسان ملامت کن و به وسیله انعام از شر او جلوگیری کن .

و در جای دیگر می فرماید: الاحسان الی المسیی ء یتصلح العدو ؛ <sup>(۲۶۳)</sup>  
احسان به انسان بد رفتار، دشمن را اصلاح می کند.

### تأثیر گفتار و کردار نیک

آن حضرت در میزان تأثیرگذاری این روش در اصلاح دیگران می فرماید:  
اصلح المسی ء بحسن فعالک و دل علی الخیر بجمیل مقالک ؛ <sup>(۲۶۴)</sup> کسی را که به تو بدی می کند، به وسیله احسان اصلاح کن و به وسیله سخن خوب ، افراد را به نیکی دعوت کن .

در تأثیر این روش تربیتی در تاریخ آمده است ، در مدینه طیبه ، مردی پیوسته حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) را اذیت می کرد و ناسزا می گفت. هر وقت آن حضرت را می دید، به امیر مؤمنان (علیه السلام) دشنام می داد.

---

۲۶۲- همان ، ج ۷۱ ، ص ۴۲۷ .

۲۶۳- غرر الحکم ، فصل اول ، ش ۱۵۵۴ .

۲۶۴- همان ، فصل دوم ، ش ۸۱ .

یکی از اصحاب به آن حضرت عرض کرد: اجازه بدهید این مرد فاسق را به هلاکت برسانیم . امام (علیه السلام) او را از این عمل جدا نهی فرمودند. یک روز پرسیدند: آن شخص کجاست ؟ گفتند: در مزرعه خود در اطراف مدینه مشغول کشاورزی است . حضرت به سوی مزرعه او حرکت کرد، او را یافت و کنارش نشست . بعد از سلام و احوال پرسی با گشاده رویی از وی پرسید: چه مقدار خرج این زراعت کرده ای ؟ عرض کرد: یک صد اشرفی . فرمود: امید داری چه مقدار از آن سود ببری ؟ عرض کرد: غیب نمی دانم . حضرت فرمود: گفتم چه مقدار امید داری ؟ عرض کرد: امیدوارم دویست دینار هم سود ببرم . پس حضرت کیسه پولی بیرون آورد که سی صد اشرفی در آن بود. پول را به آن مرد داد و فرمود: این پول را بگیر، زراعت هم مال تو است ، امیدوارم خدای متعال به مقداری که امید داری به تو روزی بدهد.

مرد که از جسارت های خود خبر داشت برخاست ، سر آن جناب را بوسید و از جسارت های خود عذر خواست . امام (علیه السلام) تبسم کرد و به سوی مدینه حرکت کرد. آن شب یا روز بعد که امام (علیه السلام) به مسجد تشریف بردند، آن مرد نیز به مسجد آمده بود. وقتی نگاهش به آن حضرت افتاد. گفت : الله يعلم حيث يجعل رسالته ؛ خدا بهتر می داند که رسالت خود را در کجا قرار دهد، دوستانش از روی تعجب گفتند: تو قبلا چنین نبودی ! داستان چیست ؟ گفت : من قبلا چنین نبودم و به این مرد الهی توهین می کردم ، ولی در اشتباه بودم . سپس شروع کرد به مدح و ثنا و دعا برای آن حضرت و در این باره با آنان بحث و جدال می کرد. وقتی امام به منزل برگشت به اصحاب فرمود: کدام بهتر بود؟

آنچه اراده کرده بودید یا آن چه من انجام دادم؟ من با مقداری پول او را اصلاح و شر او را برطرف کردم. (۲۶۵)

بنابراین، راه تربیت منحصر به تنبیه و کیفر نیست، بلکه به وسیله بخشش و احسان نیز می‌توان به اصلاح بدی‌ها پرداخت. چنان‌که انسان خطاکار از کیفر عبرت می‌گیرد و خطاهایش را ترک می‌کند. گاهی از احسان دیگران نیز فطرتش بیدار و از کردار بد خود پشیمان می‌شود و به راه صواب می‌گراید. گاهی این احسان، نوعی تنبیه محسوب می‌شود و طرف را به اظهار ندامت وامی‌دارد و اظهار می‌کند: بیش از این مرا چوب کاری نکن.

البته اعمال این روش، در همه جا، نسبت به همه کس و در هر شرایطی مؤثر و سازنده نیست. اگر به درستی انجام نگیرد، می‌تواند آثار سوئی نیز به همراه داشته باشد، پس باید با بررسی درست، هر جا که صلاح باشد از این روش استفاده کرد. در روایات، به طور مطلق از این روش دفاع نشده است، بلکه تصریح شده است که در برخی موارد، ممکن است روش عفو تائب‌کننده منفی داشته باشد؛ مثلاً در مورد افراد لئیم و پست تصریح شده است:

العفو یفسد من اللئیم بقدر اصلاحه من الکریم؛ (۲۶۶)

به همان حد که عفو، افراد کریم و با شخصیت را اصلاح می‌کند، به همان اندازه افراد پست را فاسد می‌کند.

---

۲۶۵- بحار الاءنوار، ج ۴۸، ص ۱۰۲.

۲۶۶- محمدی ری شهری، میزاه الحکمه، ج ۶، ص ۳۷۲.

## روش مجازات به قدر خطا

نباید انتظار عصمت از دیگران داشت. احتمال صدور خطا و کار خلاف از هر انسان غیر معصوم وجود دارد در صورت مشاهده کار ناستوده، در درجه اول باید طوری وانمود شود که انگار از کار خلاف او اطلاعی ندارد روش تغافل. اگر این روش امکان یا تاءثیر نداشت، باید در گام دوم او را مورد عفو و بخشش قرار داد و از او خواست که دیگر آن عمل ناشایست را انجام ندهد. روش عفو، اگر این مرحله هم کارساز نبود، باید گام سوم را برداشت؛ یعنی به اندازه خلافی که مرتکب شده، برای او تعیین مجازات کرد. البته در این جا باید عدالت رعایت شود. به فرمایش امیرمؤمنان علی (علیه السلام):

والعدل منها (دعائم الایمان) علی اربع شعب: علی غائص الفهم، و غور العلم و زهره الحکم و رساخه العلم؛<sup>(۲۶۷)</sup>

عدل از پایه های ایمان است و داوری عادلانه همراه با چهار ویژگی است. دقت در فهم، فرورفتن در دانش، قضاوت روشن و درست و بردباری ثابت و پابرجا.

بنابراین باید با سنجش دقیق تواءم با علم و دانش و همراه با بردباری، قضاوت روشن و درستی را در پیش گرفت و تخلف را به اندازه جرمش مورد مجازات قرار داد. براساس این فرمایش اگر مجازاتی تعیین می شود باید تمام زوایا و ابعاد مسئله مورد مطالعه قرار گرفته و مجازات به عنوان خاموش کردن خشم نباشد. باید با حفظ بردباری و متانت درباره مجازات تصمیم گرفت.

---

۲۶۷- سید اصغر ناظم زاده قمی، جلوه های حکمت، ص ۳۹۲.

به یقین صدور چنین حکم عادلانه ای زینت مدیریت و محکم ترین پایه برای هرکاری است .

### روش امر به معروف و نهی از منکر

یکی از سازوکارهای مهم کنترل فردی و اجتماعی ، امر به معروف و نهی از منکر است این روش از اصول عملی اسلام است که چون نماز، روزه ، حج و... بر مسلمانان واجب است و برای تشویق و ترغیب افراد به کار می رود. معروف از ریشه لغوی عرف است . در مفردات راغب واژه عرف مرادف با معرفت و عرفان است و عبارت است از: ادراک چیزی از طریق تفکر و تدبر. معروف اسم است برای هر فعلی که حسن آن به وسیله عقل یا شرع شناخته می شود. عرف به معنای آن سنن و سیره های زیبا و جاری در متن جامعه است که عقلای جامعه آن را می شناسند به خلاف آن اعمال نادر و غیر مرسوم که عقل اجتماعی آن را انکار می کند. (۲۶۸)

امر به معروف عبارت است از طلب و درخواست برای انجام امور خیر و نیک که در اسلام بیش از موعظه و نصیحت حتی وصیت مورد تاءکید قرار گرفته و جزء واجبات است . گر چه همواره امر به معروف و نهی از منکر با یکدیگر می آید و اصولاً مکمل یکدیگرند، ولی از آن جا که امر به معروف روشی است که حاکی از ترغیب و انگیزش است از روش هایی که حکایت از منع و نهی می کند از هم جدا می باشند. امر به معروف تنها با گفتار عملی نمی شود و لازم است با عمل تواءم شود تا تاءخیر بیشتری داشته باشد.

---

۲۶۸- تفسیر المیزان ، ج ۱۶ ، ص ۳۰۸.

از آن جا که ترک کنندگان خیر، از امر به معروف و افرادی که مرتکب معاصی می شوند، از نهی از منکر خوششان نمی آید و می ترسند از این رهگذر آسیبی به آن ها برسد، لذا به آن اقدام نمی کنند. حضرت علی (علیه السلام) این حقیقت را بیان می فرمایند که این دو فریضه نه تنها به آن ها آسیبی نمی رساند، بلکه ضامن سلامت فرد و جامعه خواهند بود.

وان الاءمر بالمعروف والنهی عن المنکر لخلق من خلق الله سبحانه ، و  
انهم لا یقربان من اءجل ، ولا ینقصان من رزق ، وعلیکم بکتاب الله ...؛ (۲۶۹)  
همانا امر به معروف و نهی از منکر، دو خلق از خلق های پسندیده خداوندند. این دو، مرگ را نزدیک نمی گردانند و روزی را کم نمی کنند بر شما باد (مراجعه) به کتاب خدا.

حضرت راجع به پیمانها و ترازوهادر زمانی که احتمالاً در دادوستد و کم فروشی شایع بوده می فرمایند:

فساد و تباهکاری نمایان شده است (معروف ، منکر و منکر، معروف گردیده) پس نیست شخصی که آن را تغییر دهد و نه منع کننده ای که از آن نهی نماید. با این رویه می خواهید در جوار رحمت خدا و از ارجمندترین دوستان او باشید؟ چه دور و نادرست است اندیشه شما. خدا را برای رفتن به بهشت او (با کردار زشت و گفتن این که کریم است) نمی توان فریفت ، رضا و خوشنودی او به دست نمی آید، مگر به طاعت و بندگی کردن .

پس چنین می فرمایند:

---

۲۶۹- نهج البلاغه ، خطبه ۱۵۵.

لعن الله الآمرين بالمعروف التاركين له ، والناهين عن المنكر العاملين به ؛ (۲۷۰)  
خداوند لعنت کند کسانی را که به معروف امر می کنند و خود آن را به جا  
نمی آوردند و منکر را نهی کرده و خود مرتکب آن می شوند.

### ویژگی های این روش

#### امر به معروف و نهی از منکر، وسیله اصلاح

بنابر فرمایش حضرت امیر (علیه السلام) برای اصلاح باید نهی از منکر در  
هر زمان و مکانی انجام شود. البته هر کسی که امر به معروف و نهی از منکر می  
کند، باید در درجه اول با عملش هم نشان دهد و الا گفتار بدون عمل ، سود  
چندانی ندارد و خود نوعی نفاق است . باید توجه داشت که با ترک امر به  
معروف و نهی از منکر هیچ گاه نمی توان امید به قرب پروردگار داشت .  
مسلمان نمی تواند یک نظاره گر بی طرف باشد. قرآن مجید به نظارت عمومی  
اهمیت فراوان می دهد و می فرماید:

ولتكن منكم ائمه يدعون الى الخير وياءمرون بالمعروف وينهون عن المنكر  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ؛ (۲۷۱) باید از بین شما دسته ای به نظارت حسن جریان  
امور بپردازند و دعوت به خوبی کرده و مردم را از کار زشت باز دارند. چنین  
مردمی رستگارانند.

در آیه دیگر می فرماید: کنتم خیر ائمه اخرجت للناس تاءمرون بالمعروف  
وتنهون عن المنکر و تومنون بالله ؛ (۲۷۲)

---

۲۷۰- همان ، خطبه ۱۲۹.

۲۷۱- آل عمران (۳) آیه ۱۰۴.

۲۷۲- همان (۳) آیه ۱۱۰.

اگر شما امر به خوبی کنید، از امور ناپسند باز دارید و مؤمن به خداوند باشید، آن گاه بهترین جامعه و امت در بین جوامع اجتماعی خواهید بود.

در اسلام برای این نظارت شرایطی مقرر شده است که عبارتند از:

الف) علم و آگاهی و شناخت از موضوع ؛

ب) احتمال اثربخشی و نتیجه دهی ؛

ج) نبودن ضرر و مترتب نشدن مفسده بر آن ؛

د) ادامه و اصرار متخلف به گناه و نادرستی . (۲۷۳)

بنابراین اگر امر به معروف و نهی از منکر به صورت حکم شرعی طرح شود از کارایی بیشتر برخوردار است ؛ زیرا مردم احساس تکلیف شرعی می کنند و به صورت فعال به رویارویی با آسیب های اجتماعی ، فردی و قانون شکنی ها برخاسته و در پاسداری از هنجارهای دینی در جامعه اسلامی به وظیفه شرعی خود عمل می کنند و مانع کجروی های اجتماعی می شوند. مردم خود را موظف می دانند تا از فضیلت ها و نیکی ها در حریم خانواده و اجتماع پاسداری و از اشاعه فساد جلوگیری کنند.

وجود این شرایط هم مانع افراد غیر مسئول و ناآگاه می شود و هم به افراد آگاه می گوید که چگونه نظارت خود را انجام دهند.

### راه های جلوگیری از فساد

اسلام برای جلوگیری از فساد، راه های مختلفی را پیش بینی کرده است که

مهم ترین آن ها عبارتند از:

---

۲۷۳- شهید مطهری ، ده گفتار، ص ۴۹.



۱. انذار

۲. نهی از منکر

۳. مبارزه با انحرافات

نحوه برخورد امام علی (علیه السلام) با معاویه به صورتی است که از انذار و هشدار شروع شده و سپس به نهی از منکر می رسد و وقتی این روش ها نتیجه ای نداد راه مبارزه را در پیش می گیرند و می فرمایند:

و الله لو تظاهرت العرب علی قتالی لما و لیت عنها، ولو اءمكنت الفرص من رقابها لسارعت الیها، و ساء جهد فی اءن اءظهر من هذا الشخص المعكوس و الجسم المرکوس؛ <sup>(۲۷۴)</sup>

سوگند به خدا اگر همه عرب در جنگ با من همراه شوند از ایشان روبرو نمی گردانم و اگر فرصت ها به دست آید به سویشان می شتابم و کوشش می کنم با زمین را از این شخص وارونه و کالبد سرنگون (معاویه) پاک سازم .  
حضرت برای رستگاری فرد و جامعه راه مبارزه با انحرافات را چنین گوشزد می فرمایند:

من اءنکره بالسیف لتکون کلمه الله هی العلیاء و کلمه الظالمین هی السفلی ،  
فذلک الذی اءصاب سبیل الهدی ، و قام علی الطریق ؛ <sup>(۲۷۵)</sup>

کسی که ستم را با شمشیر انکار کند تا کلمه خدا (دین خدا) بلندتر و کلمه ستمکاران پست تر باشد، کسی است که به رستگاری رسیده و به راه راست قیام کرده است .

---

۲۷۴- نهج البلاغه ، نامه ۴۵.

۲۷۵- همان ، حکمت ۳۶۵.

در المنجد نکر و نکور به معنی جهل داشتن و نشناختن است . انکار، ضد عرفان و به معنی نشناختن حق است . همان گونه که گذشت اگر انذار و هشدار به نتیجه نرسید، نهی از منکر به عنوان یک روش تربیتی برای جلوگیری فرد از سقوط و فروافتادن در مهالک استفاده می شود. اهمیت این روش به آن اندازه است که در قرآن ، خداوند را ناهی از منکر و جلوگیری از بدی ها معرفی کرده و می فرماید:

وینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی ؛ (۲۷۶)

خداوند از اعمال ناپسند و زشتی ها و ستم نهی کرده و بازمی دارد.

### راه های شناخت مصادیق منکر

در رابطه با تشخیص و تمیز منکرات ، پاره ای از مقیاس ها و معیارهای کلی تعیین شده است که دقت کردن در آن ها در تصمیم گیری انسان برای انکار منکر حایز اهمیت است . حضرت علی (علیه السلام) درنامه خودبه حارث همدانی به پاره ای از این معیارها اشاره می فرمایند:

و احذر کل عمل یرضاه صاحبه لنفسه و یکره لعامه المسلمین ؛

بپرهیز از هر کاری که انجام دهنده ، آن را برای خود شایسته می داند اما آن

را برای دیگر مسلمانان نمی پسندد!

و احذر کل عمل یعمل به فی السر ویستحیا منه فی العلانیه ؛

بپرهیز از هر کاری که در نهان انجام پذیرد و در آشکارا شرمندگی بیاورد!

واحذر کل عمل اذا سئل عنه صاحبه انکره اءو اعتذر منه ؛

---

۲۷۶- نحل (۱۶) آیه ۹۰.

بپرهیز از هر عملی که هرگاه از کننده آن پیرسند آن را انکارکنند یا از آن  
عذر بخواهد!

واحذر صحابه من یفیل رایه ، و ینکر عمله ؛ فان الصاحب معتبر  
بصاحبه؛<sup>(۲۷۷)</sup>

دوری کن از دوستی با کسی که اندیشه ضعیفی دارد و کردارش ناپسند است ؛  
زیرا شخص را با دوستش موازنه می کنند.

### مراحل نهی از منکر

حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند:

ای مؤمنان ! هر کس ظلم و ستمی را ببیند که به کار می برند و منکری که  
(مردم را) به آن دعوت می کنند، اگر آن را در دانش انکار کند، پس رهایی یافته  
(از بازپرسی روز رستاخیز) و بیزاری جسته است (از گناه) و هر کس آن را به  
زبان انکار کند، اجر و مزد یافته و او افضل از دوستش است (که فقط در دل  
انکار می کرد) و هر کس انکار کند آن را با شمشیر (زدو خورد) تا کلمه خدا  
(دین و توحید) در مقام والا بماند و کلمه ظالمان (شرک و ضلالت و معصیت)  
پست شود، پس او کسی است که به راه رستگاری رسیده و به راه راست قیام  
نموده و دلش به نور باور و یقین روشن شده است .<sup>(۲۷۸)</sup>

بنابراین برای نهی از منکر، سه مرحله وجود دارد و نهی کنندگان از منکر در  
یکی از این سه درجه قرار می گیرند:

---

۲۷۷- نهج البلاغه ، نامه ۶۹.

۲۷۸- همان ، حکمت ۳۶۵.

انکار در دل ، انکار با زبان و انکار با شمشیر. حداقل عکس العمل مورد انتظار برای مؤمنان ، بیزاری در دل است که باید به شکلی در چهره و رفتارشان ظهور و بروز کند تا مجرمان بفهمند که کارشان مورد نفرت است . در حکومت اسلامی انکار با شمشیر توسط مجاری قانونی صورت می گیرد. بنابراین ، فرآیند امر به معروف و نهی از منکر به این ترتیب است :

۱. احساس تنفر در قلب و اعراض از فرد خاطی ؛ هر مسلمانی وظیفه دارد حداقل در قلب خود نسبت به انحرافات اجتماعی و ترک واجبات احساس تنفر کند و از فرد خاطی اعراض نماید و به هر شکل ممکن نارضایتی خود را اعلام دارد.

۲. مرحله زبانی همراه با پند و اندرز؛

۳. مرحله شدت عمل ؛ در مواقعی است که توصیه ها کارساز نباشد.

... والاءمر بالمعروف مصلحه للعوام والنهی عن المنکر ردعاً للفسهاء ؛ (۲۷۹)

... و امر به معروف را برای اصلاح عوام و نهی از منکر را برای جلوگیری کم خردان (واجب کرد).

مصلحت عوام آن است که کسی آن ها را به راه سعادت و نیکبختی سوق دهد و در برابر افراد کم عقل و بی ملاحظه که دست به شرارت و معصیت می برند، افرادی باید باشند که آن ها را از بدی باز دارند.

---

۲۷۹- همان ، حکمت ۲۴۴.

آثار ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر

هم چنین آن حضرت ترک امر به معروف و نهی از منکر را از عوامل دوری از رحمت الهی می دانند و می فرمایند:

فان الله سبحانه لم يلعن القرن الماضي بين ائديكم الا لتركهم الاءمر بالمعروف ، و النهى عن المنكر، فلعن الله السفهاء لركوب المعاصى ، و الحكماء لترك التناهى ؛

خداوند سبحان ، گذشتگان را از رحمت خود دور نکرده است ، مگر به جهت ترک نمودن امر به معروف و نهی از منکر. پس خداوند، ناپهیم ها را از جهت گناه کردن و خردمندان را به جهت ترک نهی از منکر لعن فرمود (از رحمت خود دور کرد و به عذاب سخت گرفتار نمود). (۲۸۰)

#### روش بیان قصه و داستان

یکی از وسایل رایج و عمومی تعلیم و تربیت داستان است که در بین همه اقوام ، ملل و ادیان و در بین همه اقشار و اصناف مردم وجود دارد. همه انسان ها طبعاً به داستان علاقه مندند. داستان ، علاوه بر این که به عنوان یک سرگرمی و تفریح سالم مورد استفاده قرار می گیرد، وسیله ای است که به طور غیر مستقیم در اعماق روح خواننده و شنونده تاءثیر می گذارد. آگاهی از تاریخ ملت ها به انسان می فهماند که چه اعمالی درست و چه رفتاری ناپسند است . تاریخ امت ها نشان می دهد که کدام یک در اثر پیمودن راه حق و درستی به نیک بختی رسیدند و کدام یک در اثر گناه و نادرستی به هلاکت افتادند، بنابراین سرگذشت پیشینیان وسیله عبرت و آگاهی است .

---

۲۸۰- مصطفی دلشادتهرانی ، ماه مهرپرور، (با تلخیص و تصرف).

به همین دلیل قرآن مجید نیز از این روش به نیکویی یاد می کند و می فرماید:  
لقد كان في قصصهم عبرة لاءولي الاءلباب ماكان حدیثا یفتری ولكن تصدیق  
الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمه لقوم یؤمنون<sup>(۲۸۱)</sup>  
سرگذشت آنان برای عبرت و پند گرفتن عاقلان است. آن سرگذشت ها  
مطالبی نیست که به دروغ نقل شود، بلکه آنچه را که پیش روی ما است تصدیق  
می کند و هر چیزی را بیان می کند و تفصیل می دهد و هدایت و رحمت برای  
افراد باایمان است.

بر اساس این آیه نقل سرگذشت و داستان زندگی گذشتگان:

(الف) برای عبرت و پندگرفتن است.

(ب) بیان واقعیت ها است و آمیخته با افترا و دروغ نیست.

(ج) وقایع به صورتی آمده است که گویا هم اکنون اتفاق می افتد.

(د) حقایق امور را بیان می کند و تجزیه و تحلیل می یابد.

(ه) وسیله هدایت و رحمت است.

## ویژگی این روش

### نگاه به تاریخ، وسیله هدایت

سیر در تاریخ و توجه به سرگذشت انسان ها وسیله هدایت و تربیت است،  
حضرت علی (علیه السلام) در عبرت آموزی از امت های پیشین می فرماید:  
از آلام، مصیبت ها و رویدادهای تلخی که برای امت های پیشین در اثر  
زشتکاری ها و بدکاری هایشان پیش آمده بر حذر باشید و عبرت بگیرید.

---

۲۸۱- یوسف (۱۲) آیه ۱۱۱.

حوادث مربوط به آنان را در نیکی و بدی به یاد آورید و برحذر باشید که مانند آنان نباشید. پس چنانچه درباره تفاوت وضع و حال آنان فکر کردید، در آن راهی قدم بگذارید که موجبات سربلندی آنان را فراهم ساخت، دشمنان آنان را نابود کرد و برای آنان تندرستی به ارمغان آورد، نعمت‌ها و خوشی‌ها را بر آنان ارزانی داشت و پیوند دوستی آنان را استوار نمود؛ یعنی از جدایی پرهیزید. به یکدیگر مهربانی کنید و دوستان خود را نیز به مهر و محبت به دیگران سفارش کنید. هم‌چنین از راه و روشی که کیان آنان را در هم ریخت و قدرتشان را از بین برد دوری کنید؛ یعنی از کینه‌توزی، دشمنی، بدخواهی برای دیگران و یاری نکردن دیگران اجتناب کنید.

درباره حالات مؤمنان پیش از خود بیندیشید و ببینید در موقع آزمایش‌های الهی و رویدادهای جان‌فرسا چگونه بودند؟ آیا چنین نبود که آنان بیش از دیگران سختی کشیدند و رنج بردند و با تنگدستی زندگی کردند؟ فرعون‌ها (حکمرانان ستم‌پیشه) آنان را به بدترین شیوه عذاب کردند و تلخی را جرعه‌جرعه به ایشان نوشانیدند، زیرا در سلطه و استیلای آن‌ها بودند و چاره‌ای برای نافرمانی و دفاع نمی‌یافتند. تا آن‌گاه که خداوند شکیبایی و پایداری آنان را در راه محبت خود مورد نظر و توجه قرار داد و آنان را از گرفتاری‌های سخت‌رهای بخشید، در این هنگام مؤمنان به فرمانروایی رسیدند و به آرزوهای خود دست یافتند. (۲۸۲)

---

۲۸۲- نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

## روش عقلانی

از جمله امتیازات انسان ، داشتن قدرت تفکر و اندیشه است . عقل ، موجودی مجرد است ، اما مجرد تام نیست ، بلکه به بدن تعلق دارد و چون متعلق به ماده است ، حرکت و تکامل دارد. چنان نیست که عقل و نفس انسان از آغاز وجود تا آخر عمر یک نواخت باقی بماند، بلکه با استفاده از بدن به طور مداوم در حرکت و تکامل است . انسان ها در مقدار عقل یک سان نیستند، بلکه هر انسانی در مرتبه ای از عقل قرار دارد .سعادت دنیوی و اخروی هر انسانی به مقدار عقل او است . خوشبختانه عقل قابل تربیت ، تقویت و تکامل است . هر انسانی می تواند به عقل خویش بیفزاید و آن را کامل تر گرداند؛ از این رو، اسلام به انسان ها توصیه می کند در تکمیل عقل خویش بکوشند. هر چه انسان از عقلش بیشتر استفاده کند، عقلش کامل تر خواهد شد به همین جهت قرآن از کسانی که از عقل خویش استفاده نمی کنند به شدت انتقاد می کند و می فرماید:

اءفلا یعقلون .

از میان اشیای عالم عقل از همه ارزشمندتر است . از امام علی (علیه السلام) نقل است : جبرئیل بر حضرت آدم (علیه السلام) فرود آمد و گفت : ماءمورم تو را میان سه چیز مخیر سازم تا یکی را برگزینی ، و دوتا واگذاری ، آن سه چیز عقل ، حیا و دین اند، آدم (علیه السلام) گفت عقل را برگزیدم . جبرئیل به حیا و دین گفت : شما برگردید. گفتند: ای جبرئیل ما دستور داریم که همراه عقل باشیم هر جا که باشد، گفت : اختیار با شما است و بالا رفت .<sup>(۲۸۳)</sup>

---

۲۸۳- اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۱۶ .



حضرت علی (علیه السلام) در اهمیت عقل می فرمایند:  
بینایی (آگاهی دل) با دیده ها و چشم ها نیست . چشم ها به صاحبشان  
دروغ می گویند، ولی عقل به کسی که از او پند بخواهد خیانت نمی کند. (۲۸۴)

### ویژگی های روش عقلانی

#### راه های پرورش قدرت تفکر و تعقل

در بعضی از احادیث به اهمیت تجربه در پرورش تفکر و تعقل اشاره شده  
است . حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

العقل غریزه تزید بالعلم و التجارب ؛ (۲۸۵)

عقل ، استعدادی است که به وسیله علم و تجربه زیاد می شود.

و در حدیث دیگر فرموده اند:

العقل عقلان : عقل الطبع ، و عقل التجربة ، و كلاهما یؤدی الی المنفعه ؛ (۲۸۶)

عقل دوگونه است : یکی عقل طبیعی که به صورت استعداد است و دیگری

عقلی که در اثر تجربه حاصل می شود و هر دو به بهره وری می انجامد.

انسان عاقل ، هر کاری را که مناسب است انجام می دهد. حضرت علی (علیه

السلام) در جواب کسی که از آن حضرت خواست تا عقل را توصیف کنند،

فرمودند:

هو الذی یضع الشیء مواضعه ؛ (۲۸۷)

---

۲۸۴- نهج البلاغه ، حکمت .

۲۸۵- غرر الحکم ، ص ۶۷.

۲۸۶- بحار الاءنوار، ج ۱۷، ص ۱۱۶.

۲۸۷- نهج البلاغه ، حکمت ۲۲۷.

عاقل کسی است که هر چیزی را در جای خود می گذارد و متناسب با وضعیت ها عمل می کند.

یکی از راه هایی که می توان به وسیله آن به تقویت عقل پرداخت این است که انسان به خود عادت دهد که قبل از شروع هر عملی ، کاملاً در اطراف و جوانب آن بیندیشد و در سود و منفعت آن تامل کند. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

من نظر فی العواقب آمن من النوائب ؛ <sup>(۲۸۸)</sup>

هر کس در عواقب امور خوب تامل کند، از مصیبت ها و دشواری های آن ها در امان خواهد بود.

امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرمایند:

الثبت راءس العقل ، و الحده راءس الحمق ؛ <sup>(۲۸۹)</sup>

عاقبت نگری ، راءس عقل و تندروی راءس حماقت است .

یکی دیگر از راه های تقویت نیروی عقل ، مشورت کردن با عقلا و استعداد از افکار و آرای آن ها است . کسانی که در کارها با دیگران مشورت و نظرخواهی می کنند؛ چنان است که گویا عقول دیگران را به استخدام خود در آورده اند. در صورتی که مشورت کننده به قصد یافتن حق ، به سخنان آن ها خوب گوش دهد، می تواند بهترین آن ها را انتخاب کند، آن گاه تصمیم بگیرد و وارد عمل شود. انسان هر قدر هم عاقل باشد باز هم از مشورت بی نیاز نیست ؛ هر چند تصمیم گیری نهایی با خود او است .

---

۲۸۸- جامع احادیث الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۳۱۵.

۲۸۹- همان ، ج ۱۳ ، ص ۲۸۳.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

من شاور ذوی الاءلباب دل علی الرشاد ؛ (۲۹۰)

هم ایشان می فرمایند:

من لم یستشر یندم ؛ (۲۹۱)

هر کس مشورت نکند پشیمان خواهد شد.

### مصاحبت با نیکان و عدم مصاحبت با نادانان

انسان هایی که در یک اجتماع زندگی می کنند، نسبت به هم حالت تاءثیر و تاءثر دارند. اگر انسان با دانشمندان و عقلا مصاحبت داشته باشد، غالبا علمی، منطقی و عاقلانه رفتار می کند؛ اما اگر با افراد جاهل و کم عقل رفت و آمد کند، رفته رفته به سوی نقصان و سقوط می رود، به طوری که بعضا چراغ عقل او خاموش می شود. به همین علت، در احادیث توصیه شده که با دانشمندان و عاقلان معاشرت کنید و از معاشرت با افراد جاهل و کم عقل تا حد ممکن اجتناب کنید. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

من ترک الاستماع من ذوی العقول مات عقله ؛ (۲۹۲)

هر کس استماع از صاحبان عقل را ترک کند، عقلش می میرد.

ایشان توصیه می فرمایند:

صلاح الاءخلاق معاشره العقلاء ؛ (۲۹۳)

---

۲۹۰- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۵.

۲۹۱- همان، ص ۶۵.

۲۹۲- همان، ج ۲، ص ۲۸۶.

۲۹۳- جامع احادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۸۳.

صلاح اخلاق در معاشرت با عقلا است .

از سوی دیگر هشدار می دهند:

فساد الاءخلاق معاشره السفهاء ؛

فساد اخلاق در معاشرت با سفیهان است .

من صحب جاهلا نقص من عقله ؛ (۲۹۴)

هر کس که با جاهل هم نشین باشد از عقلش کاسته می شود.

### روش عادت

وقتی انسان عملی را به طور مستمر تکرار کرد، به تدریج با آن خو می گیرد و حالتی در نفس به وجود می آید که اصطلاحاً عادت نامیده می شود. انسان با عمل مزبور انس و الفتی خاص می یابد و تمایل به ادامه آن پیدا می کند. ممکن است انجام عملی در ابتدا برای انسان دشوار و حتی ناگوار باشد، ولی بعد از تکرار و حصول عادت ، همان عمل آسان و گوارا می شود؛ به گونه ای که گویا از طبیعت صادر می شود و یک فعل طبیعی است . حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

العاره طبع ثان ؛ (۲۹۵)

عادت ، طبیعت ثانوی است .

علمای اخلاق ، تعلیم و تربیت ، عادت دادن را یکی از روش های مهم تربیت می دانند. اگر در زمان لازم انسان به کارهای خوب عادت نکند، بعدها هم چندان به آن عمل پایبندی نشان نمی دهد.

---

۲۹۴- جامع‌الحادیث الشیعه ، ج ۱۳ ، ص ۲۸۳.

۲۹۵- غرر الحکم ، فصل اول ، ش ۷۵۲.

از این رو، حضرت علی (علیه السلام) در تاءکید به عادت دادن به عمل نیک می فرمایند:

عود نفسک فعل المکارم ، و تحمل اءعباء المغارم ، تشرف نفسک و تعمر آخرتک ، و یكثر حامدوک ؛ <sup>(۲۹۶)</sup>

نفس خودت را به انجام کارهای نیک و تحمل بار غرامت های مردم عادت بده تا نفس تو شریف و آخرتت آباد شود و ستایش کنندگانت بسیار گردند. در بیانی دیگر می فرمایند:

خویشتن را به نیکوکاری عادت بده ؛ زیرا آنچه را از تو پدید آید، زیبا می سازد و پاداشت را نزد خدا بسیار و کامل می گرداند. <sup>(۲۹۷)</sup>  
باز هم می فرمایند:

عود لسانک لین الکلام و بذل السلام یكثر محبوبک ، و یقل مبغضوک ؛ <sup>(۲۹۸)</sup>  
زیانت را به نرمی سخن و سلام کردن عادت بده تا دوستانت بسیار و دشمنانت کم شوند.

و در بیانی دیگر می فرمایند:

کفی بفعل الخیر حسن عاده ؛ <sup>(۲۹۹)</sup>  
برای نیکوکاری ، عارت به آن کافی است .

---

۲۹۶- همان ، فصل ۵۲، ش ۴.

۲۹۷- همان ، ش ۱.

۲۹۸- همان ، فصل ۵۳، ش ۳.

۲۹۹- همان ، فصل ۶۵، ش ۳۶.

## ویژگی روش عادت

### ترک عادات

از طرفی باید توجه کرد که ترک عادت بسیار دشوار و احياناً محال است . حضرت علی (علیه السلام) نیز به این مهم اشاره می فرمایند:

اے صعب السياسات نقل العادات ؛ <sup>(۳۰۰)</sup> دشوارترین کارها تغییر عادت است .

امام علی (علیه السلام) غلبه بر عادت رانوعی فضیلت شمرده و می فرمایند:

الفضیله غلبه العاده ؛ <sup>(۳۰۱)</sup>

غلبه بر عادت (بد) یک فضیلت است . غالبوا ے نفسکم علی ترک العادات ، و

جاهدوا ے هواء کم تملکوها ؛ <sup>(۳۰۲)</sup>

در ترک عادت ها بر نفس خودتان غلبه و با خواسته های نفس مبارزه کنید تا نفس خویش را در اختیار بگیرید.

### روش پیشگیری

رفتار و کردار انسان ، متاثر از شرایط اجتماعی ، عوامل طبیعی ، دوستان و نزدیکان است . در تربیت فرزندان باید این شرایط را مهار کرد و فرزندان را به سوی اهداف تربیتی رهنمون شد. باید همواره یاور فرزندان بود و آنان را از خطرات و آسیب های فردی و اجتماعی حفظ کرد. از بدترین خطراتی که انسان را تهدید می کند، مصاحبت و هم نشینی با دوستان ناباب است . امام علی (علیه السلام) به این مهم تاءکید داشته و می فرمایند:

---

۳۰۰- همان ، فصل هشتم ، ش ۱۳۲.

۳۰۱- همان ، فصل اول ، ش ۴۱۱.

۳۰۲- همان ، فصل ۵۷، ش ۳۸ به نقل از ماه مهر پرور.

صدیقک من نهاک و عدوک من اءغراک ؛ (۳۰۳)

دوست تو کسی است که تو را نهی کند و دشمن تو کسی است که تو را  
بفریبد.

بنابراین ، افرادی که انسان را به سوی گناه و نافرمانی خدا دعوت کنند، در  
واقع دشمن انسانند. هم چنین ایشان انسان را از هم نشینی با افراد دروغگو  
برحذر می دارند و می فرمایند:

ایاک و مصادقه الکذاب فانه کسراب یقرب علیک البعید و یبعد عنک  
القرب؛ (۳۰۴)

از دوست شدن با فرد دروغگو پرهیز کن ؛ زیرا او همانند سراب است . دور  
را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نشان می دهد.

هم ایشان انسان را از هم نشینی با بدان برحذر داشته و فرموده اند:

ایاک و مصاحبه الفساق ؛ فان الشر بالشر یلحق ؛ (۳۰۵)

از مصاحبت با فساق پرهیز؛ چون شر با شر پیوند می خورد.

### روش خاطرات خوشایند

یکی از شیوه های جالب توجه در تربیت فرزندان ، همراه ساختن امور دینی  
و معنوی با خاطرات خوشایند است ؛

---

۳۰۳- همان ، ج ۷ ، ص ۲۰۳.

۳۰۴- نهج البلاغه ، کلمه ۳۸.

۳۰۵- غرر الحکم به نقل از: اصول و روش ها در نظام تربیتی اسلام ، ج ۱ ، ص ۲۰۱.

بدین صورت که رفتار و آداب دینی و مذهبی را در یک فضای مطبوع و همراه با ایجاد خوشایندی و مطلوبیت به فرزندان القا کرد؛ مثلاً هنگامی که فرزند را همراه خود به مجالس مذهبی یا نماز جمعه می بریم ، حتی الامکان برای آنان هدیه یا خوراکی تهیه کرده و یا آنان را بیشتر در مجالس ائمه که همراه با شادی و پذیرایی است ببریم تا خاطره شیرینی از این مجالس برای همیشه در ذائقه آنان باقی بماند و رغبت و تمایل بیشتری برای حضور در چنین مجالسی از خود نشان دهند. حضرت علی (علیه السلام) در حدیثی به این شیوه جذاب و مؤثر اشاره فرموده اند:

طرفوا اءهالیکم فی کل جمعه من الفاکهه کی یفرحوا بالجمعه ؛ (۳۰۶)

در هر جمعه ، مقداری میوه برای خانواده تان تهیه کنید تا آنان از فرا رسیدن جمعه ها شادمان باشند (و جمعه ها را دوست داشته باشند).

### روش سیاحت

مکان های مختلف با ویژگی های متفاوتشان بر روحیه انسان آثار متفاوتی به جا می گذارند، قرآن مجید انسان را به سیر و سیاحت در روی زمین دعوت می کند و این روش را برای تحقق اهداف عمده زیر مفید و مؤثر می داند:

۱. برای شناخت خدا؛ آن جا که می فرماید:

ما به زودی نشانه هایمان را در سراسر جهان و در درون انسان ها به آنان

نشان خواهیم داد تا ثابت شود که خداوند حق است . (۳۰۷)

---

۳۰۶- مسعودی ، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۷۵ به نقل از: علی همت بناری ،

فرهنگ کوثر، ش ۳۵.

۳۰۷- فصلت (۴۱) آیه ۵۳. سنبهیم آیاتنا فی الافاق و فی اءنفسهم حتی یتبین لهم اءنه الحق .



۲. باور کردن معاد؛ قرآن می فرماید:

اگر انسان سیاحتش همراه با تامل و تفکر باشد؛ از این طریق می تواند به وجود عالمی دیگر به نام قیامت رهنمون گردد. (۳۰۸)

۳. آشنایی با سرنوشت منحرفان؛ اگر انسان به قصرها و مکان هایی که روزی طاغیان و ستم کاران در آن به سر می بردند، برود، پایان کار مجرمان را مشاهده می کند. خداوند به پیامبرش می فرماید:

به مردم بگو که در روی زمین به سیاحت پردازید تا از پایان کار مجرمان آگاه شوید. (۳۰۹)

حضرت علی (علیه السلام) نیز در نامه تربیتی خود به امام حسن (علیه السلام) اهمیت سیاحت در روی زمین را به فرزندش بازگو نموده می فرماید:

و سر فی دیارهم و آثارهم فانظر فیما فعلوا و عما انتقلوا و اءین حلوا و نزلوا؛ (۳۱۰)

در سرزمین و آثار باقی مانده از آن ها سفر کن و به دقت تامل نما که آن ها چه کارهایی انجام داده اند و از کجا منتقل شده اند و در کجا فرود آمده (قبر) و در کجا منزل گزیده اند.

---

۳۰۸- عنكبوت (۲۹) آیه ۲۰ قل سیروا فی الاءرض فانظروا کیف یداء الخلق ثم ینشیء النشاه الآخره ان الله علی کل شیءء قذیر .

۳۰۹- نمل (۲۷) آیه ۶۹ قل سیروا فی الاءرض فانظروا کیف کان عقبه المجرمین .

۳۱۰- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.

## بخش سوم : وظایف و مسئولیت های متولیان تربیت

### مقاوم سازی نسل ، وظیفه ای همگانی

در عصری بس خطیر زندگی می کنیم که می توان آن را عصر بحران ها و تهاجم ها نامید. عوامل آشوب آفرین و مفسده جو رو به گسترش و فزونی هستند. از آن جا که دشمن برای مبارزه با انقلاب اسلامی از ترفند جنگ افروزی طرفی نبسته است ، جبهه جدیدی با چهره فرهنگی گشوده که بسیار خطرناک تر و آسیب زننده تر از جبهه نظامی است ؛ زیرا نسل آسیب پذیر و تهاجم پذیر - که متأسفانه رقم آنان نیز اندک نیست - به علت ضعف فرهنگی و محدودیت های فکری ، مقاومت و پایداری لازم را در برابر تهاجمات ندارند. بر این خطر باید افرادی را افزود که به دلایلی در خط مکتب نبوده و در سایه تربیت غلط، آب غرب در کامشان گواراتر است و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مبلغ اندیشه های غربند و با الگوگیری از شیوه زندگی و راه و رسم آنان به نشر و گسترش ایده ها و آرمان های غرب می پردازند. در چنین شرایطی ، مسئولیت متولیان امر تربیت سنگین تر است .

در شرایط موجود سه وظیفه اولیه فرا روی ما است :

#### ۱. شناخت درد؛

ضروری است که متولیان تربیت ، پیش از هر چیز درد را بشناسند و بدانند در جامعه و در سطح نسل جوان و خانواده ها چه می گذرد. نگاهی به رفتار و کردار، اخلاق فردی و اجتماعی داشته و آن را با خطوط و تعالیم اسلامی ارزیابی کنند، آنگاه به خود و نسل خویش هشیار باشند و دریابند که جامعه چه سمت و سویی دارد و نسل ما در معرض چه خطراتی قرار دارد.

## ۲. ارزیابی و تخمین

ارزیابی حقایق و واقعیت ها و هم چنین تامل در آن ها و پاسخ به این سوالات ضروری است که آیا شیوه های رفتار و گفتار، پوشش ها و کوشش ها، عملکردها و مواضع در جامعه ما همان است که اسلام خواستار آن است؟ آیا نظم و انضباط، پابندی نسل جوان به باورها و اعتقادات همان است که اسلام می خواهد؟ شیوه حیات ما غربی است یا اسلامی؟ چگونه باید مظاهر فرهنگ خودی و فرهنگ بیگانه را شناخت؟ به چه میزانی از آرمان ها و رنگ و صیغه الهی به دور افتاده ایم و برای بازگشت به سیر واقعی به چه امکاناتی نیازمندیم؟

## ۳. برنامه ریزی در جهت اصلاح؛

اگر در جمع بندی به این نقطه برسیم که در راهکارها و برنامه ریزی ها اشکالاتی وجود دارد، اصلاح برنامه ها و تلاش در جهت زدودن آثار نامطلوب تهاجم فرهنگی دشمن و حداقل مقاوم سازی در برابر آن ضروری است. برای ریشه کنی، قیامی همگانی و جدی لازم است؛ اما خط مقاوم سازی، مهم ترین برنامه امروزی ما است امروز بیش از هر عصر و دوره ای، نیاز به نسلی بااراده و مقاوم داریم که در برابر تهاجمات نلرزد و در برابر صدمه آفرینی های خصم جای خالی نکند. ما خواستار نسلی مبارز، میدان دار و تلاشگر در عرصه علم و عمل هستیم.

## مقصود از مقاوم سازی چیست؟

واژه مقاومت عبارت است از ایستادگی کردن، برابری کردن، پایداری کردن، و به معنای پای داشتن، ثبات ورزیدن و یافشاری کردن هم آمده است. بنابراین مقاومت بر مبنای ایستادگی در برابر یک خواسته یا یک توقع تحمیلی است.

مقاوم کسی است که در برابر آن خواسته فریاد اعتراض و نارضایتی سر می دهد و پایدار و تسلیم ناپذیر است. هنگامی که در تربیت، بحث از مقاوم سازی به میان می آید، هدف، تربیت نسلی است که در برابر تحمیلات ناصواب و تهاجم ها و نیز در برابر اعمال زور و قدرت و القای آرمان های خلاف، ایستادگی کند و تسلیم نشود. هدف این است که نسلی را پیروانیم تا در برابر شرایط دشوار و ناهماهنگ، در برابر بیعت خواهی و حتی در برابر صدمه آفرینی و حمله نظامی خصم، استوار بماند و با ریشه های عمیق اعتقادی، در برابر تندباد حوادث از جا نجنبند.<sup>(۳۱۱)</sup>

در جریان زندگی انسان فشارها، تحمیلات و ناملایماتی وجود دارند که واکنش و موضع همه افراد در برابر آن ها یکسان نیست. گروهی در برابر آن تسلیم اند و با هر باد و طوفانی، چون خس و خاشاکی سبک و بی وزن به حرکت و جنبش در آمده و به جهتی که طوفان در حرکت است؛ راه می افتند. اینان در پیشگاه داوری اسلامی محکومند و به فرموده علی (علیه السلام) «اتباع کل ناعق»<sup>(۳۱۲)</sup> می باشند. گروه دیگر، اندک مقاومتی دارند؛ ولی مقاومتشان ریشه دار نیست. ترس ها، ضعف ها و احساس حقارت ها نمی گذارد آن چنان که باید، به سوی مقصد پیش بروند. اما دسته سوم، در برابر دشواری ها و تحمیل ها، مقاومت ورزیده و به دفاع برمی خیزند، رنج و زحمت ناشی از آن را به جان می خرند و در برابر گرسنگی، تشنگی، زندان و تبعید می ایستند و باکی از غیر خدا ندارند. هدف نهایی تربیت اسلامی نیز این دسته اند.

---

۳۱۱- رک: نهج البلاغه، خطبه ۱۱.

۳۱۲- همان، کلمات قصار، ش ۱۴۷.

حضرت علی (علیه السلام) در وصفشان می فرمایند:

المؤمن اءصلب من الصلد ؛ (۳۱۳)

مؤمن از سنگ سخت تر است .

حضرت درباره مقاومت و پایداری در برابر دشمن ، راهبردی جاودانی به

فرزندش محمد حنیفه یاد می دهند که دوای دردهای ما است :

تزلزل الجبال و لاتزل عض علی ناجدک اءعر الله جمجتک تدفی الاءرض

قدمک ارم ببصرک اءقصی القوم و عض بصرک واعلم اءن النصر من عندالله

سبحانه ؛ (۳۱۴)

ممکن است کوه ها از هم فروپاشند، ولی تو سست و بی پای مباش ، دندان

هایت را بر هم بفشار جمجمه و سرت را به خدا بسپار. گامت را در زمین چون

میخ استوار بدار. با چشم خود دور دست ترین نقطه دشمن را بنگر. دیدگانت را

بر هم بنه و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است .

البته مقاومت نیز باید همانند ایمان در تمام اعضا و جوارح ریشه دوانده و کل

وجود به صورت واحد و یک پارچه درآید:

- در بدن و اعضا باید مقاومتی پدید آید تا به سوی عصیان و گناه میل نکند.

در زبان باید مقاومتی باشد تا به هرزه گویی آلوده نشود، مقاومت در چشم ،

غریزه و... هر کدام می تواند سازنده باشد.

- افکار و اذهان باید مقاوم شود تا در مقابل وسوسه ها، خیالات واهی و

تصورات ناصواب بایستند.

---

۳۱۳- شرح غرر الحکم ، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳۱۴- نهج البلاغه ، خطبه ۱۱.

- فهم و بصیرت ها باید مقاوم شود تا زرق و برق دنیوی ما را نفریبند. مادام که برای آدمی سیری باطنی و بی رغبتی درونی پدید نیاید مقاومت بی فایده است .

- در مسئله خط داری ، ایمان به ارزش های آرمانی ، اصل است . باید به امور و جریانات انحرافی حساس بود عوامل مخل رشد را شناخت و در مقابل آن پایدار بود. مقاومان و مقاومت آفرینان باید جریان شناس و موج شناس باشند و از خطوطی که در عرصه های ملی و بین المللی وجود دارد، آگاه باشند و بدانند در چه عصر و دوره ای زندگی می کنند و چه خطوطی در جریان براندازی جامعه اسلامی و نسل ما است .

- چه بسیارند عوامل تبلیغی که مردم را در راه مبارزه با عوامل انحرافی ، عافیت طلب ، آرام ، خاموش و مصلحت اندیش بار می آورند و از درون تهی می سازند، انسان مقاوم ، باید موضع داشته باشد. دین داری متعهدانه ، بینش داری مؤمنانه ، خط داری مسئولانه و جریان شناسی موشکافانه ، آدمی را به موضع داری می کشاند.

در نهایت می گوئیم : در برابر تهاجم دشمن ، دو راه پیش روی ما است :

۱. ریشه کنی عوامل فساد و تهاجم ؛

۲. مقاوم سازی نسل در برابر هجوم دشمن به گونه ای که در مقابل تبلیغات از خود بیگانه نشود، در مقابل زرق و برق ها خود را نبازد و بادشمن هم آوا نشود. در راه مقاوم سازی خود، خانواده و اجتماع نیاز به ابزاری است که توجه به آن ها کار گشا خواهد بود:

### الف) درک هویت خود؛

غرض از هویت ، هویت ذاتی ، فطری ، تشریحی ، فرهنگی و در یک کلام هویت اسلامی ما است . ما انسان هایی هستیم که فطرت ما رنگ خدایی دارد و در سایه رهنمودهای پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) پرورش یافته ایم . سیر و سلوک ما در زندگی من الله و الی الله است و فرجام ما نیز عندالله است .

### ب) ایمان و باور؛

در راه مقاوم سازی ، باوری راستین لازم است ؛ باوری که در عمق جان ما ریشه دوانیده و نوآفرین باشد. ایمانی که خصوصیات آن را حضرت علی (علیه السلام) در خطبه همام فرموده اند. <sup>(۳۱۵)</sup>

### ج) عزت نفس؛

باید خود را گرانقدر و باارزش بدانیم و وجود خود را ارزان معامله نکنیم . ما مسلمانیم و موجودی گرامی و خداوند نیز بر این کرامت انسانی صحنه نهاده است . حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

ءلا و اءن لیس لاءبدانکم ثمن الا الجنة فلا تبیعوها بغبرها ؛ <sup>(۳۱۶)</sup>

بهای وجود شما، بهشت است مبادا آن را به غیر بهشت بفروشید.

### د) اعتماد به نفس؛

باید به خود و نسلمان اعتماد و به خداوند تکیه کنیم و با این تکیه گاه و پناهگاه متین و محکم در برابر ناملایمات ایستادگی کنیم که قرآن می فرماید:

---

۳۱۵- نهج البلاغه ، خطبه همام .

۳۱۶- نهج البلاغه ، کلمات قصار.

الله ولی الذین آمنوا ؛ (۳۱۷)

خدا ولی کسانی است که به او ایمان آورده اند.

ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ؛ (۳۱۸)

هر کس به خدا توکل کند، خدا او را کافی است .

ه) صبر و استقامت ؛

ما در راه پیشبرد مقاصد خود نیازمند صبریم . صبر در زبان قرآن و روایت نوعی مقاومت و پایداری است نه تسلیم ، ناروایی و سازشکاری . خداوند در آیه سی ام فصلت می فرماید:

ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه اءلا تخافوا و لا تحزنوا ؛

آنان هدف خود را الله قرار دهند و در راه آن ثبات و استقامت بورزند، خداوند فرشتگان رحمت و عنایت خود را به کمک آنان می فرستد که در راه تلاش و حرکت به سوی هدف نهراسند و محکم و استوار به پیش روند.

و) وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری ؛

که به علت اهمیت و حساسیت این مسئله پس از بررسی عوامل مؤثر در تربیت ، آن را مورد ارزیابی و موشکافی دقیق تر قرار خواهیم داد. (۳۱۹)

---

۳۱۷- بقره (۲) آیه ۲۵۷.

۳۱۸- طلاق (۶۵) آیه ۳.

۳۱۹- علی قائمی ، تربیت و مقاوم سازی نسل ، ص ۳۶.



## عوامل مؤثر در تربیت از منظر امام علی (علیه السلام)

به طور کلی عوامل مؤثر در تربیت را می توان به دو دسته تقسیم کرد: عوامل وراثتی و عوامل محیطی؛ عوامل وراثتی قبل از تولد تاءثیر گذار است، هر چند نمود و تجلی تاءثیرات آن ها پس از تولد فرزند و رشد او آشکار می شود، اما تاءثیر عوامل محیطی عمدتاً پس از تولد است. هر دو دسته عوامل مورد توجه امام علی (علیه السلام) قرار گرفته است:

### ۱. عوامل وراثتی

هر چند در میزان تاءثیر عامل وراثت در تربیت اختلاف است، اما در مجموع تاءثیر آن غیر قابل انکار است. عامل وراثت از طریق ژن ها بر فرزندان تاءثیر می گذارد و بسیاری از ویژگی های ظاهری و روانی والدین به کودکان منتقل می شود. امام علی (علیه السلام) باوقوف و آگاهی به این مهم، در انتخاب همسر بسیار دقیق بوده اند؛ زیرا همسر به عنوان یک رکن خانواده، در تربیت فرزندان مؤثر خواهد بود. حضرت علی (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر نیز ملاک انتخاب فرماندهان سپاه را برخورداری از اصالت خانوادگی و ریشه داربودن برشمرده اند. آن جا که می فرمایند:

ثم اءلصق بذوی الاءحساب و اءهل البیوتات الصالحه ؛ (۳۲۰)

... و از آنان که گوهری پاک دارند و از خانواده های صالح و شایسته اند. هم

چنین در بیان ویژگی های کارگزاران می فرمایند:

وتوخ منهم اءهل التجربه والحیاء من اءهل البیونات الصالحه ؛ (۳۲۱)

---

۳۲۰- نهج البلاغه، نامه ۵۳ با استفاده از: فرهنگ آفتاب، ج ۹، ص ۴۷۳۷.

۳۲۱- بحار الاءنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۶.

برای کارها، کسانی را برگزین که از تجربه و نجابت بهره مندند و از خانواده های ریشه دار، شایسته و پیشتاز، پیش از پیروزی اسلام، برخاسته اند؛ که چنین کسانی در اخلاق، برتر و در آبرومندی، سالم ترند، به آزمندی های مادی، کمتر نظر دارند و به پایان کارها بیشتر می اندیشند. (۳۲۲)

## ۲. عوامل محیطی

علاوه بر عوامل وراثتی، عوامل محیطی نیز در تربیت مؤثرند. منظور از عوامل محیطی، همه عواملی است که پس از تولد کودک او را تحت تأثیر قرار می دهند و در شکل گیری شخصیت او مؤثرند. این عوامل شامل خانواده، دوستان، همسایگان، انجمن ها، تشکل ها و مانند آن ها هستند. آن حضرت به این مسائل توجه دارند و بیش از همه روی عامل خانواده و دوستان تأکید کرده اند.

## نگاهی گذرا به مسئولیت خانواده و اجتماع

سدر جامعه پذیری (socialization) در اثر تمهیداتی انسان از هنگام تولد با جامعه، فرهنگ و ارزش ها و هنجارهای آن انطباق می یابد. نظام های تأثیر گذار را در گذشته به دو دسته خانواده و جامعه تقسیم می کردند و بر اساس آن مراحل اجتماعی شدن را نیز به دو بخش نخستین و دومین تقسیم بندی می کردند؛ اما امروز این تشخیص حاصل شده است که در درون جامعه نیز انسان ها به یک نسبت، تحت تأثیر نیستند و هر دسته از آن ها می تواند تحت تأثیر عوامل متفاوت قرار گیرد و لذا در مراحل مختلفی اجتماعی شدن را طی می کند؛

---

۳۲۲- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۶.

مسیری مثل مدرسه ، دانشگاه ، محیط کار، محیط آموزش ، در خارج و داخل و هم چنین رادیو، تلویزیون ، مطبوعات و... که هر یک به گونه ای می تواند بر روی انسان ها و تطبیق آن ها با جامعه تاءثیرگذار باشد.

عوامل مؤثر بر رشد و شکل گیری شخصیت در درجه اول به آن بستگی دارد که اولیا و مربیان چه اهدافی را دنبال می کنند. از آن جا که بنای این نوشتار بر اختصار است ، از بین مراحل مختلف اجتماعی شدن ، دو سیستم خانواده و جامعه را به طور گذرا و با نگاهی کاربردی مورد بررسی قرار می دهیم . یکی از معیارهای پرورش صحیح در جامعه سلامت کامل جسمی ، روانی ، فکری عاطفی و... خانواده های آن است . تاءثیرات متقابل فرد و جامعه بر یکدیگر تحقیقا انکارناپذیر است . بنابراین ، یک جامعه سالم به طور مسلم در برگیرنده خانواده های سلیم است . خانواده های سالم با پرورش فرزندان سالم ، درهای سلامت و سازندگی را به روی جامعه می گشایند.

### مسئولیت خانواده در تربیت

خانواده از دیرزمان ، رکن طبیعی و اساسی جوامع انسانی به شمار می رفته که هم با ضروریات زندگی وهم با سرشت و طبیعت انسانی سازگار بوده است . در اهمیت و ارزش خانواده همین بس گفته اند: خانواده نخستین آموزشگاه و پرورشگاه انسان و انتقال دهنده فرهنگ تمدن در محل کسب ارزش ها و فضایل اخلاقی و زمینه ساز تکامل و تحول است . در یک جمله ، سعادت و شقاوت جامعه در گرو تامین سلامت یا عدم سلامت خانواده است . آغاز تربیت اجتماعی از جامعه کوچک خانواده آغاز شده و فرزندان نخستین برخوردارهای اجتماعی را درون می آزمایند.

رفتار با پدر، مادر، برادران و خواهران، ابتدایی ترین ارتباط اجتماعی است. اگر فرزندان بتواند توافق و سازگاری مناسب داشته باشند و آن را در خانه و با نزدیکان خویش به درستی تجربه کنند، در اجتماع بزرگ تر نیز نقش اجتماعی خود را به درستی ایفا خواهند کرد.

این نکته مورد توجه حضرت علی (علیه السلام) قرار گرفته و به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) می فرمایند:

یا بنی! عاشروا الناس عشرة ان غبتم حنوا الیکم و ان فقدتم بکوا علیکم<sup>(۳۲۳)</sup>  
فرزندم! بامردم به گونه ای معاشرت و ارتباط داشته باشید که اگر از نظرشان دور شدید، دل در هوای شما داشته باشند و اگر مردید بر شما بگریند.

امام علی (علیه السلام) در سیره تربیتی خویش، برای برقراری ارتباط درست و سالم با دیگران و نیز برخورد با آنها معیار و ملاک کلیدی را به فرزندان خود ارائه فرموده اند:

یا بنی! اجعل نفسک میزانا فیما بینک و بین غیرک .

فرزندم! خود را در میان خویشتن و دیگری میزان قرار ده .

سپس در ادامه فرموده اند:

پس آنچه را برای خود دوست می داری، برای غیر خود نیز دوست داشته باش و آنچه را برای خود خوش نداری برای دیگران نیز خوش مدار، ستم نکن چنان که دوست نداری به تو ستم شود و نیکی کن چنان که دوست داری به تو نیکی کنند.<sup>(۳۲۴)</sup>

---

۳۲۳- تنبیه الخواطر و نزهة الطواهر، ص ۳۹۴ به نقل از علی همت بناری فرهنگ کوثر، ش

ایجاد چنین بینش درستی، بر عهده والدین نهاده شده؛ زیرا خانواده، مهم ترین و مؤثرترین عامل تربیت فرزند است. اهمیت خانواده آن جا دو چندان می شود که از سویی در عامل وراثت نقش دارد و از سوی دیگر، در تعیین و زمینه سازی دیگر عوامل محیطی. خانواده می تواند زمینه پیداکردن دوستان شایسته، مدرسه مناسب، محله مناسب و همسایه های مناسب را فراهم آورد. از این رو، شرط توفیق آنان در این مسئولیت مهم، شایستگی شخصیتی هر یک و نیز توافق، هماهنگی و صمیمیت بین آنان است تا در پرتو آن، محیطی امن، آرام، پاکیزه و سالم برای فرزندان فراهم کنند.

### نقش پدر و مادر در خانواده

در سیره تربیتی امام علی (علیه السلام) وظیفه سنگین پدر مورد توجه قرار گرفته است. گرچه مسئولیت عمده پدر سیاست گذاری و اداره امور بیرونی است؛ اما در عین حال همکاری او در امور خانه و ایجاد جو صمیمانه نیز در نظر امام بوده است. حضرت علی (علیه السلام) با این که مسئولیت های بزرگ اجتماعی داشته و در مقطعی هم وظیفه حکومتی بر شانه ایشان سنگینی می کرد، اما از امور منزل و همکاری با همسر غافل نبوده اند. ایشان می فرمایند:

رسول خدا وارد منزل ما شد، در حالی که فاطمه در کنار دیگ نشسته و من در حال پاک کردن عدس بودم. رسول خدا فرمودند: ای ابالحسن! کسی که در خدمت عیال خود باشد و خدمت به عیال را ننگ نداند، خداوند نام او را در دیوان شهدا ثبت می کند. (۳۲۵)

---

۳۲۵- هاشم حسینی بحرانی، حیلہ الابرار، ج ۱، ص ۳۶۶ به نقل از: علی همت بناری،

فرهنگ کوثر.

هم چنین هشام بن سالم از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند:  
کان اءمیر المؤمنین (علیه السلام) یحتلب و یستقی و یکنس و کانت فاطمه  
علیها السلام تطحن و تعجن و تخیزه ؛<sup>(۳۲۶)</sup>  
علی (علیه السلام) هیزم جمع آوری می کرد، آب فراهم می کرد، خانه را  
جاروب می کرد و حضرت زهرا علیها السلام آرد تهیه و خمیر می کرد و نان می  
پخت .

هم چنین سفارش می فرمایند که رعایت حال همسر بشود و با خوش  
رفتاری ، کانون خانواده را گرم و زندگی مشترک را سرشار از صفا و صمیمیت  
کند. امام علی (علیه السلام) به فرزندش محمد حنیفه فرموده اند:  
فرزندم ! اگر بتوانی زن را از انجام کار هایی که فراتر از توان او است  
بازداری ، چنین کن ؛ چه این که چنین کاری زیبایی و جمال او را حفظ و خیال  
او را آسوده تر می کند و به حال او نیکوتر است ؛ زیرا زن ، ریحانه و گل است  
نه قهرمان ، پس در هر حال با همسر مدارا کن و هم نشینی و مصاحبت با او را  
نیکو گردان تا این که زندگی و عیش تو با صفا و بدون دغدغه شود.<sup>(۳۲۷)</sup>  
دیگر این که سعی کند در کسب حلال کوشا باشد و درآمد حلال به خانه برد  
و فرزندان خود را از لقمه حلال بهره مند گرداند. براین اساس می فرمایند:

علیک بلزوم الحلال و حسن البر بالعیال ؛<sup>(۳۲۸)</sup>

---

۳۲۶- شیخ صدوق ، من لایحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۳۳۳.

۳۲۷- شرح غرر الحکم ، ج ۴ ، ص ۲۹۴.

۳۲۸- طریحی ، مجمع البحرین ، ج ۳ ، ص ۲۱۹.

بر تو باد تهیه روزی حلال و نیکو احسان کردن بر خانواده .  
بنابراین ، در دیدگاه علی (علیه السلام) بیش از تاءمین معیشت ، حلال بودن  
آن مهم است و اگر غذایی حلال نباشد، توسعه غذایی بر خانواده ارزش چندانی  
ندارد.

هم چنین از منظر امام علی (علیه السلام) توجه به روحیه اعضای خانواده به  
تناسب ویژگی های فردی و روانی آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است .  
البته توجه به علایق و خواسته های اعضای خانواده ، توجه لجام گسیخته و  
بدون ضابطه نیست ، بلکه مراد، توجه به خواسته های واقعی ، به حق و مشروع  
آنان است .

علاء پسر زیاد حارثی از برادرش به امام علی (علیه السلام) شکایت کرد که  
او جامه پشمین به تن کرده و از دنیا روی برگردانده و این باعث گردیده که  
خانواده و فرزندان محزون و مغموم شوند. امام فرمودند: او را نزد من بیاورید.  
چون به نزدش آوردند، فرمودند: ای دشمنک خویش! شیطان سرگشته ات کرده  
و تو را از راه به در برده است . آیا تو بر زن و فرزندان رحم نمی کنی و چنین  
می پنداری که خدا آنچه را پاک تر است بر تو روا فرموده ، اما ناخشنود است  
که از آن استفاده کنی ؟ او گفت : ای امیرمؤ منان! تو نیز لباس خشن به تن  
داری و غذای نامطبوع استفاده می کنی . حضرت فرمودند: وای بر تو! من مانند  
تو نیستم . خداوند بر پیشوایان دادگر واجب کرده تا خود را با مردم ناتوان برابر  
کنند تا فقر و تنگدستی بر انسان فقیر غلبه نکند و او را به هیجان و اندارد. (۳۲۹)

---

۳۲۹- کلینی ، فروع الکافی ، ج ۲ ، ص ۹۳.

مادر خانواده که رکن دیگر خانواده است ، همانند پدر نقش عمده ای در تربیت فرزندان دارد. مادر علاوه بر این که از عوامل وراثتی به حساب می آید، نقش تعیین کننده ای در تاءثیر محیطی نیز دارد. مادر، در تاءمین فضای عاطفی و ایجاد محیط امن و آرام برای فرزندان مؤثر است . نقش مادر برای فرزندان تا رسیدن به سن آموزش و رفتن به مدرسه ، در مقایسه با نقش پدر بسیار حساس تر است . در سیره تربیتی امام علی (علیه السلام) در شکل گیری روانی و اخلاقی به اهمیت شیر مادر تاءکید شده است . حضرت می فرمایند:

از زنان کودن و نادان برای فرزندان طلب شیر نکنید؛ زیرا شیر بر سرنوشت غلبه می کند. (۳۳۰)

بنابراین ، برخورداری از پرورش صحیح در خانواده که نخستین پایگاه تربیتی به شمار می رود به فرد کمک می کند و به او این فرصت را می دهد که در اجتماع موفق و قابل احترام باشد. خانواده مءامن آسایش و آرامش و آبراه کوچکی است که فرد را به اقبانوس جامعه پیوند می دهد. خانواده ها بر اساس نحوه هماهنگی در تربیت فرزندان به دو الگوی اصلی تقسیم می شوند:

#### *الف) خانواده های یک قطبی (هماهنگ):*

پدر و مادرانی که در تربیت فرزندان به گونه ای یکپارچه و متحد عمل می کنند و انتظاراتی تقریباً یک سان و مشخص از فرزندانشان دارند، فرزندان در یک مرکز مدیریت واحد قرار می گیرند. و به روشنی می دانند که دیگران از آن ها چه انتظاراتی دارند.

---

۳۳۰- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.



## ب) خانواده های دو قطبی (ناهماهنگ):

در مقابل نمونه بالنده و سرزنده خانواده هماهنگ ، با نمونه های دیگری از خانواده ها با مدیریت متفاوت روبه رو می شویم ، اگر خانواده ها به صورت دو قطبی باشند و پدر و مادر در سیاست های تربیت خودشان هماهنگی و وحدت نظر نداشته باشند، چنین خانواده هایی دو قطبی نامیده می شوند. یک قطب پدر و قطب دیگر مادر. تاءثیر خانواده های دو قطبی در پیدایش روحیه ای به نام تعارض بسیار مؤثر است . تعارض یک اصطلاح روان شناسی و یک وضعیت بد روانی است . زمانی که دو مسئله در عرض هم قرار گیرند که از جهت شدت کیفیت و تقویت هر دو جاذبه و دافعه شان یک سان باشد و فرد ناچار باشد یکی را انتخاب کند، در این حال وضعیت دشواری ایجاد می شود؛ زیرا امکان چشم پوشی از یک طرف بسیار دشوار می شود.

## راه های ایجاد محیط آرام در خانواده

با تدابیری می توان محیط خانواده را صمیمی کرد تا فرزندان درد دل هایشان را با والدین مطرح کنند و حرف هایشان را بزنند. اگر چیزی می خواهند، از آنان بخواهند. گاهی می شنویم که پدری با پسر جوانش دوست است یا با او به مسافرت می رود، راه می رود و درد دل می کند؛ اما گاهی رابطه ها تشریفاتی است . احوالی پرسیده می شود و به سلام و علیکی قانع هستند؛ یعنی آن قدر فاصله زیاد است که حرفی برای گفتن ندارند. صمیمیت وجود ندارد. برای ایجاد محیطی آرام و صمیمی اصول زیر می تواند کارگشا باشد:

### ۱. وجود صمیمیت بین پدر و مادر؛

اگر می‌خواهیم فرزندان با ما صمیمی بوده، همکاری و اطاعت داشته باشند باید خودمان با هم صمیمی باشیم. عمل صمیمانه اعضای خانواده می‌تواند راه و جهت صحیح را به فرزندان منتقل کند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

مردم را با غیر زبانتان - عملا - به خوبی‌ها دعوت نمایید. (۳۳۱)

### ۲. هوشیاری و دقت و حسابگری؛

اگر فرزند احساس کند اولیایش انسان‌های هوشیار و مشکل‌گشایی هستند، در آن‌ها ایجاد صمیمیت و اعتماد می‌شود. اگر خانواده ساده لوح، ضعیف و غیر هوشیار باشد، فرزندان احساس صمیمیت نمی‌کنند، موضع‌گیری می‌کنند و کار خودشان را انجام خواهند داد.

### ۳. رفتار اخلاقی و شخصیت تربیتی؛

باید فرزندان خاطره خوبی از رفتار اخلاقی و شخصیت تربیتی والدین داشته باشند و احساس کنند که والدینشان راستگو، عادل و رستگارند.

### ۴. برخورد منطقی با خطاهای فرزندان؛

نباید با دیدن کوچک‌ترین تخلف فرزند، عکس‌العمل شدید نشان داد. برخورد منطقی با خطاها و لغزش فرزندان از اصول مهم ایجاد صمیمیت است.

---

۳۳۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۴.

#### ۵. بها دادن به نقاط قوت فرزندان؛

امتیاز دادن و تشویق کردن فرزندان در برابر کارهای مثبت، نقش ارزنده ای در ایجاد صمیمیت دارد.

#### ۶. ایجاد محیطی صمیمانه برای بحث و گفتگو؛

انسان باید وقت کافی در اختیار فرزندان بگذارد، برای آن ها قصه و داستان بگوید، موضوعی را طرح و پیرامون آن به بحث و گفتگو پردازد. موقع صحبت کردن فرزند، کاملا گوش دهد، به او نگاه کند و لبخند بزند و به بحث و بررسی موضوع پردازد.

#### ۷. نظرخواهی از فرزندان در امور خانواده؛

این روش برای پرورش شخصیت فرزندان بسیار سازنده است؛ زیرا ایشان نیز دارای فکر و عقیده اند و دوست دارند در خانواده با آن ها مشورت شود که اگر به این مهم توجه شود به تدریج آن ها نیز در هنگام مشکلات شخصی، برای مشورت به سراغ خانواده می آیند و به سوی غریبه ها و بیگانگان نخواهند رفت.

#### ۸. ایجاد محیط همکاری و تقسیم مسئولیت؛

کارها را باید خیلی منطقی و عادلانه تقسیم کرد. اگر تقسیم کار نباشد و بی حساب عمل شود گاهی غیر عادلانه کاری به یکی از فرزندان تحمیل می شود و نتایج بدی را به بار می آورد.

#### ۹. رعایت عدالت در بین فرزندان؛

اگر می خواهیم فرزندان وفادار و صمیمی داشته باشیم. باید با آن ها رفتار عادلانه داشته باشیم.

## ۱۰. ایجاد جهان بینی مشترک بین افراد خانواده؛

ما کتاب هایی خوانده ایم ، مطالبی شنیده ایم ، جلساتی رفته ایم که فرزندان ما با آن ها آشنا نیستند. آنان کتاب های دیگری می خوانند، جلسات دیگری می روند و تلقی و برداشت های ما با هم متفاوت می شود. در نتیجه ، رفته رفته فاصله ما با آنان بیشتر می شود. باید به همدیگر نزدیک شویم با به تدریج به جهان بینی مشترکی دست پیدا کنیم . (۳۳۲)

### راه های رسیدن ارکان خانواده به اهداف متعالی

#### ۱. توجه به اهداف ارزشمند؛

در هیچ حال والدین نباید در تربیت فرزندان برومند از توجه به اهداف ارزشمند و متعالی غفلت بورزند؛ زیرا پدر و مادر پایه گذاران شخصیت فرزندان و معماران خوشبختی آنان هستند. آن ها باید از موقعیت به دست آمده ، نهایت استفاده را ببرند و همواره شرایط مطلوب را از دست ندهند. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

برای قلب انسان حالت اقبال و ادباری است . (۳۳۳)

یعنی انسان ها در مواردی با نشاط و انبساط و سرحال هستند چنانچه در بعضی از زمان ها، گرفته و کسل هستند. باید در زمان آمادگی اقدام نمود.

---

۳۳۲- دکتر خدایاری ، مسایل نوجوانان و جوانان (با تلخیص و اضافات).

۳۳۳- سید جواد مصطفوی ، الکاشف ، ماده دبر، ص ۱۳۹.

## ۲. شناخت و ایفای حقوق متقابل

شناخت حقوق متقابل یکدیگر و ایفای این حقوق نسبت به همدیگر و خودداری از مصاحبت و همنشینی با خانواده های ناباب ؛ حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

نیازی به سؤال کردن از شخصیت افراد نیست . شخصیت افراد همان است که در دوستان آنان وجود دارد. (۳۳۴)

## ۳. ترجیح منفعت زندگی بر منافع شخصی ؛

برای بقا و تداوم و تعالی خانواده و دست یابی به کانونی ارزشمند، مصلحت زندگی را بر منفعت شخصی ترجیح دهند و در راه رسیدن به اهداف متعالی از خود انعطاف پذیری نشان دهند؛ حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

با لجاجت دوستی حاصل نمی شود. (۳۳۵)

## ۴. رعایت اقتصاد و اعتدال ؛

از دل سختی ها و کوره مذاب زندگی ، آسانی پدید می آید. انسان در زندگی با مشکلات گوناگونی مواجه می شود. همسران متعادل کسانی هستند که در همه مسائل زندگی ، احساس مشارکت و سهیم بودن می کنند. اقتصاد و اعتدال زندگی را مراعات و از اسراف و تبذیر خودداری می کنند. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

---

۳۳۴- همان ، ماده قرن ، ص ۳۴۹.

۳۳۵- شرح غرر الحکم ، ش ۱۰۴۳۵.

فردی که اصول اقتصادی را رعایت کند، هرگز به فقر و نداری گرفتار نخواهد شد. (۳۳۶)

هم چنین می فرمایند:  
خداوند رحمت کند کسی که اندازه خویش را بشناخت و از حد خویش درنگذشت. (۳۳۷)

#### ۵. تعادل در عواطف ؛

خانواده متعادل ؛ خانواده ای است که در بیان عواطف از افراط و تفریط پرهیزد.

#### ۶. هم گرایی و همدلی ؛

زوجین باید سعی کنند به مرز تفاهم و صمیمیت برسند. از لجاجت و رقابت ناسالم با همسران جدا پرهیز کنید. جای آن را به یک دلی و یک رنگی و صمیمیت بدهید.

#### ۷. مثبت گرایی ؛

شناخت نقاط مثبت شخصیت همسر و تقویت و تشویق کردن آن ، هم چنین شناخت نقاط ضعف و نارسایی او و در صورت امکان برطرف ساختن یا تحمل کردن آن مؤثر است . حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:  
اگر برادر دینی تو عمل غیر صحیحی را انجام داد، برای آن عمل عذری بتراش

---

۳۳۶- سفینه البحار، باب اقتصاد، ج ۲، ص ۴۳۱.

۳۳۷- المناقب ، ص ۳۷۵.

و اگر نتوانستی عذر و بهانه ای بیاوری بکوش تا از سوی خود، انجام آن عمل را به نوعی توجیه کنی . (۳۳۸)

#### ۸. پرهیز از مردسالاری یا زن سالاری ؛

در مدیریت درست خانواده ، همواره از حق پیروی کنند و از دامن زدن زه مسئله مرد سالاری یا زن سالاری جدا پرهیز کنند.

#### ۹. اولویت فرزندان ؛

در خانواده متعادل و مورد نظر اسلام ، فرزندان جایگاه ارزشمندی دارند و در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها شرکت می کنند. کمی سن ، دلیل بر ناصواب بودن رأی و نظر نیست . حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:  
در گوینده سخن منگر، به آنچه می گوید، نگاه کن . (۳۳۹)

#### ۱۰. عمل یک پارچه و صمیمی ؛

در تربیت فرزندان ، باید با رفتاری عادلانه ، یک پارچه ، صمیمی و هماهنگ عمل کرد و در توزیع توجه ، محبت و نگاه با نهایت عدالت و انصاف با یکدیگر و فرزندان رفتار کرده و از مقایسه رنج آور بین فرزندان پرهیز کرد.

#### ۱۱. واقع بینی ؛

باید در نگرش به مسائل ، به جای بدبینی و یا خوش بینی ساده لوحانه ، دیدی واقع بینانه داشت .

---

۳۳۸- سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳۳۹- شرح غرر الحکم ، ش ۱۰۱۸۹.

## ۱۲. اعتلای سطح عشق و محبت؛

محبت جوششی زلال است که از قلوب متصاعد شده و دل ها را زیر نفوذ قرار می دهد. محبت نیروی محرکه زندگی است که وجود آن در زندگی لازم و ضروری است .

## ۱۳. انتظارات متناسب از یکدیگر؛

توقعات و انتظارات باید متناسب با امکانات و توانمندی یکدیگر باشد. به یقین هم خوانی خواسته ها و انتظارات منطقی ، روح تفاهم ، همدلی و شادابی زندگی را افزایش می دهد. از همدیگر انتظار بی جا نداشته باشید، چنانچه حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند:

کاری که از عهده زنان خارج است به ایشان تحمیل مکن . (۳۴۰)

## ۱۴. تغافل و مدارا؛

برای دست یابی به یک زندگی سالم و متعادل ، عفو و تغافل از بعضی گفته ها و رفتارها و نادیده انگاشتن بعضی از اشتباهات و بهره گیری از سعه صدر و بزرگ منشی ، از رموز اساسی تحکیم بنیان خانواده است . حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند:

انسان عاقل کسی است که نیمی از وجودش را تحمل ونیمی دیگر را تغافل تشکیل داده باشد. (۳۴۱)

---

۳۴۰- نهج البلاغه ، ماده ریحانه ، ص ۶۳۹.

۳۴۱- الکاشف ، ماده غفل ، ص ۳۱۷.



### ۱۵. عیب پوشی؛

از موشکافی عیوب و عیب جویی و به رخ کشیدن آن‌ها پرهیز شود. باید عیب پوشی، سرلوحه مناسبات قرار گیرد تا امنیت روحی و آرامش روانی، در کانون خانواده برقرار باشد.

### ۱۶. پرهیز از امر کردن؛

در ارتباط و گفتگوها از لحن آمرانه و تحکمی خودداری شود و نظرها درباره بهبود زندگی و برخورد مناسب با فرزندان یا دیگران به صورت پیشنهاد ارائه شود. هر کلمه از گفتار انسان، در بردارنده بار عاطفی و روانی است که می‌تواند تاءثیر منفی یا مثبت ایجاد کند. سعی شود از کلمات تواءم با احترام و محبت استفاده شود. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

خوی نیکو از همه آداب بهتر است. <sup>(۳۴۲)</sup>

### ۱۷. مهار خشونت؛

هنگام عصبانیت این گفتار مشهور علی (علیه السلام) مد نظر قرار گیرد: به هنگام خشم نه تنبیه، نه دستور، نه تصمیم.

### ۱۸. زندگی بر خوش بینی بنا شود؛

با این نگرش، سلامت و نشاط زندگی به اطرافیان اهدا می‌شود.

### ۱۹. خداپاوری و اخلاص؛

در تمام مراحل زندگی و در ارتباط خانوادگی، خداوند در نظر باشد و در گفتار و برخورد با همسر و سایر اعضای خانواده، نیت خالص شود.

---

۳۴۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۸.

ایمان و پرهیزگاری ، عامل مهمی در رعایت حقوق متقابل است .

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

بندگان خدا! پرهیزگاری ، قلعه ای بس استوار و مستحکم است و بدانید هر که از درون خود واعظ و زاجری نداشته باشد، عوامل بیرونی فایده ای نخواهد داشت . (۳۴۳)

## ۲۰. همسان انگاری ؛

نباید خود را برتر و بالاتر از همسر دانست . او شریک زندگی است . درجات تحصیلی ، موقعیت اجتماعی ، وضعیت سنی و امکانات مالی باید بر میزان فروتنی و خضوع بیفزاید. به خصوص زمانی که در پیشرفت های تحصیلی و موفقیت های مادی ، همسر هم نقش اساسی داشته است .

## ۲۱. مشارکت و مشورت در زندگی

نباید همه کارها را به تنهایی انجام داد، بلکه باید از همسر و فرزندان نیز کمک گرفت . باید به جنبه های مشترک فکری و روحی همسر توجه کرد و سعی نمود خصایص مثبت و سازنده هر دو به تدریج بیشتر شود. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

هر کس مشورت نکند، پشیمان خواهد شد. (۳۴۴)

هم چنین می فرمایند:

خودپسندی از بدترین امور است . (۳۴۵)

---

۳۴۳- الکاشف ، ماده وقی ، ص ۴۶۳.

۳۴۴- مستدرک الوسائل ، ج ۲ ، ص ۶۵.

۳۴۵- غرر الحکم ، فصل ۴۱ ، ش ۵۱.

۲۲. باید به اصل تفاوت های فردی معتقد بود.

انسان ها از نظر هوش ، استعداد، علایق و خصایص جسمانی و اخلاقی تفاوت هایی دارند. باید مکمل و متمم یکدیگر بود و در تکامل و رشد یکدیگر کمک کرد. باید همسر را فردی باارزش و برخوردار از کرامت انسانی دانست .

۲۳. پاسداری از حریم؛

باید حریم یکدیگر را مراعات و از جرو بحث خودداری کرده و مطالب بی جا را با سکوت و یا ارائه پیشنهاد مناسب ، به گفتگوهای سازنده ثمر بخش تبدیل کرد. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

هرکس زبان او خوش باشد برادران او بسیار می شوند. (۳۴۶)

توصیه های کاربردی به خانواده ها جهت کاهش مشکلات رفتاری فرزندان

والدین باید:

۱. نوجوانان و جوانان را از محبت سیراب کنند تا آنان به هر آشنا و بیگانه ای روی نیاورند، به سوی افراد فاسد و اماکن فساد کشیده نشوند؛ چرا که بسیاری از انحرافات به خاطر کمبود محبت ها است.
۲. خانواده را برای فرزندان ، محلی امن و پناهگاهی مستحکم سازند. به خصوص در حضور آنان به یکدیگر احترام بگذارند و از اشتباهات و خطاهای یکدیگر چشم ببوشند. به مشاجره نپردازند و عیوب یکدیگر را بازگو نکنند.
۳. به فرزندان خود احترام بگذارند و به آنان کمک کنند تا نواقص خود را رفع کنند.

---

۳۴۶- شرح غرر الحکم ، ش ۷۷۶۱.

نصایح و تذکرات خود را با استدلال و منطق و در خلوت با آنان در میان نهند. هرگز در حضور دیگران به خصوص هم سالان به پند و اندرز دادن نپردازند، در ضمن سخنی به آنان نگویند که خود بدان عمل نمی کنند.

۴. با فرزندان خود صحبت کرده و به سخنان آنان نیز گوش فرادهند. به آنان توجه کنند و زمینه ای را ایجاد کنند تا نوجوانان و جوانان حرف ها و رازهای خود را برایشان بازگو کنند. والدین را غمخوار و یار خیرخواه خود بدانند نه کسانی که با خشونت و تحمیل تصمیمات خود، با آنان رفتار می کنند.

۵. نوجوانان و جوانان خود را به خاطر ضعف هایی که دارند، تحقیر نکنند و آنان را با هم سن و سالان خود مقایسه نکرده و صفات نیکوی ایشان را به رخشان نکنند.

۶. بیش از حد توان و ظرفیت از فرزندان انتظار و توقع نداشته باشند و با درک دنیای آنان به هر مقدار که تلاش می کنند، از ایشان قدردانی کنند.

۷. به نوجوانان و جوانان بیاموزند که از مشکلات نباید گریخت، بلکه راه های مبارزه با مشکلات و راه حل آن ها را به فرزندان خود آموزش بدهند.

۸. فرزندان خود را در مضیقه شدید مالی قرار ندهند و آن ها را بدون کمک رها نکنند. در این دوره زندگی از آنان حمایت کنند و امکانات و آموزش لازم را برای کسب درآمد در اختیار آنان قرار دهند و در حد امکان ضمن تحصیل ایشان، حرفه ای نیز به آن ها بیاموزند.

۹. امکانات ازدواج را هر چه زودتر برای فرزندان فراهم کنند با به فساد چشم، دل و عمل مبتلا نگردند.

۱۰. روح مذهب و معنویت را در فرزندان تقویت کنند و ارزش های انسانی ، مذهبی و اخلاقی را با ایمان و اعتقاد به مبانی الهی به طور صحیح در آنان ایجاد کنند.

۱۱. به فرزندان خود مسئولیت های مختلف زندگی را واگذار کنند تا آن ها اهل تفکر و کار و سازندگی شوند.

۱۲. بدانند که جوان در صدد است راه مستقلی برای خود انتخاب کند. در نتیجه ، عاقلانه نیست که الگوهای بزرگسالی خود را بر او تحمیل کنند، بلکه باید متناسب با تفاوت های فردی ، او را در رشد کردن آزاد بگذارند. انتخاب الگوها، به جای آن که از خارج و بازور انجام پذیرد، بهتر است درونی آزادانه باشد.

۱۳. به فرزندان خود کمک کنند تا درباره دوست ، درست بیندیشند و باادب و نزاکت ، حالت عصبی و طغیان احساسات آن ها را فرو نشانند. اشتباهات ، بی تفاوتی ، سنگدلی و بی توجهی آنان را به دوستانشان گوشزد کرده و شوق بهتر شدن ، با لیاقت بودن ، پاکی و عفت در دوستی را در آن ها به وجود آورند. بدیهی است چنین نظارتی می تواند فرزندان را ازهم نشینی با دوستان ناباب برحذر دارد؛ زیرا در غیر این صورت :

صد هزاران دام و دانه ست ای خدا      ما چو مرغان حریصی بینوا  
دم به دم ما بسته دام نویم      هر یکی گر باز و سیمرغی شویم  
چشم باز و گوش باز و دام پیش      سوی دامی می پرد با پر خویش<sup>(۳۴۷)</sup>

### پرورش روحیه اجتماعی در فرزندان

در تأثیر اجتماع بر تربیت انسان جای هیچ گونه شک و شبهه ای نیست . انسان پس از این که سالیانی چند در کنار خانواده به سر می برد، به محیط اجتماعی گام می نهد. آداب و رسوم ، معاشرت و... را از اجتماع می آموزد. انسان زمانی که به اجتماع می پیوندد در صدد برآوردن نیازهای خود است . بعضی از نیازها منحصر در جامعه برآورده می شوند، نمونه آن نیازهایی است که هر نای (horney) آن ها را بر شمرده است :

الف) نیاز به مورد پسند دیگران واقع شدن ؛ ب) نیاز به پشتیبان ؛ ج) نیاز به بهره برداری از دیگران ؛ د) نیاز به تحسین و تمجید.

البته وی نیازهای دیگری را هم برمی شمارد که عبارتند از: ۱. نیاز به قدرت ؛ ۲. نیاز به حیثیت و آبرو؛ ۳. نیاز به احساس امنیت ؛ ۴. نیاز به کمال و انتقاد ناپذیری .<sup>(۳۴۸)</sup>

اجتماعی بودن ، خصیصه ای ذاتی است که در همه انسان ها وجود دارد. همه آدمیان ، حتی کسانی که روان گسیخته بوده و به ظاهر از اجتماع گریزان هستند، مایلند که در اجتماع باشند.

---

۳۴۷- مولوی .

۳۴۸- رک : هر نای نظریه های شخصیت ، ترجمه دکتر سیاسی ، ص ۱۲۹ به بعد.

البته اگر انسانی که به اجتماع می پیوندد به منظور برآورده کردن نیازهای خورد، خوراک ، پوشاک ، نوشاک و نظایر آن باشد، این گونه اجتماعی بودن ، حالتی یک سویه است و این تفکر، ناشی از یک حس خودخواهی و خودبینی است . این افراد، جامعه ای ساخته و پرداخته برای خود می خواهند و هیچ نقش سازنده ای را هم به عهده نمی گیرند. به راستی شخصی که برای استقلال کشور فکری نکرده و گامی برنداشته ، چگونه می تواند خود را صاحب خوی اجتماعی بداند؟ منظور از سازندگی اجتماعی آن است که انسان طوری ساخته شود که چه سودی (مادی یا مقامی) در بین باشد یا نباشد، همواره برای خدمت به اجتماع به اعتقاد ما دین عالی ترین و بهترین روش ها را داراست که می تواند اجتماع بشر را منظم ساخته و بیش از هر روش دیگر، مردم را به رعایت قوانین اجتماعی وادار نماید. امتیاز جامعه دینی در پرورش روح اجتماعی ، به واسطه خصوصیت های زیر است :

الف) فطرت خداجویی ؛ اگر فطرت انسان در اثر تکرار معاصی ، با تیرگی ها پوشیده نشده باشد، با خلوص و صفا به اجتماع می پیوندد، فطرت پاک ، به انسان الهام می کند که در مقابل افراد اجتماع ، وظایف و تکالیفی داراست که نمی تواند بی تفاوت از کنار آن ها بگذرد.

ب) اعتقاد توحیدی ؛ شخص دین دار، خداوند را ناظر و عالم به احوال خویش و حسابگر و مراقب و منتقم می بیند، لذا از انجام کارهای ضداجتماعی پرهیز می کند و در صدد ایفای نقش های سازنده اجتماعی برمی آید؛ زیرا خداوند به تعاون ، احسان ، وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر و... فرمان می دهد،

از سوی دیگر خداوند به خودداری از دروغ ، تعدی ، تجاوز، ظلم ، عداوت ، عدم پیروی از هوا، غیبت ، افترا، تمسخر و... دستور می فرماید. در نتیجه ، شخص خداشناس و خداپرست نه تنها در حال انضباط معتقدات خویشتن است و از عمل ضداجتماعی بیم دارد، بلکه ظریف تر از آن ، از انجام آن نیز احساس شرم می کند.

ج) اعتقاد به نبوت ؛ شخص دین دار به انبیای الهی عشق می ورزد و آن ها را اسوه می داند و مایل است تا دستورات آن ها را انجام داده و به نوعی شبیه سازی کند. از آن جا که انبیا در خدمت بشر بوده و از روحیه ایثار و تعاون بسیار بالایی برخوردار بوده اند، لذا شخص با اعتقاد نیز، سعی می کند که چون آن ها رفتار نموده و ارتباط حسنه و دوستانه ای با افراد اجتماع پیدا کند. در نتیجه ، محبت به انبیا، اولیا و اهل بیت علیهم السلام تبدیل به عامل وحدت بخش می شود.

د) وجود ضابطه حل اختلاف ؛ انسان در مقابل مقررات آزاد نیست و نمی تواند از خود قانونی مباین با قوانین الهی پدید آورد. ظوابط قانونی که مطابقت با احکام الهی دارند. متناسب با خلقت و فطرت انسان و عادلانه است و پذیرش آن ها برای انسان سلیم و مؤمن دلپذیر است . در این صورت وقتی اختلافی پیدا می کنند و به حکم خداوند آگاه می شوند، زودتر حل اختلاف کرده و به تفاهم می رسند.

ه) نرم خوئی در اعمال روش ؛ هر توصیفی که از خلق و خو و رفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار علیهم السلام می شود، خود سفارشی است که همه مؤمنان رفتار خود را مشابه آنان نموده و



در روابط اجتماعی چون آن‌ها رفتار کنند. رفتاری توأم با ملاحظت و راءفت با زیردستان ، چشم پوشی از لغزش‌ها، مشورت با مردم ، مسئولیت پذیری ، توکل در انجام کارها، احسان ، تعاون و... .

در خاتمه باید گفت که هر کدام از واجبات ، علاوه بر آن که دارای آثار نفسانی و فردی زیادی است آثاری در تربیت روحیه اجتماعی دارند؛ مثلاً درباره نماز توصیه شده که به جماعت و حتی الامکان در مساجد به جا آورده شود؛ زیرا نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد و در نتیجه ، در تحکیم مبانی اجتماعی نیز اثرگذار است . روزه ، صفت صبر و برد باری را پرورش می‌دهد و انسان صبور روابط بهتری با دیگران برقرار می‌کند. علاوه بر این که پرداخت فطریه در پایان ماه رمضان عملی انسانی و اجتماعی است . خمس و زکات هر کدام روشی برای تعدیل ثروت و توزیع امکانات مالی میان اقشار کم درآمد و موجب برکت اموال است . رعایت آن‌ها برای هم بستگی اجتماعی بسیار مفید است . حج اجتماع عظیمی از مسلمانان جهان و بهترین فرصت برای هماهنگی میان قبایل ، ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است . حج علاوه بر بعد عبادی دارای ارزش‌های اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی است . جهاد و دفاع ، مسئله نظامی است و دفاع ، ضامن حفاظت از حدود و حرم الهی و نگهدارنده مرزهای کشورهای اسلامی و مایوس کردن طمع کاران از دست اندازی به سرزمین مسلمانان است . پرورش روحیه دفاع و رزم جویی از با ارزش‌ترین عبادات نیز محسوب می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر، مؤثرترین روشی است که می توان برای آموزش اطلاعات دینی، اجتماعی و پرورش روحیه اجتماعی به حساب آورد.

### تأثیر عوامل محیطی بر انسان<sup>(۳۴۹)</sup>

#### ۱. دوستان و هم سالان

دوستان و هم سالان، از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر تربیت فرزندان به حساب می آیند. فرزندان به خصوص در دوران نوجوانی و جوانی، گرایش زیادی به دوستان دارند فرصت زیادی را به هم نشینی با آنان اختصاص می دهند و همین هم نشینی و رفاقت زمینه تأثیر پذیری آنان را فراهم می سازد. امام علی (علیه السلام) توجه ویژه ای به نقش تربیتی دوستان دارند و فرزندان خود را به رفاقت با دوستان صالح توصیه می کنند و خطاب به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می فرمایند:

قبل از پرسش از راه و مسیر (در مسافرت) از (اخلاق و خصوصیات) رفیق و همراهت پرسش نما.<sup>(۳۵۰)</sup> هم چنین در توصیه به محمد حنیفه می فرمایند:

فرزندم! از بهترین بهره های انسان، دوست و هم نشینی صالح است. با نیکوکاران هم نشین شو تا از آنان باشی و از بدکاران و اهل شر و کسانی که به واسطه کارهای باطل و سخنان مهیج و ساختگی، تو را از یاد خدا و مرگ بازمی دارند، دوری کن تا از آنان نباشی.<sup>(۳۵۱)</sup>

---

۳۴۹- در تهیه مطالب این بخش از مقاله جناب آقای علی همت بناری در مجله فرهنگ کوثر، ش ۳۷ استفاده شده است.

۳۵۰- صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۹.

۳۵۱- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، حکمت ۳۸، ص ۳۶۹.

حضرت پس از معرفی نمونه هایی از دوستان ناصالح در موعظه ای به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می فرمایند:

فرزندم! از دوستی نادان پرهیز؛ زیرا او آنچه را سخت بدان نیازمندی از تو دریغ دارد و از دوستی تبهکار پرهیز که به اندک بهایی تو را بفروشد و از دوستی دروغگو پرهیز که او به سرابی ماند که دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می نمایاند. (۳۵۲)

البته والدین نقش مؤثری در دوست یابی فرزندان دارند و می توانند به طور غیر مستقیم به فرزندان کمک کنند. امام علی (علیه السلام) با دیدگاهی ظریف به این مسئله توجه داده و می فرمایند که والدین با افراد صالح و شایسته که فرزندان صالحی دارند رابطه دوستی و هم نشینی پیدا کنند تا در پرتو ارتباط والدین فرزندان نیز با هم دوست و هم نشین گردند. ایشان فرموده اند موده الآباء قرابه بین الاءبناء؛ (۳۵۳)

دوستی پدران، سبب نزدیکی فرزندان به هم می گردد.

## ۲. انجمن ها و گروه ها

انجمن ها و گروه ها و تشکل ها نیز از عوامل محیطی مؤثر بر تربیت فرزندان هستند. فرزندان آن گاه که به گروه و تشکلی احساس تعلق پیدا کنند، در مجالس و محافل آنان شرکت کرده و تحت تاءثیر ویژگی ها و رفتارهای آن ها قرار می گیرند. اگر آن گروه استنادی یا مرجع، دارای ویژگی های مثبت و سازنده باشد،

---

۳۵۲- همان، حکمت ۳۰۸.

۳۵۳- خوانساری، شرح غرر الحکم و دررالکلم، ج ۶، ص ۱۳۲.

بر فرزندان تاءثیر مثبت می گذارد و الا باعث انحراف نوجوانان و جوانان خواهد شد. امام علی (علیه السلام) در وصیت به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید:

قارن اهل الخیر تکن منهم ، و باین اهل الشر تبین عنهم ؛<sup>(۳۵۴)</sup>  
با گروه خوبان و نیکوکاران هم نشین شو تا از آنان باشی و از گروه بدان و شرور دور باش تا از آنان نباشی .

حضرت علی (علیه السلام) در حدیث دیگر به عنوان یک پدر دلسوز و مراقب فرزندش را حضور در مجالس و محافل نامطمئن و جاهایی که انسان در مظان اتهام قرار می گیرد، بر حذر داشته و در وصیت به امام حسن (علیه السلام) می فرماید:

ایاک و مواطن التهمه و المجلس المظنون به السوء؛ لائن قرین السوء یغیر  
جلیسه ؛<sup>(۳۵۵)</sup>

از حضور در محل های تهمت زا و مجلسی که گمان بدی در آن می رود،  
پرهیز؛ چون هم نشین بد، هم نشین خود را دگرگون می سازد.

### ۳. علما و دانشمندان

از دیگر عوامل تاءثیر گذار بر تربیت انسان ، هم نشینی با علما و دانشمندان است . آنان به خاطر برخورداری از فضایل علمی و عملی ، تاءثیر شگرفی در دیگران به خصوص شاگردان خود دارند. اگر عالمی وارسته و دنیاگریز باشد، ارتباط با وی در تهذیب نفس و الگوپذیری اخلاقی بسیار مؤثر است .

---

۳۵۴- امالی مفید، به نقل از: وصایاء الرسول و الاتمه علیهم السلام ، ص ۱۶۴.

۳۵۵- حرانی ، تحف العقول ، ص ۵۰۸۹.

امیرمؤمنان (علیه السلام) در وصیت به فرزندش فرموده اند:

من خالط العلماء وقر، ومن خالط الاءنذال حقر؛ <sup>(۳۵۶)</sup>

کسی که با علما و دانشمندان رفت و آمد داشته باشد، از آنان کسب بزرگی کند و کسی که با افراد پست ارتباط داشته باشد پست و تحقیر گردد.

#### ۴. همسایگان

همسایگان نیز یکی از عوامل تاءثیر گذار محیطی اند. آن ها به دلیل ارتباط زیادی که به طور طبیعی وجود دارد در یکدیگر تاءثیر می گذارند. در این میان، تاءثیر فرزندان بر یکدیگر و ارتباط آن ها با هم، به خصوص اگر هم سال و هم جنس باشند چشم گیرتر است. در سیره تربیتی امام علی (علیه السلام) این عامل مهم، مورد توجه قرار گرفته و توصیه شده که انسان قبل از انتخاب محل زندگی از همسایگان و وضعیت اخلاقی آنان تحقیق کند. حضرت علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) فرمودند:

سل عن الرفیق قبل الطریق، وعن الجار قبل الدار؛ <sup>(۳۵۷)</sup>

فرزندم! قبل از مسافرت از وضعیت رفیق و هم سفرت سؤ ال کن و قبل از انتخاب خانه درباره همسایه (وضعیت اخلاقی آنان) پرسش نما!

---

۳۵۶- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳۵۷- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۳۱، ص ۹۳۸.

توصیه های کاربردی به متولیان امور اجتماعی جهت کاهش مشکلات

## رفتاری

۱. کمک به برنامه ریزی صحیح برای اوقات فراغت و تقسیم بندی اوقات فراغت جهت درس ، تفریح و سرگرمی ، ورزش و هنر، مطالعه کتاب های مفید، مباحثه با اشخاص مطلع و صالح ، شرکت در اجتماعات مذهبی ، ترتیب دادن گردش های علمی ، نوشتن خاطرات روزانه ، رفتن به پارک ها و تماشای تلویزیون ، به طوری که باعث خستگی زیاد جسمی و فکری نشده و از اعتدال خارج نشود. در همه این موارد فرد، انتخاب گر باشد و هیچ گونه اجباری در میان نباشد.

۲. دست اندرکاران و برنامه ریزان باید هدف های مناسب سیاسی ، اجتماعی برای نوجوانان و جوانان مطرح و تعیین کنند تا آنان به راکد ماندن ، سکون ، پوسیدن و از بین رفتن نیندیشند، بلکه به حرکت ، جریان داشتن ، فراتر رفتن از مرزهای خویشتن و زندگی روز مره فکر کنند. هدف هایی را برای آنان مشخص کنند که نوجوانان و جوانان احساس کنند سرنوشت جامعه به دست آن ها است و آنان در سازندگی جامعه و حتی جهان نقش دارند. به صورتی که این رسالت و مسئولیت را بپذیرند و این مهم ، امکان پذیر نیست ، مگر این که آن ها را به سلاح علم ، کمال ، ایمان ، اخلاق ، اخلاص و ایثار مجهز کرده و روحیه آزادگی و حق طلبی را در آن ها تقویت کنند. مسئولان باید از هدر رفتن این همه هیجان و انرژی نسل جوان جلوگیری کرده و آن را در کانال های صحیح سازندگی ، شکل و جهت دهند . با توجه به این که نوجوانان و جوانان یک دنیا شور و هیجان بوده و سکون و سکوت را دوست ندارند، اگر برنامه ریزی نباشد،

به وضع موجود راضی نشده و مشکلات عدیده ای را به وجود می آورند که کنترل آن ها بسیار مشکل خواهد بود.

۳. الگوهایی که در جامعه ، به نسل جوان و نوجوان ارائه می شود، بسیار اهمیت دارد و به خصوص صدا و سیما، نقش بسیار مهمی در چگونگی ارائه دادن این الگوها دارد تا از یک هم سویی و هماهنگی برخوردار باشد و گرنه جوانان خود الگوهای ارائه شده از غیر را انتخاب می کنند.

۴. برچیدن مظاهر و مراکز فساد و از دسترس خارج کردن مواد مخدر، مجلات و فیلم های مبتذل و هر آنچه نوجوان را به طریق غیر صحیح سرگرم کرده و او را به انحراف می کشد، اهمیت دارد. پرکردن این خلاء با ایجاد تفریحگاه های مناسب ، کتابخانه ها، باشگاه های ورزشی ، نمایشگاه های علمی و هنری ، برقراری مسافرت های علمی ، تحقیقی ، تفریحی و ایجاد انجمن های فرهنگی ، اجتماعی ، ورزشی و هیأت های مذهبی و... ضروری است . مسئولان باید نگران جوانانی باشند که خودشان را از فعالیت های جامعه کنار کشیده و بی تفاوت شده اند؛ زیرا بی تفاوتی منشاء انحراف است .

۵. ایجاد مراکز مشاوره در همه نقاط کشور و استفاده از افراد مسئول ، متعهد، تحصیل کرده ، خوش فکر و صالح ، برای پاسخ گویی به چون و چراهای آنان و بحث و گفتگو درباره سؤالات و مسائل سیاسی ، اجتماعی ، مذهبی ، اقتصادی ، فردی و خانوادگی ، یکی از مهم ترین اقداماتی است که مسئولان برای جلوگیری از انحرافات ، کاهش مشکلات و شکوفایی استعدادهای بالقوه این نسل باید انجام دهند.

به جوانان و نوجوانان باید کمک کرد با بهتر خود، محیط، عقاید و امکانات خود را بشناسند. باید چگونگی سازگاری مطلوب با محیط و اطرافیان را به آنان آموخت. جوانان و نوجوانان نیز باید حقایق دینی را مورد مطالعه قرار داده و درباره آن ها با شخص مطلع و مورد اعتمادی به بحث و گفتگو بپردازند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

هرکس با عقلا مشورت کند، به راه راست هدایت می شود. (۳۵۸)

۶. ایجاد اشتغال، بسیار مهم است؛ زیرا هر قدر بیکاری بیشتر باشد، ترس و اضطراب آن ها افزایش پیدا می کند. باید سعی کرد آنان را به وظیفه و فعالیتی معین هدایت کرد. در غیر این صورت، او خود را در عرصه اقتصادی عنصری نالایق و ناتوان خواهد یافت و دچار یأس و ناامیدی خواهد شد. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

من قصر فی العمل ابتلی بالهم؛ (۳۵۹)

آن که از کار و تلاش کوتاهی ورزد، به اندوه و غم دچار می آید.

۷. در راه ایجاد بینش درست عقیدتی باید اعتقاد به مبانی دینی، جهان بینی توحیدی، خودشناسی، نبوت، معاد، امامت، رهبری و عدالت را بر اساس تفکر و برهان عقلی و بینش مذهبی در آن ها به وجود آورد و نیز کتب مناسبی را که جوابگوی سؤالات منطقی و استدلالی و اشکالات نوجوانان و جوانان باشد، به آنان معرفی کرد؛ زیرا آن ها در این زمینه ها تشنه اطلاعاتند. طرز ارائه مسائل مذهبی به نوجوانان و جوانان بسیار بااهمیت است.

---

۳۵۸- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۵.

۳۵۹- نهج البلاغه، صبحی صالح، کلمات قصار، ش ۱۲۷.



این موضوعات باید طوری طرح شود که آن‌ها احساس کنند که امور مذهبی، در زندگی روزمره، قابل اجرا هستند. تنها موعظه کردن از طریق والدین، مربیان و علمای دین، در خانه، مدرسه و مسجد کافی نیست، بلکه باید مسائل دینی را با تجربه و علمی توأم کرد تا به آسانی از فکر نوجوان خارج نشود. تفکر مذهبی، تقوا، فضیلت، شجاعت، پرهیزگاری، ایمان، اخلاق، دفاع از محرومان و... را باید از طریق الگوهای درست به آنان آموخت. باید علم و دین را با هم به نوجوانان آموزش داد و تذکر این امر برای آن‌ها لازم است که این دو از یکدیگر جدا نبوده و علاوه بر آن که باهم هماهنگند، مطالب دینی، عقلی و علمی هم هستند. باید طوری آن‌ها را پرورش داد که به تکیه گاه متین الهی، متمسک شده و در مشکلات زندگی خود را نبازند و دچار شکست و تزلزل نشوند. پذیرش این غایت، به آن‌ها چنان قدرت و قوت روحی می‌دهد که در برابر مشکلات بایستند و مقاومت کنند. کسانی که درباره دین، با نوجوانان صحبت می‌کنند، باید الگوی واقعی دین باشند و به آنچه که می‌گویند عمل کنند. ایمان و اعتقاد قوی به مذهب داشته و از نظر اخلاقی، الگوی اخلاص باشند. با اخلاص، مهربان، انسان دوست، صاحب سعه صدر و وسعت نظر بوده و با حوصله، صبور و باتدبیر باشند در عین حال ظاهری آراسته و تمیز نیز داشته باشند.

بردن نوجوانان و جوانان به مجالس مذهبی که مطالب مطرح شده در آن مجالس، در خور سن و سال، فهم و دانش آن‌ها باشد و هم چنین دیدار افراد سلیم النفس، پاک دل، مؤمن، متقی و عالم باعث می‌شود که روح دینی و فطرت مذهبی آن‌ها پرورش یابد.

در مواقع دعا، دلیل علمی و روانی و هم چنین آثار این درخواست ها و توسلات برای آنان بیان شود؛ که دعا عامل سکون و بی تحرکی و ایستادن نیست ، بلکه عامل حرکت و جهش و امید بخش و سازنده است . روح و روان انسان را صفا و جلا می دهد و او را به نیکی و سلامت رهنمون می سازد. برقراری درست ارتباط سازنده آن ها با خود، خدا، دیگران ، جهان هستی و کشف حقایق ناشی از آن برقراری این ارتباط یکی از وظایف سنگین متولیان امر تربیت است .

### توصیه های تربیتی و کاربردی امام علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) در نامه سی و یکم نهج البلاغه ، الگوی تربیت و خط مشی پرورش یافته انسان را ترسیم کرده اند تا اولیا، مربیان و نسل جوان در طول تاریخ از آن الهام گرفته و براساس آن زندگی خود را پایه گذاری کنند. به عنوان حسن ختام فرازهایی از این نامه نورانی را انتخاب و تقدیم می کنیم تا در مسیر رشد، تعالی و کمال ، سرمایه سعادت‌مان باشد و آموزه های آن را در کلاس زندگی به کار بندیم .

۱. فرزندم ! تو را به پاسداری از مرزهای الهی و خدمت و اطاعت او، سفارش می کنم و بدان که نیرو و دستاویزی بالاتر و برتر از دستاویز الهی نیست . در همه حال به آستان مقدسش پناهنده شو که پناهگاهی امن است .
۲. دلت را با روح اندرز، زندگی بخش و انگیزه های ناروا و هوا و هوس را از سرزمین وجودت با نیروی زهد و تقوا بیرون کن و بدان که اقامتگاه اصلی و دایمی ات آخرت است ، پس هرگز آخرتت را به دنیا مفروش .

۳. از آنچه نمی دانی و تکلیف نداری ، سخن مگوی و در راهی که در آن بیم گمراهی است وارد مشو! زیرا باز ایستادن به گاه سرگشتگی بهتر از راندن بر مرکب خطرها است .
۴. مردم را به نیکی فراخوان و با زشتی ها و بدی ها با دست و زبان ستیزه کن ! در راه خدا و احیای ارزش های الهی به پا خیز و در این راه از ملامت هیچ سرزنشگری مهراس .
۵. جان خویش را به زیور صبر بیارای و بدان که تحمل صبر، در راه حق ، بسیار دلنشین و زیبا است .
۶. بدان که دل نوجوان ، مانند زمینی آماده ، پذیرای هر بذری است ، پس بکوش تا بذر عشق و ایمان در آن بکاری و گرنه سرزمین وجودش ، در محاصره نااهلان قرار می گیرد.
۷. کردار و رفتار پیشینیان را به دقت زیر نظر گیر و در سرگذشت آنان تامل کن با این کار زندگی ات تا امتداد تاریخ ادامه می یابد. امور دنیا و زیست بر محور تکرار تاریخ است ، پس گذشته را چراغ راه آینده قرار بده .
۸. دست توسل و نیازت را به آستان بی نیاز برآور و از هر گمانی که تو را به شبهه در اندازد و یا به دست گمراهی ات سپارد، واگذار و با تاریکی و کژی دمساز مشو!
۹. هیچ گاه بر خود غره مشو و همواره به آفریدگار روزی بخش روی آور و بر دامنش چنگ بزن و بندگی و خاکساری ت را به اثبات برسان ؛ زیرا مادر دریای عظمت حضرت حق ، پر گاهی بیش نیستیم .

۱۰. اگر در تفکر دینی ، به مشکلی برخوردی ، بدان که تو به آن دست نیافته ای نه این که راهی برای دست یابی به آن وجود ندارد.

۱۱. آنان که به زندگی دنیوی واقع بینانه نگریستند و از ظواهر فریبای آن گذشتند، چون مسافرانی هستند که از سرزمین سخت و قحطی زده ، آهنگ سفر به سرزمینی پرمنفعت و حاصل خیز کرده و رهسپار منطقه ای پر آب و گیاه گردیدند.

۱۲. فرزندم! در روابط اجتماعی و حقوق متقابل ، خویشتن خویش را معیار سنجش قرار ده و بادیدگران چنان باش که انتظار داری با تو باشند و هر آنچه برای خود می پسندی ، برای دیگران نیز بیسند نیکی کن همان گونه که دوست داری به تو نیکی کنند!

۱۳. از دست رنجت به دیگران بیخش و گنجور و مالدار دیگران مباش . بدان که راهی دراز در پیش روی داری و از دو چیز بی نیاز نیستی : نخست جستجوی بهترین و نزدیک ترین راه و دیگر ره توشه ای سبک سار که زمین گیرت نسازد.

۱۴. برگ عیشی از پیش فرست تا بهترین اقامتگاه را برایت مهیا کند. این پیشرو همان خشنودی الهی است که اگر در این دنیا فراهم نسازی ، دیگر مجال و فرصتی نخواهد بود، پس پیشاپیش توشه خود برگیر و بار خود ببند و قبل از سفر، همسفرت را پیدا کن و پیش از تهیه خانه ، همسایه ات را بشناس !

۱۵. خداوند دل برکندن از گناه را عمل نیک شمرد و به گناه حساب ، گناهت را یک و عمل نیکت را ده

نوشته است . هرگاه از سوز دل فریاد کنی ، بی هیچ کاستی می شنود و درهای رحمتش به سوی همگان باز است . پس به هوش باش و بترس از این که مرگ در حال گناه و زشتی در رسد و تو خود فریبانه ، وعده توبه را زمزمه کنی .

۱۶. دیده بگشا و بیرهیز که مثل دنیا پرستان ، بر سر تصاحب مال فریفته شوی و به فکر پستی بیفتی ! دنیا پرستان جز هیاهو و جراحی به روح لطیفت طرفی نمی بندند. آنان در برهوت آشفتهگی سرگشته اند و پرخوری و شهوت پرستی ، آن ها را از فردای حساب غافل ساخته است .

۱۷. بدان که هرگز بر قله بلند، آرزوهایت دست نخواهی یافت و از اجل محتوم گریزی نیست . پس هیچ گاه خود را به آب و آتش مزن و در کار و زندگی ، لطف و مدارا را پیشه ساز! از تکیه بر آرزوها بیرهیز که دستمایه احمقان است !

۱۸. شخصیت خود را از هر پستی و پلیدی پاس دار؛ چه بهای شخصیت مال و مقام نیست . بنده دیگران مباش که خدا آزاده ات آفریده است .

۱۹. تنها ولی نعمت خدا است ، پس درگرفتن نعمت ، میانجی مطلب ، که در هر حال ، بهره ات را در یافت خواهی کرد و از هجوم لشکرله از بترس که تو را به سختی بر زمین می کوبد.

۲۰. نگهداری آنچه در اختیار داری ، محبوب تر است از خواهش آنچه در دست دیگران می بینی . پس به آنچه داری قانع باش ! آنچه دفتر تقدیر بر تو رقم زده است ، به زودی دریافت خواهی کرد.

۲۱. فرزندم !بدان هر که پرگوید، بیهوده گوید و آن کس که به تفکر نشیند، صاحب بصیرت و بینش خواهد شد.
۲۲. همواره با خوبان و خیراندیشان هم نشین شو تا از آنان شوی و از بدان و بدکاران بپرهیز تا از شمار آنان نباشی .
۲۳. فوران خشم را به یک باره فرو بر که شیرین تر و نیکفرجام تر از آن نیافتم .
۲۴. به هنگام سخت گیری دوستان ، مدارا کن و پذیرای پوزششان باش ؛ اما در همه جا چنین مباش و در برابر ناهلان کرنش مکن .
۲۵. اگر خواستی با برادرت قطع رابطه کنی ، راهی برای آشتی بگذار تا اگر روزی خواست از آن راه بازگردد، امکان بازگشت باشد.
۲۶. بردشمنت جوانمردی و کرامت کن ، که شیرین ترین پیروزی است .
۲۷. با کسی که درشتی می کند نرمخوبی کن ، باشد که از سرکشی فرود آید و آرام شود.
۲۸. بدان که پاداش کسی که تو را شاد می کند، آن نیست که ناشادش کنی .
۲۹. زنانان را در صدف حجاب ببوشانید تا از چشم زخم بوالهوسان در امان باشند، پرسه زدن زن در کوچه و بازار، بسان فراخوانی ناهلان به حریم امن زندگی است .
۳۰. دودمان خویش را بزرگ دار که آنان بال پرواز، دژ پناه بخش و دست کام بخش تو هستند.

دین و دنیای تو را به خدا می سپارم و از او خواستارم که بهترین سرنوشت را برای امروز و فردا و دنیا و آخرت رقم زند. (۳۶۰)

### سخن آخر

از آنچه گذشت ، دریافتیم که امام علی (علیه السلام) یک نظام جامع تربیتی ارائه کرده است ؛ زیرا در دیدگاه تربیتی علی (علیه السلام) هم از اهمیت و ضرورت تربیت و هم از ویژگی ها، اهداف و اصول سخن به میان آمده و هم از شیوه های مؤثر در به کارگیری اصول و مبانی تربیت که در مجموع حکایت از جامعیت نظام تربیتی آن حضرت دارد. از منظر ایشان ، خانواده نقش کلیدی و اساسی در تربیت دارد و این بدان دلیل است که اولاً، در تاءثیر عامل وراثتی و دیگر عوامل محیطی نقش اساسی دارد. ثانیاً، تا پیش از بلوغ ، در مجموع بیشترین بخش عمر فرزندان در کانون خانواده و تحت نظارت آنان سپری می شود و ثالثاً، نقش الگویی والدین ، به ویژه در تربیت اخلاقی ، بسیار چشمگیر است . از طرفی ، خانواده خود از عوامل تاءثیر گذار محیطی در تربیت فرزندان است که می تواند از راه ارتباطات اجتماعی ، زمینه دوست یابی شایسته را برای فرزندان فراهم آورد.

هم چنین نقش پدر در زمینه سازی عوامل محیطی برجسته تر از دیگر اعضای خانواده است . پس از خانواده ، گروه دوستان و هم سالان ، بیش از دیگر عوامل مورد توجه حضرت قرار گرفته است ؛ چون تاءثیرهای مستقیم دوستان بر همدیگر، انکارناپذیر است .

---

۳۶۰- سید جمال دین پرور، فرزندم چنین باش (با تلخیص و تصرف).

علاوه بر گروه هم سالان ، نقش همسایگان ، انجمن ها، احزاب و علما نیز از دیدگاه امام علی (علیه السلام) حائز اهمیت است . در دیدگاه تربیتی حضرت ، به نکاتی برمی خوریم که نشان از پیش تازی ایشان در طرح نظریاتی است که در دنیای امروز صاحب نظران تعلیم و تربیت به خصوص متفکران غربی داعیه ابتکار دارند؛ مثلا بحث تاءثیر وراثت و محیط و مراحل تربیت و رشد کودک و شخصیت شناسی به نحو شایسته ای مورد توجه حضرت قرار گرفته است که امروزه تحت عنوان روان شناسی رشد و شخصیت از آن یاد می شود. بعدها نیز این سیره تربیتی توسط فرزندان معصوم آن حضرت پی جویی شد. در این زمینه واپسین کلام را فرمایش امام سجاد (علیه السلام) قرار می دهیم که در دامان پدر، مادر و نیاکانی والا پرورش یافت . ایشان می فرمایند:

و اما ولدک فتعلم اءنه منک و مضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیره و شره ، و اءنک مسؤؤل عما و لیته من حسن الاءدب ، والدلاه علی ربه عزوجل ، و المعونه له علی طاعته ، فاعمل فی اءمره عمل من یعلم اءنه مثاب علی الاحسان الیه ، معاقب علی الاءساءه الیه ؛ <sup>(۳۶۱)</sup>

اما حق فرزندت این است که بدانی او را از تو و در زندگی دنیا خیر و شر او وابسته به تو است و تو در سرپرستی او مسئول حسن تربیت و راهنمایی اش به سوی خدای عزوجل و کمک او بر طاعت و فرمان برداری خدا هستی ، پس در مورد او چنان عمل کن که خود را در مقابل نیکی به او ماءجور و در مقابل بدی به او معذب و معاقب بدانی .

---

۳۶۱- تحف العقول ، ابن شعبه الحرانی ، ص ۲۶۳، پند ۲۳.



بر اساس دو طرفه بودن حق و وظیفه ، هم چنان که پدر، برگردن فرزند حقوقی دارد، فرزند نیز بر عهده پدر حقوقی دارد. خدای بزرگ اگر برای فرزندان در قبال والدین مسئولیتی قرار داده است ، پدر و مادر را نیز بدون تعهد نگذاشته است .غنچه نوشکفته ای به نام کودک و به عنوان نعمتی شیرین در اختیار والدین گذاشته شده که نیاز به محبت ، هدایت و تعلیم و تربیت دارد. آنان که در مقابل حوادث و بلاها، جسم فرزند خود را محافظت کرده و در تئامین خوراک ، پوشاک و آسایش جسمی میوه های دل خویش کوشش فراوان می کنند، نباید از روح ، روان ، قلب و اندیشه او غفلت کنند. فراهم کردن امکانات تربیتی و آموزشی ، مجهز ساختن فرزند به آگاهی های لازم برای ورود به صحنه اجتماع از وظایف حتمی والدین است ؛ زیرا مرگ معنوی و اخلاقی به مراتب از نابودی جسمی زیان بخش تر است . در راه پرورش سازنده ، محبت ، اکسیری است که داروی هر دردی است . مولوی درباره نقش حساس محبت ، این چنین سروده است :

## از محبت خارها گل می شود

از محبت تلخ ها شیرین شود  
وز محبت مس ها زرین شود  
از محبت دردها صافی شود  
وز محبت دردها شافی شود  
از محبت خارها گل می شود  
وز محبت سرکه ها مل می شود  
از محبت نار نوری می شود  
وز محبت دیو حوری می شود  
از محبت سنگ روغن می شود  
بی محبت موم آهن می شود  
از محبت حزن شادی می شود  
از محبت نیش نوشی می شود  
وز محبت شیر موشی می شود  
از محبت مرده زنده می شود  
وز محبت شاه بنده می شود  
این محبت هم نتیجه دانش است  
کی گزافه بر چنین تختی نشست

خدایا! ما را در تربیت فرزندانمان یاری فرما.

آمین یارب العالمین

## منابع و مأخذ

۱. آنچه والدین و مربیان باید بدانند، رضا فرهادیان، انتشارات رؤف .
۲. اخلاق و تربیت اسلامی، محمد حسن آموزگار، ج ۱، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، پاییز ۱۳۷۵ ش .
۳. اسلام و تعلیم و تربیت، ابراهیم امینی، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۳ ش .
۴. اصول و روش های تربیت در اسلام، دکتر سید احمد احمدی، بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش .
۵. با فرزند خود چگونه رفتار کنیم، دکتر محمدرضا شرفی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۱ ش .
۶. بحار الاءنوار الجامعه لعلوم الاءئمه الاطهار، محمداقبر مجلسی (ت ۱۱۱۰ ق) الطبعه الثانيه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق .
۷. تحف العقول، ابن شعبه الحرانی، تصحیح علی اکبر الغفاری، مؤسسه النشر اسلامی .
۸. تحف العقول عن آل الرسول، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی، مکتبه بصیرتی، قم ۱۳۹۴ ق .
۹. تربیت و مقاوم سازی نسل، علی قائمی، انتشارات تربیت، چاپ اول .
۱۰. ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد (علیه السلام)، محمد سپهری، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش .
۱۱. تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، چاپ بیستم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ ش .

۱۲. تفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری ، الطبعه الاولی ، تحقیق و نشر مدرسه الامام المهدي ، قم ۱۴۰۹ ق .
۱۳. تفسیر سوره حمد، امام روح الله خمینی ، دفتر انتشارات اسلامی ، قم .
۱۴. التوحید، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی ، تحقیق سید هاشم الحسینی الطهرانی ، مؤسسه النشر الاسلامی .
۱۵. جامع السعادات ، محمد مهدی بن ابی ذر النراقی ، تحقیق السید محمد کلانتر، الطبعه الثانيه ، منشورات جامعه النجف الدينيه ، ۱۳۸۳ ق .
۱۶. چهل حدیث ، امام روح الله خمینی ، چاپ ششم ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ۱۳۷۴ ش .
۱۷. الحیاه ، محمدرضا حکیمی ، محمد حکیمی ، علی حکیمی ، ترجمه احمد آرام ، چاپ اول ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۷ ش .
۱۸. درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان ، دکتر عین الله خادمی ، اداره کل آموزش و پرورش ، تابستان ۱۳۷۹ .
۱۹. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، عباس بن محمدرضا القمی ، مؤسسه انتشارات فراهانی .
۲۰. شرح غرر الحکم و دررالکلم ، جمال الدین محمد خوانساری ، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی ، چاپ سوم ، دانشگاه تهران ، ۱۳۶۰ ش .
۲۱. شرح نهج البلاغه ، عزالدین عبدالحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید المعتزلی ، به تحقیق محمدابولفضل ابراهیم ، الطبعه الاولی ، دار احیاء الکتب العربیه ، مصر، ۱۳۷۸ ق .

۲۲. شرح نهج البلاغه ، كمال الدين ميثم بن علي بن ميثم البحراني ، دفتر تبليغات اسلامي قم ، ۱۳۶۲ ش .
۲۳. الشفاء بتعريف حقوق المصطفى ، ابوالفضل عياض بن موسى بن عياض ، تحقيق علي محمد البجاوي ، دارالكتب العربي ، بيروت .
۲۴. غرر الحكم و دررالکلم ، عبدالواحد التميمي الآمدي ، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات ، بيروت ، ۱۴۰۷ ق .
۲۵. فرزندان چنين باش ، سيد جمال دين پرور، بنياد نهج البلاغه ، چاپ پنجم ، ۱۳۷۹ ش .
۲۶. فرهنگ فارسي ، محمد معين ، چاپ چهارم ، انتشارات امير كبير ، ۱۳۶۰ ش .
۲۷. فرهنگ كوثر، آستانه مقدسه حضرت معصومه عليهاالسلام ، مقالات امام علي (عليه السلام) و تربيت فرزند، علي همت بناري ، شماره هاي ۳۴ تا ۳۷ ، سال ۱۳۷۸ .
۲۸. الكاشف ، سيد جواد مصطفوي ، دارالكتب الاسلاميه .
۲۹. الكافي ، ابو جعفر محمد بن يعقوب الكليني ، صححه و علق عليه علي اكبر الغفاري ، دارالكتب الاسلاميه ، تهران ، ۱۳۸۸ ق .
۳۰. لسان العرب ، جمال الدين محمد بن مكرم ابن منظور، علق عليه و وضع فهرسه علي شيري ، الطبعة الاولى ، التراث العربي ، بيروت ، ۱۴۰۸ ق .
۳۱. لغتنامه دهخدا، علي اكبر دهخدا، چاپ اول ، سازمان لغتنامه دهخدا، ۱۳۵۲ ش .

۳۲. ماه مهر پرور، استاد مصطفی دلشاد، خانه اندیشه جوان، تهران، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۸ ش.
۳۳. مسایل نوجوانان و جوانان، محمد خدایاری فرد، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، بهار ۱۳۷۷ ش.
۳۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی النوری الطبرسی، الطبعة الثانية، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۳۵. المحجبه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ملامحسن فیض الکاشانی، صححه و علق علیه، علی اکبر الغفاری، الطبعة الثانية، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۶. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، کمال الدین ابو معالم محمد بن طلحه النصیبی الشافعی، طبع حجرى، تهران، ۱۲۸۷ ش.
۳۷. مطلوب کل طالب (من کلام علی ابن ابی طالب علیه السلام)، رشید الدین وطواط، تصحیح و تعلیق دکتر محمود عابدی، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۴ ش.
۳۸. معجم مقاییس اللغة، ابوالحسین احمد بن فارس، بتحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، الطلبة الثانية، شرکه مکتبه و مطبعه الحلبي، مصر، ۱۳۸۹ ق.
۳۹. من لایحضره الفقیه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (الصدوق)، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، منشورات جامعه مدرسین قم.
۴۰. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش.

٤١. الميزان فى تفسير القرآن ، السيد محمد حسين طباطبايى ، دارالكتاب الاسلامى ، قم ، ١٣٩٣ ق .
٤٢. نهج البلاغه ، ابوالحسن محمد بن الحسين الموسوى (الشرىف الرضى) ضبط نصه و ابنكر فهارسه العلميه صبحى الصالح ، الطبعة الاولى ، بيروت ، ١٣٧٨ ق (و) انتشارات دارالهجره قم .
٤٣. نهج البلاغه ، فيض الاسلام ، انتشارات فقيه .
٤٤. نهج السعاده فى مستدرک نهج البلاغه ، محمدباقر المحمودى ، الطبعة الاولى ، مؤسسه الاعملى للمطبوعات ، مؤسسه التضامن الفكرى ، بيروت ، ١٣٩٧ ق .
٤٥. وسائل الشيعه ، محمد بن حسن ، حر عاملى ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، ج ٤ ، ١٣٩١ هـ . ق .

پیش گفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
ضرورت و اهمیت تربیت.....	۵
تسریع در تربیت فرزندان.....	۸
بخش اول : تربیت و مسائل اساسی آن از دیدگاه امام علی علیه السلام.....	۱۰
تعریف تربیت.....	۱۰
ویژگی های تربیت اسلامی.....	۱۱
۱. تزکیه و اصلاح خویش.....	۱۲
۲. هدایت و حفاظت از دیگران.....	۱۲
۳. ناظر دانستن خدا بر اعمال خویش.....	۱۴
۴. مقدم بودن حیات اخروی بر حیات دنیوی.....	۱۵
۵. جامعیت و شمول.....	۱۶
۶. عبادت بودن تربیت اسلامی.....	۱۸
۷. هماهنگی با فطرت انسان.....	۱۹
اهداف تربیت.....	۲۰
۱. پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسان.....	۲۲
۲. حرکت و سوق دادن انسان به سوی خدا.....	۲۳
۳. آگاه کردن انسان از پایگاه خویش در جهان و شکوفا کردن لطافت وجودی.....	۲۵
۴. آخرت گرایی و پروا پیشگی.....	۲۶
اصول تربیت.....	۲۸
اصل اعتدال.....	۲۸



۳۰	..... اصل تدرج و تمکن
۳۱	..... اصل تسهیل
۳۲	..... اصل تربیت عقلانی
۳۳	..... اصل تفکر
۳۶	..... اصل تدبیر
۳۸	..... اصل کرامت
۳۹	..... اصل عزت
۴۱	..... آسیب شناسی تربیت
۴۳	..... آسیب های فردی
۴۵	..... آسیب های اجتماعی
۴۷	..... آسیب های سیاسی
۵۰	..... آسیب های اقتصادی
۵۴	بخش دوم : مهم ترین روش های تربیت از منظر امام علی (علیه السلام).....
۵۴	..... روش الگویی
۵۷	..... تاءثیر گذاری الگوها در تربیت
۶۰	..... ویژگی های الگو
۶۰	..... مسئولیت الگو
۶۱	..... اصلاح نفس
۶۳	..... عدم شکاف بین گفتار و کردار
۶۴	..... روش محبت
۶۷	..... ویژگی های روش محبت
۶۷	..... محبت ستون و رکن دین

۶۷	.....	اظهار محبت
۶۸	.....	محبت افراطی
۶۹	.....	روش تذکر
۷۰	.....	ویژگی های متذکران
۷۰	.....	یاد خدا
۷۱	.....	هوشیاری
۷۲	.....	ذکر مداوم
۷۴	.....	یاد مرگ
۷۷	.....	روش عبرت
۷۸	.....	ویژگی های روش عبرت
۷۸	.....	تاریخ ، آینه عبرت
۸۲	.....	روش موعظه
۸۵	.....	ویژگی های روش موعظه
۸۵	.....	عامل بودن موعظه گر
۸۶	.....	رسا، بلیغ و منطقی بودن موعظه
۸۷	.....	پذیرشگری موعظه شونده
۸۹	.....	طولانی نبودن موعظه
۸۹	.....	سری و مخفی بودن موعظه
۹۰	.....	روش توبه
۹۲	.....	ویژگی های روش توبه
۹۲	.....	توبه ، انقلاب درونی
۹۳	.....	ارکان توبه

۹۳	.....	شتاب در توبه
۹۴	.....	مراحل توبه
۹۷	.....	آلوده شدن به گناه
۹۷	.....	روش امتحان و ابتلا
۹۹	.....	ویژگی های روش امتحان
۹۹	.....	امتحان مادی
۱۰۰	.....	امتحان وسیله شکوفایی
۱۰۰	.....	روش مراقبه و محاسبه
۱۰۱	.....	ویژگی های روش مراقبه و محاسبه
۱۰۱	.....	مشارطه
۱۰۳	.....	مراقبه
۱۰۴	.....	محاسبه
۱۰۵	.....	معاتبه
۱۰۶	.....	روش تشویق و تنبیه
۱۰۸	.....	ویژگی های روش تشویق و تنبیه
۱۰۸	.....	رفتار متناسب با شخص
۱۰۹	.....	تقویت انگیزه ها با تشویق به جا
۱۱۲	.....	ویژگی های روش تنبیه
۱۱۲	.....	دقت و ظرافت در امر تنبیه
۱۱۴	.....	تنبیه عامل بیدار کننده
۱۱۵	.....	روش تکریم
۱۱۶	.....	ویژگی های روش تکریم

- ۱۱۶..... گرامی داشتن نفس ها
- ۱۱۷..... کوچک شمردن شخصیت
- ۱۱۸..... روش تغافل
- ۱۱۹..... روش عفو و چشم پوشی
- ۱۱۹..... ویژگی های روش عفو
- ۱۱۹..... بهره گیری در موارد خاص
- ۱۲۰..... احسان در برابر بد رفتاری
- ۱۲۱..... تاءثیر گفتار و کردار نیک
- ۱۲۴..... روش مجازات به قدر خطا
- ۱۲۵..... روش امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۲۷..... ویژگی های این روش
- ۱۲۷..... امر به معروف و نهی از منکر، وسیله اصلاح
- ۱۲۸..... راه های جلوگیری از فساد
- ۱۳۰..... راه های شناخت مصادیق منکر
- ۱۳۱..... مراحل نهی از منکر
- ۱۳۳..... آثار ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۳۳..... روش بیان قصه و داستان
- ۱۳۴..... ویژگی این روش
- ۱۳۴..... نگاه به تاریخ ، وسیله هدایت
- ۱۳۶..... روش عقلانی
- ۱۳۷..... ویژگی های روش عقلانی
- ۱۳۷..... راه های پرورش قدرت تفکر و تعقل

۱۳۹	مصاحبت با نیکان و عدم مصاحبت با نادانان.....
۱۴۰	روش عادت.....
۱۴۲	ویژگی روش عادت.....
۱۴۲	ترک عادات.....
۱۴۲	روش پیشگیری.....
۱۴۳	روش خاطرات خوشایند.....
۱۴۴	روش سیاحت.....
۱۴۶	بخش سوم : وظایف و مسئولیت های متولیان تربیت.....
۱۴۶	مقاوم سازی نسل ، وظیفه ای همگانی.....
۱۴۶	۱. شناخت درد؛.....
۱۴۷	۲. ارزیابی و تخمین.....
۱۴۷	۳. برنامه ریزی در جهت اصلاح؛.....
۱۴۷	مقصود از مقاوم سازی چیست؟.....
۱۵۱	الف) درک هویت خود؛.....
۱۵۱	ب) ایمان و باور؛.....
۱۵۱	ج) عزت نفس؛.....
۱۵۱	د) اعتماد به نفس؛.....
۱۵۲	ه) صبر و استقامت؛.....
۱۵۲	و) وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری؛.....
۱۵۳	عوامل مؤثر در تربیت از منظر امام علی (علیه السلام).....
۱۵۳	۱. عوامل وراثتی.....
۱۵۴	۲. عوامل محیطی.....

- نگاهی گذرا به مسئولیت خانواده و اجتماع ..... ۱۵۴
- مسئولیت خانواده در تربیت ..... ۱۵۵
- نقش پدر و مادر در خانواده ..... ۱۵۷
- الف) خانواده های یک قطبی (هماهنگ): ..... ۱۶۰
- ب) خانواده های دو قطبی (ناهماهنگ): ..... ۱۶۱
- راه های ایجاد محیط آرام در خانواده ..... ۱۶۱
۱. وجود صمیمت بین پدر و مادر؛ ..... ۱۶۲
۲. هوشیاری و دقت و حساسگری ؛ ..... ۱۶۲
۳. رفتار اخلاقی و شخصیت تربیتی ؛ ..... ۱۶۲
۴. برخورد منطقی با خطاهای فرزندان ؛ ..... ۱۶۲
۵. بها دادن به نقاط قوت فرزندان ؛ ..... ۱۶۳
۶. ایجاد محیطی صمیمانه برای بحث و گفتگو؛ ..... ۱۶۳
۷. نظرخواهی از فرزندان در امور خانواده ؛ ..... ۱۶۳
۸. ایجاد محیط همکاری و تقسیم مسئولیت ؛ ..... ۱۶۳
۹. رعایت عدالت در بین فرزندان ؛ ..... ۱۶۳
۱۰. ایجاد جهان بینی مشترک بین افراد خانواده ؛ ..... ۱۶۴
- راه های رسیدن ارکان خانواده به اهداف متعالی ..... ۱۶۴
۱. توجه به اهداف ارزشمند؛ ..... ۱۶۴
۲. شناخت و ایفای حقوق متقابل ..... ۱۶۵
۳. ترجیح منفعت زندگی برمنافع شخصی ؛ ..... ۱۶۵
۴. رعایت اقتصاد و اعتدال ؛ ..... ۱۶۵
۵. تعادل در عواطف ؛ ..... ۱۶۶

۶. هم گرایی و همدلی ؛ ..... ۱۶۶
۷. مثبت گرایی ؛ ..... ۱۶۶
۸. پرهیز از مردسالاری یا زن سالاری ؛ ..... ۱۶۷
۹. اولویت فرزندان ؛ ..... ۱۶۷
۱۰. عمل یک پارچه و صمیمی ؛ ..... ۱۶۷
۱۱. واقع بینی ؛ ..... ۱۶۷
۱۲. اعتلای سطح عشق و محبت ؛ ..... ۱۶۸
۱۳. انتظارات متناسب از یکدیگر؛ ..... ۱۶۸
۱۴. تغافل و مدارا؛ ..... ۱۶۸
۱۵. عیب پوشی ؛ ..... ۱۶۹
۱۶. پرهیز از امر کردن ؛ ..... ۱۶۹
۱۷. مهار خشونت ؛ ..... ۱۶۹
۱۸. زندگی بر خوش بینی بنا شود؛ ..... ۱۶۹
۱۹. خداباوری و اخلاص ؛ ..... ۱۶۹
۲۰. همسان انگاری ؛ ..... ۱۷۰
۲۱. مشارکت و مشورت در زتدگی ..... ۱۷۰
۲۲. باید به اصل تفاوت های فردی معتقد بود. .... ۱۷۱
۲۳. پاسداری از حریم ؛ ..... ۱۷۱
- توصیه های کاربردی به خانواده ها جهت کاهش مشکلات رفتاری ..... ۱۷۱
- والدین باید: ..... ۱۷۱
- پرورش روحیه اجتماعی در فرزندان ..... ۱۷۴
- تاءثیر عوامل محیطی بر انسان ..... ۱۷۸

۱۷۸.....	۱. دوستان و هم سالان.....
۱۷۹.....	۲. انجمن ها و گروه ها.....
۱۸۰.....	۳. علما و دانشمندان.....
۱۸۱.....	۴. همسایگان.....
	توصیه های کاربردی به متولیان امور اجتماعی جهت کاهش مشکلات
۱۸۲.....	رفتاری.....
۱۸۶.....	توصیه های تربیتی و کاربردی امام علی (علیه السلام).....
۱۹۱.....	سخن آخر.....
۱۹۴.....	از محبت خارها گل می شود.....
۱۹۵.....	منابع و مآخذ.....